

شاکي طرح
شکایت کیفری

دارنده چک باشد؛
-گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده باشد؛
-برای اولین بار چک را به بانک ارائه کرده باشد.

کسی که چک به واسطه انتقال قهری به او منتقل شده باشد می تواند شکایت کیفری مطرح نماید.
-اگر بعد از شکایت کیفری شاکي چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به نحوی به دیگری منتقل نماید تعقیب کیفری متوقف می شود.
-در صدور چک به نمایندگی فقط صادر کننده چک (نماینده / وکیل) مسئول است مگر آنکه ثابت نماید عدم پرداخت ناشی از فعل موکل یا وکیل بعدی بوده است.

۱-عدم موجودی
۲-کسر موجودی
۳-صدور چک از حساب مسدود
۴-مغایرت مندرجات چک
۵-عدم مطابقت امضای صادر کننده با نمونه بانکی
۶-دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک (غیرموجه)
۷-تنظیم چک به نحوی که بانک آن را پرداخت نکند
و...

جهات
تمثیلی
شکایت
کیفری
صدور
چک

۱-چک وعده دار - چک مدت دار.
۲-چک سفید امضاء.
۳-چک بدون تاریخ یا واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.
۴-چک مشروط اعم از در متن قرارداد یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.
۵-چک تضمینی اعم از اینکه در متن قرار داد یا به صورت سند جداگانه باشد.
۶-چکی که ثابت شود بابت بهره ربوی یا معاملات نامشروع بوده است.

چک های
فاقد
وصف
کیفری

• مجازات صدور چک پرداخت نشدنی

اگر مبلغ چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد ← حبس تا حداکثر ۶ ماه.
اگر مبلغ چک از ۱۰ تا ۵۰ میلیون ریال باشد ← حبس ۶ ماه تا ۱ سال.
اگر مبلغ چک بیش از ۵۰ میلیون ریال باشد ← حبس از ۱ تا ۲ سال + ممنوعیت داشتن دسته چک به مدت دو سال.
اگر عدم پرداخت به دلیل مسدود بودن حساب بانکی باشد و با علم به این موضوع چک صادر شود ← در هر مورد به حداکثر مجازات ۷ ق.ص.چ محکوم می شود + غیرقابل تعلیق بودن.
🔸 مجازات تعیین شده در مورد صدور چک پرداخت نشدنی قابل تعلیق است مگر در فرضی که چک را با علم به مسدود بودن حساب خود صادر کرده باشد.
🔸 قرارهای تأمین های کیفری برای جرم صدور چک پرداخت نشدنی؛ کفالت، وثیقه و اگر نتواند دو مورد قبل را فراهم کند به بازداشتگاه معرفی می شود.
🔸 زمان وقوع جرم صدور چک پرداخت نشدنی همان زمان صدور چک است نه زمان دریافت گواهی عدم پرداخت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

اگر شخصی اقدام به صدور چند چک پرداخت نشدنی نماید، به سبب صدور هر چک یک مجازات جداگانه تعیین نمی‌شود بلکه مبالغ مندرج در چک‌ها ملاک تعیین میزان مجازات شخص است.

• اسناد در وجه حامل:

اسناد در وجه حامل در شمار اسناد تجاری به معنای عام کلمه هستند. سند در وجه حامل سندی است که درید هر شخصی که باشد همان شخص، مالک آن شناخته می‌شود و برای مطالبه وجه آن ذی‌حق محسوب می‌شود؛ مگر آنکه خلاف این امر ثابت شود، مانند اوراق مشارکت بی‌نام و سهام بی‌نام شرکت‌های سهامی.

با توجه به آنکه چک مسافرتی نیز در گردش‌های پولی و انتقالات مشابه پول است این قواعد شامل چک مسافرتی و اسکناس نمی‌شود.

-تأدیه وجه سند در وجه حامل در صورت مفقودی آن: در صورت مفقودی سند در وجه حامل به نحو زیر عمل می‌شود؛

اگر سندی باشد که دارای ورقه‌های کوپن یا دارای ضمیمه‌ای برای تجدید اوراق کوپن باشد یا سندی باشد که به دارنده آن حق می‌دهد سود یا منفعتی را مرتباً دریافت کند، برای اصدار حکم بطلان سند، مطابق زیر عمل می‌شود: (م ۳۲۲ ق.ت)

-مدعی باید در دادگاه ثابت کند که سند در تصرف او بوده است؛ فعلاً گم شده است. (م ۳۲۳ ق.ت)

-اگر فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند گم شده باشد، برای اثبات این امر ابراز خود سند کافی است. (م ۳۲۳ ق.ت)

-دادگاه صالح برای رسیدگی دادگاه اقامتگاه مدیون سند است. (م ۳۲۳ ق.ت) اگر دادگاه، ادعای مدعی را قابل اعتماد دانست به وسیله اعلان در روزنامه رسمی برای سه مرتبه به دارنده احتمالی سند اخطار می‌کند که اگر تا سه سال از تاریخ اولین اعلان سند را ابراز نکند، حکم بطلان آن صادر می‌شود. دادگاه می‌تواند در صورت نیاز، علاوه بر روزنامه رسمی، طرق دیگری را نیز برای اعلان برگزیند. همچنین دادگاه می‌تواند در صورت نیاز مدتی بیش از سه سال تعیین کند.

-در طول این مدت نیز دادگاه می‌تواند به تقاضای مدعی پرداخت وجه سند از سوی مدیون به اشخاص دیگر را ممنوع کند؛ مگر در صورت اخذ ضامن یا تأمینی که دادگاه تصویب کند.

-این امر در قالب دستور موقت صورت می‌گیرد. (م ۳۲۵ ق.ت)

-اگر در طول مدت سه ساله سند از سوی شخصی ابراز شود دادگاه به مدعی مهلت متناسبی می‌دهد و اخطار می‌کند که اگر تا خاتمه این مدت دعوای خود را تعقیب نکند و دلایل خود را اظهار نکند محکوم می‌شود و سند به ابراز کننده آن بازگردانده می‌شود.

-اگر سند مفقود شده، از جمله اسناد فوق نباشد یا آنچه مفقود شده، خود سند نباشد، بلکه اوراق کوپنی باشد که در ضمن جریان دعوی، لازم التأدیه می‌شوند، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

اگر دادگاه ادعای مدعی را قابل اعتماد دید حکم می‌دهد که اگر سند حال شده باشد، به مدیون وجه سند را در صندوق دادگستری بپردازد و اگر سند مؤجل باشد، حکم می‌دهد که بعد از انقضای اجل مدیون وجه سند را در صندوق دادگستری بپردازد.

-اگر قبل از انقضای مدتی که بعد از آن وجه سند قابل مطالبه نیست، سند از سوی شخصی ابراز شود، دادگاه به مدعی مهلتی متناسب می‌دهد و اخطار می‌کند که اگر تا خاتمه این مدت دعوای خود را تعقیب نکند و دلایل خود را اظهار نکند محکوم می‌شود و سند به ابراز کننده آن بازگردانده می‌شود. (م ۳۲۸ ق.ت)

-اگر تا قبل از انقضای مدتی که بعد از آن وجه سند قابل مطالبه نیست، سند از سوی شخصی ابراز نشود وجهی که در صندوق دادگستری ایداع شده است به مدعی داده می‌شود. (م ۳۳۳ ق.ت)

-دادگاه صالح برای رسیدگی دادگاه اقامتگاه مدیون سند است. (م ۱۱ ق.آ.د.م)

فصل چهارم - ورشکستگی

ورشکستگی حالتی است که در آن تاجر به دلیل توقف از پرداخت دیون مالی خود، از تصرف در اموال جهت حفظ حقوق طلبکاران ممنوع می‌گردد.
نکات:

- معیار ورشکستگی، توقف در پرداخت دیون پولی است، نه صرفاً کم‌بودن دارایی.
- حتی اگر دارایی تاجر از بدهی‌هایش بیشتر باشد، اما در پرداخت دیون دچار وقفه شده باشد، ورشکسته محسوب می‌شود.
- ورشکسته ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
- درخواست اعسار از سوی تاجر پذیرفته نیست.
- اعسار مخصوص غیرتاجران است.
- ورشکستگی ناشی از توقف در پرداخت دیون پولی است، نه توقف در انجام سایر تعهدات (تجاری یا غیرتجاری).
- اصل بر غیرتاجر بودن است، مگر آنکه خلافش ثابت شود.
- در صورت شک بین کسبه جزء یا تاجر بودن، اصل بر تاجر بودن است.
- زیان‌ده بودن یک تاجر یا شرکت تجاری به تنهایی، دلیل بر ورشکستگی نیست.
- در صورتی که تا قبل از صدور حکم ورشکستگی، توقف برطرف شود، دیگر حکم ورشکستگی صادر نخواهد شد.
- ورشکستگی مربوط به زمانی است که شخص در زمان صدور حکم، تاجر باشد.
- اگر شخصی قبلاً تاجر بوده ولی اکنون فعالیت غیرتجاری دارد، در صورت توقف، حکم ورشکستگی درباره او صادر نمی‌شود.

○ تفاوت اعسار و ورشکستگی:

ورشکستگی (ویژه تاجر)	اعسار (ویژه غیرتاجر)	موضوع مقایسه
فقط مخصوص تجار (حقیقی یا حقوقی)	فقط مخصوص اشخاص غیرتاجر	شخص مشمول
تاجر ورشکسته از تصرف در اموال خود ممنوع می‌شود	شخص معسر می‌تواند در اموال خود تصرف داشته باشد	تصرف در اموال
آغاز تصفیه جمعی دارایی توسط مدیر تصفیه و پرداخت به غرماء	فقط معافیت از پرداخت فوری یک دین خاص دارد	نتیجه حکم
قابل صدور است اگر متوفی در زمان حیات در حالت توقف بوده باشد	قابل صدور نیست؛ اعسار برای متوفی معنا ندارد	نسبت به متوفی
حتی پس از فوت، تصفیه طبق قواعد ورشکستگی ادامه می‌یابد	با فوت شخص، حکم اعسار بلااثر می‌شود	تأثیر مرگ پس از صدور حکم
ممکن است به درخواست تاجر، یک یا چند طلبکار، یا دادستان باشد	فقط شخص بدهکار (غیرتاجر)	درخواست‌کننده حکم

○ اشخاص مشمول ورشکستگی:

- بانک‌ها و شرکت‌های بیمه
- کلیه اشخاص حقوقی از جمله مؤسسات غیرتجاری
- محجورین، در صورتی که تاجر محسوب شوند و قیم یا ولی نتواند از محل دارایی‌شان دیون را بپردازد
- حجر مانع ورشکستگی نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

*برای شخصی حکم ورشکستگی صادر می‌شود که در حین صدور تاجر باشند بنابراین برای شخصی که سابقاً تاجر بوده و در حال حاضر به اعمال غیرتجاری اشتغال دارد و در پرداخت دیونش دچار وقفه و توقف شده باشد حکم ورشکستگی صادر نمی‌شود.

○ حکم ورشکستگی پس از فوت تاجر:

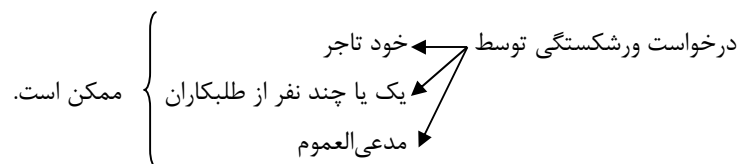
- اگر تاجر در زمان فوت در حالت توقف بوده باشد، تا یک سال پس از فوت، می‌توان برای او حکم ورشکستگی صادر کرد.
- تصفیه ترکه تاجر متوفی (چه در توقف یا غیر آن) مطابق با مقررات ورشکستگی انجام می‌شود.
- حکم اعسار برای متوفی قابل صدور نیست.

○ شرکت‌های تجاری:

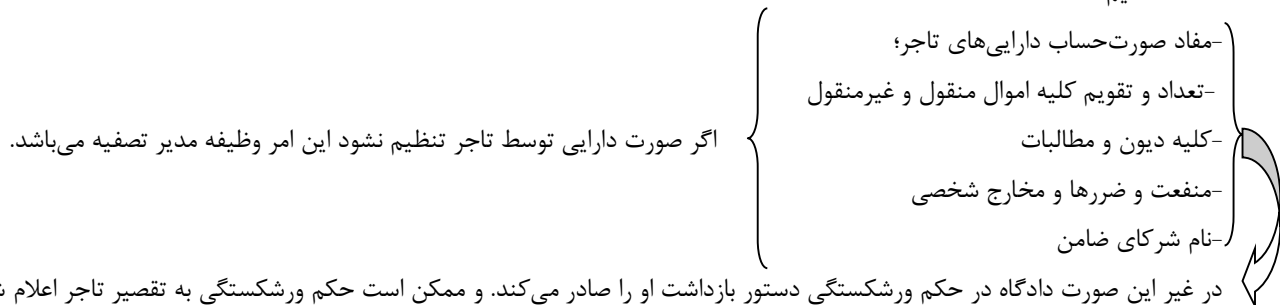
- پس از انحلال و تا قبل از تقسیم اموال شرکت (ختم تصفیه)، امکان صدور حکم ورشکستگی وجود دارد.
- { زیرا تا قبل از ختم تصفیه شخصیت حقوقی شرکت باقی است. }
- تاریخ توقف ممکن است قبل یا بعد از انحلال تعیین شود.
- در شرکت تضامنی بعد از انحلال و تا قبل از تقسیم اموال همچنان حکم ورشکستگی قابل صدور است.
- اگر شرکتی منحل شود و بعد از انحلال، حکم ورشکستگی آن صادر شود، ممکن است تاریخ توقف آن شرکت، تاریخی قبل از انحلال یا بعد از انحلال تعیین شود.

○ گسیه جزء:

در مورد کسبه جزء، اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از محکوم‌به پذیرفته می‌شود.



-تاجر مکلف است ظرف ۳ روز از تاریخ توقف، اعلام توقف نماید و صورت دارائی و دفاتر تجاری خود و صورت دیون و لیست طلبکاران را به دفتر دادگاه تسلیم کند.



• اوصاف دعوای ورشکستگی:

- دعوای غیرمالی است.
- مرجع صالح دادگاه عمومی اقامتگاه تاجر و اگر مقیم ایران نباشد در دادگاهی که در آن حوزه شعبه یا نمایندگی دارد.
- طرح دعوای ورشکستگی در محاکم خارج، مانع رسیدگی محاکم ایران نمی‌باشد. (قاعده سرزمینی)

• اوصاف حکم ورشکستگی:

- فوراً اجرا می‌شود.
- مشمول قاعده فراغ دادرسی نمی‌شود.
- از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-جنبه اعلامی - تأسیسی دارد با غلبه جنبه اعلامی.

✎ حکم ورشکستگی باید در روزنامه کثیرالانتشار نشر آگهی شود. این حکم پس از انتشار ظرف ۱۰ روز از جانب تاجر قابل اعتراض در همان دادگاه است.

✎ ظرف یک ماه از جانب اشخاص مقیم ایران و دو ماه برای خارج از ایران قابل اعتراض در همان دادگاه است.

① تاریخ توقف و تاریخ ورشکستگی

-تاریخ توقف: تاریخی که تاجر عملاً در تأدیه دیون خود دچار وقفه شده است.

تاریخ ورشکستگی: تاریخی که دادگاه حکم ورشکستگی را صادر می کند.

✓ نکات مهم درباره تاریخ توقف:

-تاریخ اولین عدم پرداخت دین سررسید شده معمولاً به عنوان تاریخ توقف در نظر گرفته می شود.

-دادگاه موظف است در حکم ورشکستگی، تاریخ توقف را مشخص کند.

-اگر مشخص نکند، تاریخ صدور حکم ورشکستگی به عنوان تاریخ توقف محسوب می شود.

-اگر تاجر چند بار دچار توقف شده و در هر بار بدون صدور حکم، رفع توقف شده باشد:

در صورت صدور حکم در نوبت آخر، تاریخ آخرین توقف ملاک خواهد بود.

○ دوره ورشکستگی

دوره ورشکستگی: فاصله بین تاریخ صدور حکم بدوی ورشکستگی تا زمان خاتمه ورشکستگی است.

شروع: صدور حکم بدوی (نه قطعی).

پایان در دو صورت: انعقاد قرارداد ارفاقی و تصدیق آن توسط دادگاه.

صدور حکم اعاده اعتبار تاجر توسط دادگاه.

🔗 آثار ورشکستگی نسبت به تصرفات تاجر

۱. ممنوعیت تصرف در اموال

از زمان صدور حکم ورشکستگی، تاجر:

از هرگونه تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع می شود.

این ممنوعیت شامل اموالی است که پس از صدور حکم و در دوره تصفیه نیز به دست می آورد.

۲. حجر سوءظنی

تاجر ورشکسته محجور تلقی می شود، اما نه به دلیل فقدان اراده یا عقل، بلکه به دلیل سوءظن نسبت به رفتار مالی او.

به این نوع حجر، حجر سوءظنی می گویند.

آثار آن مشابه حجر قانونی است (نظیر ممنوعیت تصرفات مالی).

۳. قائم مقامی مدیر تصفیه در دعاوی مالی

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی:

در دعاوی مالی (مطالبه بدهی، دفاع در برابر طلبکاران و...)، مدیر تصفیه به جای تاجر اقامه یا پاسخ دعوا می کند.

در امور غیرمالی (مانند طلاق، نسب، امور خانوادگی و شخصی)، خود تاجر می تواند مستقیماً اقدام کند.

۴. معافیت از پرداخت هزینه دادرسی

تاجر ورشکسته از پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی مربوط به ورشکستگی معاف است.

آثار ورشکستگی نسبت به اسناد تجاری (برات، سفته، چک)

۱. حال شدن دین

اگر هر یک از متعهدین سند تجاری ورشکسته شود، وجه سند نسبت به او حال می شود.

۲. متعهد اصلی ورشکسته شود:

شامل:

صادرکننده برات

قبول کننده برات

صادرکننده براتی که قبول نشده است

-در این حالت، وجه سند تجاری نسبت به همه حال می شود. مگر اینکه پرداخت آن در سررسید تأمین شود (مانند معرفی ضامن یا وثیقه).

۳. ورشکستگی صادرکننده براتی که قبول شده است:

وجه برات فقط نسبت به صادرکننده حال می شود،

اما نسبت به سایر متعهدین (مانند ظهرنویس، ضامن) همچنان مؤجل باقی می ماند.

۴. ورشکستگی ظهرنویس سند تجاری:

تعهد ظهرنویس نسبت به خودش حال می شود، ولی سند نسبت به سایر متعهدین همچنان مؤجل است.

۵. ضامنین:

اگر متعهد اصلی ورشکسته شود،

ضامنین همچنان تعهدشان در سررسید است و دین آن ها حال نمی شود.

○ آثار ورشکستگی نسبت به دیون تاجر

۱. حال شدن دیون

همه دیون تاجر (اعم از دیون دارای مهلت قراردادی یا قضایی) با رعایت تخفیفات مقتضی، حال می شوند.

۲. خسارت تأخیر تأدیه متوقف می شود

از تاریخ توقف (نه حکم ورشکستگی)، دیگر خسارت تأخیر تأدیه از تاجر قابل مطالبه نیست.

۳. مطالبات تاجر حال نمی شود

اگر تاجر طلبی از دیگران دارد، طلب او حال نمی شود و در سررسید پرداخت می شود.

۴. سود و خسارت قابل مطالبه نیست (با استثنا)

هیچ گونه سود یا خسارت تأخیر از تاجر ورشکسته قابل مطالبه نیست،

*مگر سودی که در اصل قرارداد پیش بینی شده باشد.

مثال: اگر کالایی به قیمت ۲۰۰ به صورت نسیه ۲۱۰ فروخته شده باشد، آن ۱۰ تومان سود قابل مطالبه است.

- ۱- قبل از توقف
- ۲- توقف تا ورشکستگی
- ۳- بعد از صدور حکم ورشکستگی

آثار ورشکستگی نسبت به
معاملات تاجر.

الف) دوره قبل از توقف

✓ اصل بر صحت معاملات است

✗ مگر در دو حالت استثنایی:

۱. معامله صوری یا مسبوق به تبانی؛ باطل است.

طرف معامله برای استرداد مال یا وجه به صف غرماء می پیوندد.

۲. معامله به قصد اضرار طلبکاران؛ اگر معامله موجب ضرر بیش از یک چهارم قیمت واقعی باشد و قصد اضرار احراز شود، قابل فسخ است (نیاز به طرح دعوی دارد).

-مدت طرح دعوی: تا دو سال از تاریخ معامله.

-اگر طرف معامله مابه التفاوت را بپردازد، فسخ نمی شود.

-اگر معامله فسخ شود و طرف مقابل سوءنیت نداشته باشد، در استرداد مال مقدم بر غرماء خواهد بود.

ب) دوره توقف تا صدور حکم ورشکستگی

✓ اصل معاملات صحیح است

✗ مگر در موارد زیر که به طور مطلق باطل اند:

۱. معاملات بلاعوض یا مسامحه آمیز (مثلاً صلح محاباتی)

۲. پرداخت دیون (چه حال، چه مؤجل)

۳. عقود مقیدکننده اموال (مانند رهن، وثیقه و...) که به ضرر طلبکاران باشد

✎ حتی پرداخت دین اجباری و از طریق مراجع رسمی (مثل اداره ثبت) نیز باطل است و باید استرداد شود.

← استثنا:

اگر مال مقید شود ولی به طلبکاران ضرری نرسد (مثل رهن مستثنیات دین)، این معامله باطل نیست.

← حق فسخ تاجر:

اگر تاجر در معامله ای حق فسخ دارد، در دوران تصفیه هم می تواند از اختیار استفاده کند، مشروط بر اینکه به ضرر طلبکاران نباشد.

⊘ وقف اموال در این دوره نیز باطل است.

ج) بعد از صدور حکم ورشکستگی

اصل: تمام معاملات مالی تاجر باطل است.

اما در واقع:

این معاملات غیر نافذ تلقی می شوند. تنفیذ یا رد آن ها با مدیر تصفیه است.

★ تأثیر ورشکستگی در عقد اجاره:

۱- در صورت صدور حکم ورشکستگی مستأجر، به صرف این ورشکستگی نه موجر نه مستأجر حق فسخ ندارند و تفاوتی ندارد که اجاره بها پرداخت شده است یا خیر.

۲- در صورتی که اجاره بها پرداخت نشده باشد مؤجر وارد غرما می شود و اولویتی ندارد.

۳- گرچه در ماده ۵۱۲ امکان فسخ قرارداد توسط مدیر تصفیه مستأجر ورشکسته پیش بینی شده ولی چون در ادامه ماده رضایت مؤجر برای فسخ اجاره توسط مدیر تصفیه لازم دانسته پس منظور از فسخ، اقاله بوده است. بنابراین خاتمه ای رابطه استیجاری صرفاً با اقاله امکان پذیر است.

۴- اگر مستأجر قبل از صدور حکم ورشکستگی برای اجاره بها تأمین داده باشد این تأمین ها به حال خود باقی می ماند ولو اینکه اعطای تأمین در دوره توقف صورت گرفته باشد. بنابراین این تأمین جز استثنای بند ۳ ماده ۴۲۳ است که معاملات رهنی بعد از توقف را باطل دانسته است.

۵- مؤجر می تواند از مدیر تصفیه بابت اجاره بها ایام بعد از صدور حکم ورشکستگی تأمین بخواهد و مدیر تصفیه باید به مؤجر تأمین کافی بدهند مگر اینکه اقاله قرارداد اجاره توسط مدیر یا اداره تصفیه به مؤجر پیشنهاد شده و مؤجر نپذیرد که در این صورت نمی تواند مطالبه ای تأمین کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۶- اگر اجاره اقاله نشود و منافع عین مستأجره به دلایلی مانند عدم انعقاد قرارداد ارفاقی یا عدم امکان فعال کردن بنگاه ورشکسته توسط مدیر یا اداره تصفیه قابل استفاده نباشد مدیر تصفیه می‌تواند مورد اجاره را اجاره بدهد به این شرط که حق انتقال او سلب نشده باشد.

• مراحل اجرای حکم ورشکستگی

۱. اقدامات تأمینی اولیه

هدف: جلوگیری از حیف و میل دارایی تاجر و حفظ حقوق طلبکاران.

اقدامات شامل:

-مهر و موم اموال تاجر (برای جلوگیری از تصرف یا انتقال غیرقانونی)-

تهیه صورت‌برداری از دارایی‌ها

-در موارد خاص، توقیف شخص تاجر ورشکسته

۲. تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکاران

۳. فروش اموال تاجر ورشکسته و تبدیل آن به وجه نقد

هدف: تأمین وجه لازم برای پرداخت دیون تأیید شده.

۴. توزیع وجوه بین طلبکاران (غرماء)

• اجرای حکم ورشکستگی:

-اجرای حکم ورشکستگی تصفیه نام دارد.

-حکم ورشکستگی قبل از قطعیت و در زمانی که هنوز قطعیت نیافته اجرا می‌شود.

-برای اجرای این حکم نیاز به ابلاغ حکم به محکوم علیه نیست.

-نیاز به صدور اجرائیه ندارد.

-به دلیل جنبه عمومی بودن نیاز به تقاضا شخصی اجرا انجام می‌شود و تقاضای توقف آن پذیرفته نمی‌شود.

-اجرا حکم توسط اداره تصفیه یا مدیر تصفیه است.

○ اعتراض به تاریخ توقف

تاریخ توقف نقش مهمی در تعیین معاملات و پرداخت‌های باطل شده دارد (طبق ماده ۴۲۳ قانون تجارت).

-دو گروه اصلی معترض به تاریخ توقف:

۱-طلبکارانی که هنوز طلبی دریافت نکرده‌اند

-خواهان قدیمی‌تر بودن تاریخ توقف هستند

-هدف: بازگشت اموالی که تاجر قبل از توقف به بعضی پرداخت کرده

-اموال پس گرفته شده بین همه طلبکاران به نسبت حصة غرمایی تقسیم می‌شود.

۲-طلبکارانی که بعد از تاریخ توقف طلب خود را دریافت کرده‌اند

-خواهان دیرتر بودن تاریخ توقف هستند

-چون اگر پرداخت بعد از تاریخ توقف انجام شده باشد، باطل است

-می‌خواهند تاریخ توقف بعد از دریافت طلبشان تعیین شود تا از بطلان نجات یابد.

- | | | |
|---|---|----------|
| <div style="display: inline-block; vertical-align: middle;">۱-اعتراض به رأی: از طرف ذی‌نفع یا تاجر در همان دادگاه صادر کننده می‌توان نسبت به کل حکم یا فقط ناظر به توقف باشد.</div> | <div style="display: inline-block; vertical-align: middle; font-size: 3em; vertical-align: middle;">}</div> | شکایت از |
| | | حکم |
| | | ورشکستگی |
| <div style="display: inline-block; vertical-align: middle;">۲-تجدیدنظرخواهی: مهلتان ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ است.</div> | | |
| <div style="display: inline-block; vertical-align: middle;">۳-فرجام‌خواهی: قابل فرجام نیست.</div> | | |

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• **تصفیه در ورشکستگی:**

۱- نقش‌ها و وظایف:

الف- مدیر تصفیه: مسئول اجرای تصفیه اموال و پرداخت دیون.

ب- عضو ناظر: ناظر بر عملکرد مدیر تصفیه و گزارش‌دهنده به دادگاه.

۲- مدت تصفیه:

طبق قانون اداره تصفیه، باید در مدت ۸ ماه انجام شود.

نکته مهم: این مدت قابل تمدید است.

۳- نحوه انتخاب و شرایط:

- انتخاب توسط دادگاه انجام می‌شود و به شکل قراری غیرقابل اعتراض صادر می‌گردد.

- هر دو (عضو ناظر و مدیر تصفیه) باید شخص حقیقی باشند.

- عضو ناظر در زمان صدور حکم ورشکستگی تعیین می‌شود.

- مدیر تصفیه تا حداکثر ۵ روز بعد از صدور حکم انتخاب می‌شود.

- حق الزحمه هر دو با تصمیم دادگاه تعیین می‌گردد.

۴- افراد ممنوع از تصدی سمت مدیر تصفیه:

- کسانی که با تاجر ورشکسته نسبت سببی یا نسبی تا درجه چهارم دارند.

- طلبکاران تاجر.

۵- امکان تعویض مدیر تصفیه و عضو ناظر:

- این افراد قابل تغییر توسط دادگاه هستند.

دادگاه می‌تواند بر اساس:

نظر عضو ناظر

یا شکایت موجه تاجر یا طلبکاران تصمیم به تغییر مدیر تصفیه بگیرد.

۶- مراحل شکایت از مدیر تصفیه:

- ابتدا شکایت باید به عضو ناظر ارائه شود.

- عضو ناظر باید ظرف ۳ روز رسیدگی کرده و نظر دهد.

- تصمیم عضو ناظر قابل اعتراض در دادگاه است.

- اگر عضو ناظر تا ۱۰ روز اقدامی نکند، شاکی می‌تواند مستقیماً به دادگاه مراجعه کند.

- رأی نهایی دادگاه در این خصوص قابل اعتراض نیست.

نکته پایانی: مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات عضو ناظر همان دادگاهی است که او را منصوب کرده است.

• **اداره تصفیه:**

- کارکنان اداره تصفیه یا اقارب تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارایی ورشکسته نمی‌توانند معامله کنند (باطل) ولی منعی برای عضو ناظر و مدیر تصفیه وجود ندارد.

- اداره تصفیه می‌تواند در صورت لزوم برای اقدامات تأمینی اولیه به اعتبار دارایی موجود ورشکسته استقراض کنند.

- مستثنیات دین به اختیار ورشکسته داده می‌شود ولی جزء صورت اموال قید می‌شود.

- نفقه تاجر و اشخاص واجب النفقه توسط اداره تصفیه معین می‌شود.

- برای تعیین نفقه دوران ورشکستگی علاوه بر رضایت عضو ناظر، تصویب دادگاه نیز نیاز است. (عدم نیاز به رضایت طلبکار)

- اموال تاجر ورشکسته از طریق مزایده فروخته می شود مگر؛

الف- هیأتی از طلبکاران که شرایط ماده ۴۸۰ ق.ت (اکثریت عددی که دارای سه چهارم مطالبات هستند) را داشته باشند به این رضایت دهند.

ب- زمانی که کالا جنبه بورسی و بازاری دارد.

- اشیاء مورد وثیقه را نمی توان به طریق غیر از مزایده فروخت مگر رضایت بستانکارانی که نسبت به آن ها حق وثیقه دارند جلب شوند.

هرگاه یکی از بستانکاران، نسبت به قبول طلب بستانکار دیگر توسط اداره تصفیه امور ورشکستگی اعتراض داشته باشد باید دعوای خود را علیه بستانکاری که طلب او مورد اعتراض است مطرح کند. ولی اگر شخصی که اعتراض طلب او بی مورد رد شده است یا حق تقدم و رهن او منظور نشده است دعوا را باید علیه اداره تصفیه مطرح کند. در فرضی که برای رد طلب طرح دعوا شده، و به نتیجه می رسد سهمی که تخصیص به آن طلب داده شده، در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص پیدا می کند و مازاد بین سایر طلبکاران تقسیم می شود.

○ وظایف مدیر تصفیه

۱- درخواست مهر و موم اموال

اگر قبل از تعیین مدیر تصفیه، مهر و موم انجام نشده باشد، باید اقدام کند.

۲- خارج کردن اشیاء از مهر و موم

با اجازه عضو ناظر می تواند اشیاء را از مهر و موم خارج کند.

۳- فروش اموال سریع الفساد

مثل کالاهای فاسدشدنی؛ با اجازه عضو ناظر انجام می شود.

۴- تحویل گرفتن دفاتر تجاری

دفاتر قانونی تاجر را دریافت و نگهداری می کند.

۵- درخواست رفع توقیف از اموال

برای جلوگیری از تضییع حق تاجر در اموال توقیف شده.

۶- تنظیم صورت دارایی

باید در دو نسخه تهیه شود.

۷- وصول مطالبات تاجر

با نظارت عضو ناظر اقدام به وصول می کند.

۸- تحویل اوراق تجاری (برات، سفته و...) به مدیر تصفیه

اوراقی که سررسید نزدیک دارند یا باید در مورد آن ها اقدام تأمینی شود، از توقیف خارج شده و به مدیر تصفیه داده می شوند.

۹- فروش اثاثیه منزل و مال التجاره

با اجازه دادستان و تحت نظارت عضو ناظر انجام می پذیرد.

۱۰- اقدامات تأمینی نسبت به بدهکاران تاجر

برای حفظ حقوق ورشکسته در برابر مدیونین او اقدام می شود.

۱۱- در مورد مال التجاره های تحویلی که هنوز تسلیم نشده اند:

اگر مال التجاره ای که برای تاجر ورشکسته حمل شده به خود تاجر یا نماینده او تسلیم نشده و وجه آن نیز اخذ نشده باشد و تاجر از روی صورت حساب یا بارنامه آن را نفروخته باشد، فروشنده حق دارد از تسلیم خودداری کند؛

اما مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا کند که برای این کار باید قیمتی را که بین فروشنده و خریدار توافق شده است مقدم بر غرما به شخص فروشنده بپردازد.

❑ نکات تکمیلی

- صدور حکم ورشکستگی موجب تغییر در مالکیت اموال تاجر یا جا به جایی مالکیت اموال او نیست.
- اموال آن تاجر همچنان در مالکیت آن تاجر است و صرفاً اداره آن اموال در اختیار اداره یا مدیر تصفیه قرار می‌گیرد.
- اگر ورشکسته معامله مالی منعقد کند که این معامله متضمن تصرف در اموال موجود او نباشد، بلکه صرفاً بر میزان دیون و تعهدات او بیفزاید، مانند آنکه شخص ورشکسته ضامن شخص دیگری شود، این معامله صحیح است اما در برابر غرما قابل استناد نیست.
- تاجر نسبت به قبول یا عدم قبول تملکات مجانی مانند هبه، وصیت و... محجور نیست و مختار به قبول یا رد است اما در فرض قبول آن مال باید برای فروش و تقسیم بین غرما به مدیر تصفیه داده شود.
- یکی از موجبات انحلال شرکت‌های تجاری ورشکستگی است.
- شخصیت حقوقی شرکت با ورشکستگی خاتمه نمی‌یابد.
- نقل و انتقال سهام و سهم الشرکه بعد از صدور حکم ورشکستگی ممکن است.
- در شرکت سهامی بعد از ورشکستگی اگر دارایی شرکت کافی نباشد مدیران متخلف مسئولیت تضامنی دارند. در سایر شرکت‌ها مدیران متخلف مسئولیت مشترک دارند مگر مدیران شرکای ضامن باشند.
- از تاریخ ورشکستگی دعاوی علیه ورشکسته باید به طرفیت مدیر یا اداره تصفیه اقامه شود.
- دعاوی سابق تاجر که در جریان است نیز به طرفیت اداره یا مدیر تصفیه ادامه می‌یابد.
- تاجر ورشکسته می‌تواند به‌عنوان وارد ثالث در دعاوی که مدیر یا اداره تصفیه به قائم مقامی او حضور دارند ورود کند البته دادگاه مکلف به پذیرش نیست.
- تاجر نمی‌تواند به آراء که اداره یا مدیر تصفیه در آن دعوی به طرفیت او حضور داشته‌اند اعتراض ثالث نماید.
- دیون مؤجل تاجر با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به دیون حال مبدل می‌شود.
- حال شدن دیون به محض صدور حکم ورشکستگی بدون نیاز به قطعیت رخ می‌دهد.

○ نکات مهم درباره توقیف اموال تاجر ورشکسته

- ۱- در صورتی که مال توقیف شده، عین معین مورد ادعای خواهان باشد:
 - برای شخص توقیف کننده حق تقدم ایجاد می‌شود.
 - حتی اگر آن عین معین توقیف نشده باشد و بعداً ثابت شود مال متعلق به ثالث است، آن مال از دارایی تاجر خارج و به مالک واقعی مسترد می‌شود.
- ۲- اگر مال توقیف شده عین معین نباشد (یعنی خواسته کلی باشد):
 - در این صورت معادل مبلغ خواسته خواهان از اموال توقیف می‌شود.
 - اگر توقیف قبل از تاریخ توقف صورت گرفته باشد، برای توقیف کننده حق تقدم ایجاد می‌شود.
 - اما اگر توقیف بعد از تاریخ توقف باشد: توقیف باطل است و هیچ حق تقدمی برای توقیف کننده ایجاد نمی‌شود.

• اقسام ورشکستگی

۱. ورشکستگی عادی

- فقط جنبه تجاری دارد.
- فاقد وصف کیفری است.
- ناشی از عدم توانایی عادی تاجر در پرداخت دیون است.

۲. ورشکستگی به تقلب

- دارای جنبه کیفری است.
- همراه با سوءنیت و اقدامات فریبکارانه است.

-طبق ماده ۵۴۹ قانون تجارت، در صورت ارتکاب اعمال زیر، تاجر ورشکسته به ورشکسته به تقلب شناخته می‌شود و طبق قانون مجازات می‌شود.

✎ مصادیق ورشکستگی به تقلب:

-مفقود کردن دفاتر تجاری

-مخفی کردن تمام یا بخشی از دارایی

-از بین بردن اموال با معاملات صوری یا مواضعه (ظاهرسازی معامله برای فرار از دین)

-تقلب در اسناد یا صورت‌های دارایی برای بیش‌نمایی بدهی یا جعل وضعیت مالی

✓ نگهداری دفاتر غیرواقعی، مخفی نمودن دفاتر حتی با سوءنیت، مفقود نمودن دفاتر توسط دیگران ورشکستگی به تقلب محسوب نمی‌شود.

✓ اگر تاجر محکوم به ورشکستگی به تقلب شود، امکان انعقاد قرارداد ارفاقی وجود ندارد.

✓ از بین بردن اموال چه از طریق معامله باشد چه از طریق تخریب از مصادیق ورشکستگی به تقلب است.

✓ تعقیب به عنوان ورشکستگی به تقصیر یا تقلب توسط دادستان، مدیر تصفیه، طلبکاران، ممکن است.

✓ در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی‌العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچ وجه نمی‌توان به هیات‌طلبکارها تحمیل نمود - در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجرا نمی‌توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت‌های معینه در قرارداد.

✓ مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه به نام طلبکارها می‌شود در صورت برائت تاجر به عهده هیات طلبکارها و در صورتی که محکوم شد به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

✓ مدیر تصفیه نمی‌تواند تاجر ورشکسته را به‌عنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیات طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

✓ مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب‌کننده است.

○ اشخاصی که در حکم ورشکسته به تقلب هستند:

- اشخاصی که به نفع تاجر ورشکسته بخشی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را از بین ببرد یا پیش خود نگه دارد یا مخفی کند.

-اگر شخصی اظهار غیرواقعی کند که از تاجر مبلغی را طلب دارد و التزام داده باشد که طلبش مشروع است.

-اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت کرده باشند و اعمالم ۵۴۹ را مرتکب شده باشند.

-شخصی که مال تاجر را خریده است مشمول ماده ۵۵۱ ق.ت نیست.

-اگر اقوام، ورشکسته بودن شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی کنند به مجازات سرقت محکوم خواهند شد.

-اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیفو میل کرده باشد به مجازات خیانت‌درامانت محکوم می‌شود.

-ورشکستگی به تقصیر:

الف-تقصیر اختیاری:

صدور حکم ورشکستگی به تقصیر در اختیار دادگاه است.

طبق ماده ۵۴۲ ق.ت، در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود؛

-اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آن‌ها آن تعهدات، فوق‌العاده باشد.

-اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد. (توقف خود را ظرف ۳ روز اعلام نکرده و صورت‌حساب و ... تسلیم دادگاه نکرده باشد.

-دفتر نداشته یا دفتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی، وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به‌طور صحیح معین نکرده باشد.

-عدم ابراز دفاتر از مصادیق ورشکستگی به تقصیر نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب- ورشکستگی به تقصیر اجباری:

- ۱- مخارج شخصی تاجر نسبت به درآمدش زیاد بوده (در زمان قبل ورشکستگی)
- ۲- مبالغ عمده صرف معاملات موهوم یا معاملاتی که نفع آن منوط به اتفاق محض است.
- ۳- اگر برای به تأخیر انداختن ورشکستگی اقدامی خارج از مصلحت انجام داده باشد (مانند صدور برات سازشی)
- ۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

✓ نکات تکمیلی:

- ✓ اگر مخارج خانه تاجر در ایام فوق العاده (غیرعادی) نسبت به عایدی او فوق العاده باشد مشمول مورد اول نمی‌باشد.
- ✓ صرف خرید بالاتر یا فروش نازل‌تر از قیمت روز برای ورشکستگی به تقصیر کافی نیست بلکه تاجر باید قصدش به تأخیر انداختن ورشکستگی باشد و لزومی ندارد که قصد اضرار به طلبکاران داشته باشد.
- ✓ صرف پرداخت طلب یکی از طلبکاران برای تحقق ورشکستگی به تقصیر کافی است و لازم نیست تاجر سوءنیت داشته باشد.

• اقسام تصفیه در ورشکستگی

۱. تصفیه اختصاری

در صورتی انجام می‌شود که طبق تشخیص اداره تصفیه، حاصل فروش اموال تاجر کافی برای پرداخت هزینه‌های ورشکستگی نباشد. اداره تصفیه آگهی منتشر می‌کند که: ظرف ۴۰ روز، هر کس ادعایی دارد، اعلام کند. پس‌از آن، بدون رعایت تشریفات معمول و به هر ترتیبی که منافع طلبکاران اقتضا کند: اقدام به فروش اموال و انجام تقسیم بین طلبکاران می‌نماید.

۲. تصفیه عادی

- اداره تصفیه آگهی رسمی منتشر می‌کند و اعلام می‌دارد که:
- طلبکاران و افراد مدعی ظرف ۲ ماه ادعاهای خود را به همراه مدارک لازم تسلیم کنند.
- نکات مهم در تصفیه عادی:
- ۱- اولین جلسه هیئت طلبکاران:
 - حداکثر تا ۲۰ روز پس از پایان مهلت دوماهه تشکیل می‌شود.
 - ۲- اخطار به بدهکاران ورشکسته:
 - باید ظرف همان ۲ ماه خود را معرفی کنند.
 - در غیر این صورت، به:
 - جریمه نقدی معادل ۲۵٪ دین (به نفع صندوق مذکور در ماده ۵۴) و احتمالاً حبس از ۳ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.
 - ۳- اخطار به متصرفان اموال تاجر ورشکسته:
 - موظفان اموال را به اداره تصفیه تحویل دهند.
 - در غیر این صورت، هرگونه حقی نسبت به آن مال از آن‌ها سلب می‌شود مگر اینکه عذر موجه داشته باشند.
 - ۴- تنظیم صورت دیون:
 - پس از پایان مهلت ۲ ماهه، ظرف حداکثر ۲۰ روز، اداره تصفیه:
 - صورت اموال را با در نظر گرفتن طلب‌های دارای رهن یا حق رجحان تهیه می‌کند.
 - این صورت آگهی می‌شود.
 - ۵- اعتراض به عدم پذیرش حق رجحان:
 - اگر طلبکاری مدعی حق رجحان باشد ولی اداره تصفیه آن را نپذیرد، یا اگر طلبکار مردود شناخته شود:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

موضوع به صورت مستقیم به آن‌ها ابلاغ می‌شود.

آنان ۲۰ روز فرصت دارند تا در دادگاهی که حکم ورشکستگی صادر کرده، طرح دعوی کنند.

- **مهر و موم اموال تاجر ورشکسته:**

۱- قبل از ورشکستگی ← تاجر فرار کرده باشد؛

← تمام یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده باشد.

- این مهر و موم توسط امین صالح انجام می‌شود.

- با توجه به اینکه امروزه امین صالح وجود ندارد مهر و موم قبل از ورشکستگی با دادگاه محل اقامت تاجر است.

۲- بعد از ورشکستگی؛

- مهر و موم الزامی است.

- فوراً توسط عضو ناظر انجام می‌شود.

- در صورتی که به عقیده ناظر، برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به صورت برداری شود و مهر و موم اموال الزامی نیست.

- اگر برخی از اموال تاجر برای امرار معاش او لازم باشد، تاجر ورشکسته درخواست می‌کند و عضو ناظر با تصویب دادگاه آن اموال را از مهر و موم خارج می‌کند.

- در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی، مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آن‌ها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

- **صلح دعاوی تاجر ورشکسته:**

- مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکاران در آن ذی‌نفع باشند می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد.

- صلح دعاوی غیرمالی با خود تاجر است.

- در مورد دعاوی اموال غیرمنقول، برای صلح باید تاجر ورشکسته حضور داشته باشد.

- تاجر ورشکسته حق دارد به صلح در دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی اعتراض کند. نظر دادگاه در این خصوص قطعی و غیرقابل اعتراض است.

- اعتراض ورشکسته مانع از اجرای صلح نیست مگر راجع به اموال غیرمنقول.

- **ارجاع دعاوی ورشکسته به داور:**

- اصل دعاوی ورشکستگی قابل ارجاع به داوری نیست.

- در قراردادهایی که قبل از ورشکستگی شرط ارجاع به داوری در آن درج شده است به قوت خود باقی است و اگر اختلافی ایجاد شود مدیر یا اداره تصفیه با رعایت شرط داوری رسیدگی را به داوری ارجاع می‌دهند.

- **مطالبات طلبکاران:**

- مدیر تصفیه آگهی در روزنامه کثیرالانتشار منتشر و از طلبکاران دعوت می‌کند تا اسناد طلب خود را ارائه کنند.

- باید ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاهی که حکم ورشکستگی را صادر کرده مراجعه و اسناد طلب یا رونوشت آن را تحویل دهند.

- مهلت مقرر برای طلبکاران جهت ارائه اسناد:

- ۱- مدیر تصفیه: اگر مقیم دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی باشد ظرف ۱ ماه و الا ظرف ۲ ماه از تاریخ آخرین آگهی.
- ۲- اداره تصفیه: ۲ ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی.

آگهی در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار منتشر می‌شود.

فاصله بین دو آگهی ← اداره تصفیه ۱۰ روز.

← مدیر تصفیه ۵ روز.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-بعد از اتمام مهلت مدیر تصفیه و تاجر ظرف ۳ روز مطالبات را بررسی می کنند. این بررسی در مکان و زمانی که عضو ناظر تعیین می کند صورت می پذیرد.

-عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه بخواهد صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کند و به او بدهد.

-تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکاران با مدیر تصفیه و عضو ناظر است.

-تاجر و طلبکارانی که مطالبات آنان تصدیق شده می توانند به طلب اشخاصی که طلب ایشان در دست رسیدگی است یا رسیدگی شده اعتراض کند.

-اگر این اختلاف برطرف نشد عضو ناظر حل اختلاف را از دادگاه می خواهد.

-دادگاه باید ظرف ۱۵ روز اظهارنظر کند و اگر قبول کند آن طلب یک طلب مسلم است.

-اگر دادگاه نتواند ظرف ۱۵ روز تصمیم بگیرد می تواند تأخیر قرارداد ارفاقی را بخواهد یا می تواند آن طلب را موقتاً قبول کند و به آن طلبکار اجازه دهد تا در جلسه ارفاقی حضور داشته باشد.

-در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزایی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم بر منعقد شدن مجلس شد نمی تواند صاحبان طلب را موقتاً جزء طلبکاران قرار دهد.

ادعای دیر هنگام طلب بعد از انقضای مدت:

۱-قبل از خاتمه تصفیه مطالبه طلب کرده باشد:

-نسبت به عملیات و تصمیمات و تقسیمات قبلی و احیاناً قرارداد ارفاقی حق اعتراض ندارد.

-در تقسیمات که ممکن است بعداً به عمل بیاید جزء غرماً حساب می شود ولی حق ندارد حصه ای را که در تقسیمات سابق به او تعلق می گرفته است از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه کنند.

۲-بعد از خاتمه تصفیه مطالبه طلب کرده باشد:

در این صورت باید به طور انفرادی علیه ورشکسته اقامه دعوی کند.

-هرگاه ورشکسته ضامنی داشته باشد، طلبکاری که ضمانت به نفع او شده است می تواند باوجود اعلام نکردن طلب خود به ضامن رجوع کند.

-هرگاه کسی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته خیاری داشته باشد باید آن را در حین تصفیه اعمال کند.

اگر تاجر نیز خیار داشته باشد اعمال آن مشروط به ضرر طلبکاران نبودن است.

• فروش اموال تاجر ورشکسته:

الف-مورد وثیقه است: تابع مقررات ورشکستگی است حتی اگر در خصوص معامله وثیقه ای سند رسمی تنظیم شده باشد پس اجرای سند رهنی توسط اداره ثبت نسبت به ورشکسته امکان پذیر نیست.

ب-مورد وثیقه نیست: طبق قانون تجارت توسط مدیر تصفیه و از طریق مزایده با نظارت ناظر و اجازه دادستان انجام می شود.

طبق قانون تصفیه؛ اگر تصفیه عادی باشد از طریق مزایده و اگر تصفیه اختصاری باشد ترتیبی پیش بینی نشده است.

☞ مدیر تصفیه می تواند با اجازه ی عضو ناظر، طلب دارنده ی حق وثیقه را پرداخت کرده و مال را آزاد کند.

☞ پس از فروش مال مورد وثیقه ۳ حالت رخ می دهد؛

۱-حاصل فروش = معادل طلب بستانکار وثیقه دار است ☞ کل حاصل فروش به او پرداخت می شود.

۲-حاصل فروش بیشتر از طلب بستانکار وثیقه دار است ☞ مازاد به سایر طلبکاران اختصاص داده می شود.

۳-حاصل فروش کمتر از طلب بستانکار وثیقه دار باشد ☞ بابت مابقی طلب بستانکار وارد صف غرماً می شود.

- انتقال طلب ۱- متقاضی باید از عضو ناظر بخواهد که هیأت بستانکاران برای تصمیم‌گیری دعوت شوند.
- ورشکسته به ۲- هیأت غرما باید با اکثریت عددی با درخواست انتقال طلب موافقت کنند.
- هیئت غرما ۳- از دادگاه اجازه انتقال طلب درخواست شود و دادگاه اجازه دهد.

• ترتیب پرداخت دیون ورشکسته:

۱- هزینه اجرای عملیات تصفیه.

۲- نفقه تاجر و اشخاص واجب النفقه.

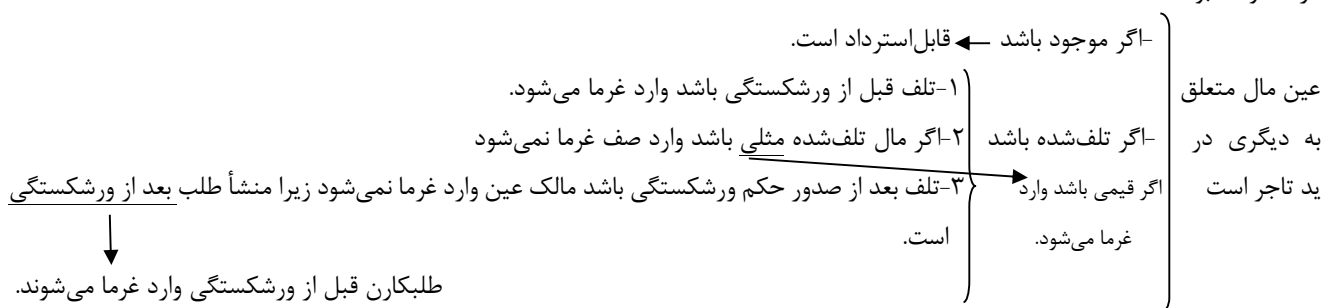
۳- مطالبات دارای حق وثیقه.

۴- مطالبات ممتاز.

۵- مطالبات عادی.

• دعوای استرداد:

در دعوای استرداد مالک عین وارد در صف غرما نمی‌شود، اگر شخصی عین مالش در نزد تاجر موجود باشد می‌تواند آن را باز پس گیرد. (مقدم بر غرما خواهد بود)



○ موارد خاص استرداد اموال و حقوق اشخاص در ورشکستگی تاجر

۱- سند تجاری سپرده‌شده به عنوان امانت یا برای وصول:

- اگر سند هنوز وصول نشده باشد دارنده می‌تواند آن را مسترد کند و جزو غرما نیست.

- اگر سند قبلاً وصول شده باشد دارنده وارد صف غرما می‌شود و طلبش به صورت حصه‌ای پرداخت خواهد شد.

۲- خرید مال توسط تاجر برای دیگری (به حساب و دستور شخص ثالث):

- اگر قیمت آن هنوز پرداخت نشده باشد؛ فروشنده می‌تواند مال را پس بگیرد، حتی اگر به سفارش‌دهنده تحویل شده باشد.

- اگر قیمت پرداخت شده باشد؛ شخصی که مال به حساب او خریداری شده، می‌تواند آن را استرداد کند.

۳- اموالی که برای فروش به تاجر سپرده شده‌اند:

- اگر تاجر آن مال را معامله کرده ولی هنوز وجهی دریافت نکرده؛ صاحب اصلی مال می‌تواند آن را پس بگیرد.

۴- اگر شخصی مالی را به تاجر فروخته ولی هنوز وجه آن را دریافت نکرده می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن را دریافت نکرده از تسلیم مال خودداری کند مگر آنکه تاجر آن مال را از روی بارنامه (سند مالکیت) یا صورت حساب فروخته باشد.

۵- اگر شخصی مالی را به تاجر ورشکسته فروخته و آن مال را نیز به تاجر تسلیم کرده باشد نمی‌تواند قرارداد را فسخ کند.

• قرارداد ارفاقی:

قراردادی است که بین تاجر ورشکسته و برخی از طلبکاران به منظور بازگشت تاجر به زندگی تجاری منعقد می‌شود. در این قرارداد، طلبکاران حصه‌ای از اموال تاجر را که به آن‌ها می‌رسد، از تاجر دریافت نمی‌کنند و آن را در اختیار وی می‌گذارند تا تاجر بتواند فعالیت‌های تجاری خود را ادامه دهد و بدهی‌های خود را به تدریج بپردازد.

نکات مهم:

۱- تعیین زمان و مکان مجلس و دعوت از طلبکاران:

این وظیفه بر عهده عضو ناظر است.

۲- دعوت طلبکاران: دعوت از طلبکاران توسط مدیر دفتر دادگاه که حکم ورشکستگی را صادر کرده است، انجام می‌شود.

۳- در صورت ورشکستگی شرکت تجاری:

در این صورت تصمیم‌گیری برای قرارداد ارفاقی باید توسط مجمع عمومی شرکا صورت گیرد.

این قرارداد به‌طور کلی برای احیای وضعیت مالی تاجر و کمک به او برای بازگشت به فعالیت تجاری پس از ورشکستگی طراحی شده است.

- طلبکارانی که برای قرارداد ارفاقی دعوت می‌شوند؛ ← کلیه طلبکارانی که طلبشان تأیید شده

↓
کلیه طلبکارانی که طلبشان موقتاً قبول شده

- طرفین قرارداد ارفاقی تاجر و طلبکاران هستند و تاجر ورشکسته باید شخصاً در مجلس ارفاقی حاضر شود و فقط در صورتی می‌تواند وکیلش را بفرستد که عذر موجه داشته باشد اما حضور وکیل طلبکاران حتی بدون عذر موجه بلامانع است.

- مدیر تصفیه به مجمع طلبکاران گزارشی راجع به وضعیت ورشکستگی، اقداماتی که تاکنون انجام شده می‌دهند و این گزارش به امضای مدیر تصفیه رسیده و به عضو ناظر تقدیم می‌شود.

- ریاست مجمع ارفاقی با عضو ناظر است.

- قرارداد ارفاقی با موافقت دارندگان حداقل سه‌چهارم مطالبات که دارای اکثریت عددی نیز هستند منعقد می‌شود و هرگاه این اکثریت حاصل نشد جلسه بعدی یک هفته بعد تشکیل می‌شود.

موارد

تأخیر در جلسه ارفاقی

۱- اگر در جریان تشخیص مطالبات طلبکاران تاجر، طلبی مورد اختلاف واقع شود و دادگاه نتواند ظرف ۱۵ روز تصمیم‌گیری نماید.

۲- اگر تاجر به دلیل ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب باشد طلبکاران می‌توانند انعقاد قرارداد را تا حصول نتیجه به تعویق بیندازند

که برای این امر اکثریت مطلق طلبکاران (سه‌چهارم) لازم است با این تصمیم موافق باشند.

قرارداد ارفاقی عقدی لازم و جمعی است و آثارش شامل دیگران نیز می‌شود.

- قرارداد ارفاقی باید به تصدیق دادگاه برسد.

- طلبکاران غیر ارفاقی می‌توانند ظرف ۱۰ روز از تاریخ تصدیق قرارداد توسط دادگاه به آن بپیوندند.

- قبول مشروط قرارداد ارفاقی مجاز نیست، بنابراین طلبکاران نمی‌توانند اصل انعقاد قرارداد ارفاقی را بپذیرند ولی تنفیذ آن را موکول به صدور حکم براءت ورشکسته کنند. اما اگر قرار شد که بعداً تصمیم‌گیری نمایند می‌توانند انعقاد قرارداد را نپذیرند چه ورشکسته محکوم و چه براءت حاصل نماید.

• آثار قرارداد ارفاقی بعد از قطعی شدن

الف- نسبت به اشخاص ثالث ← طلبکاران ارفاقی: تحت اختیار قرار گرفتن حصة غرمایی آنان.

↓
طلبکاران غیر ارفاقی: به تعویق افتادن مطالباتشان تا اجرای کامل قرارداد

ب- نسبت به تاجر ورشکسته: ۱- متوقف شدن عملیات تصفیه

۲- در حدود قرارداد ارفاقی از حجر خارج می‌شود.

۳- ملزم به رعایت مفاد قرارداد ارفاقی می‌شود.

- محدودیت‌های شغلی و اجتماعی ناشی از ورشکستگی؛ مانند مدیریت در شرکت تجاری با قطعی شدن حکم تصدیق قرارداد ارفاقی رفع نمی‌شود بلکه با اعاده اعتبار رفع خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-طلبکاران معترض به قرارداد ارفاقی و آن‌هایی که طلبکاران غیرارفاقی هستند پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی داخل در غرما نمی‌شوند. (حصه غرمایی را قبلاً دریافت نموده‌اند).

خاتمه قرارداد ارفاقی	}	۱- بطلان قرارداد	-ورشکستگی به تقلب -معلوم شود که تاجر در بیان دارایی و دیونش حيله و تقلب کرده است.
		۲- فسخ	
		۳- انفساخ / ورشکستگی مجدد.	

○ احکام و آثار حقوقی قرارداد ارفاقی

- ۱- در حین اجرای قرارداد ارفاقی، همچنان درخواست صدور حکم ورشکستگی مسموع است.
- ۲- اگر در قرارداد ارفاقی ضامن تعیین شده باشد، در صورت ابطال قرارداد، ضمانت هم از بین می‌رود.
- ۳- فسخ یا بطلان قرارداد اثر قهقرایی ندارد؛ یعنی معاملات انجام‌شده در فاصله انعقاد قرارداد تا حکم بطلان، صحیح باقی می‌مانند، مگر اینکه به قصد اضرار طلبکاران و موجب ضرر باشد.
- ۴- ابراء یا تخفیفاتی که طلبکاران هنگام انعقاد قرارداد داده‌اند، با فسخ یا بطلان قرارداد، از بین می‌روند.
- ۵- در قرارداد ارفاقی، فقط خیار شرط قابل اعمال است؛ سایر خیارات (مثلاً خیار غبن یا تدلیس) قابل استفاده نیستند.
- ۶- دعوای فسخ قرارداد ارفاقی ممکن است به‌صورت انفرادی توسط هر طلبکار مطرح شود؛ نیازی به موافقت اکثریت عددی یا جمعی نیست.
- ۷- حق فسخ قرارداد ارفاقی، قابل اسقاط است.
- ۸- در صورت فسخ یا ابطال قرارداد، دارایی تاجر بین: طلبکاران قرارداد ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد طلبکار شده‌اند به نسبت غرمایی تقسیم می‌شود.
- ۹- اگر یک یا چند نفر ضامن اجرای تمام یا بخشی از قرارداد باشند: طلبکاران می‌توانند اجرای تعهد را از ضامن بخواهند.
- اگر بخشی از قرارداد بدون ضامن باشد، فقط همان بخش قابل فسخ است.
- ۱۰- در صورت تعدد ضامن‌ها، مسئولیت آن‌ها تضامنی است.

• ورشکستگی مجدد تاجر:

-یعنی تاجر در اجرای قرارداد ارفاقی دچار توقف شود.

- | | |
|---|--|
| } | ۱- مجدداً مدیر تصفیه و ناظر تعیین می‌شود. |
| | ۲- اموال فعلی تاجر باید بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از این قرارداد از او طلبکار شده‌اند تقسیم شود. |

-مهر و موم: اگر از بین رفتن قرارداد ارفاقی فسخ یا بطلان باشد ← وظیفه مدیر تصفیه است.

اگر به دلیل صدور حکم ورشکستگی مجدد باشد ← مهر و موم توسط عضو ناظر و صورت‌برداری توسط مدیر تصفیه است

-اگر شرکت تضامنی مختلط یا نسبی ورشکسته شود طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرأ با یک یا چند نفر از شرکای ضامن منعقد نمایند در این صورت دارایی شرکت به غرماً تقسیم می‌شود، ولی دارایی شخصی شرکایی که با آن‌ها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرماً تقسیم نخواهد شد.

شریک یا شرکای ضامن که با آن‌ها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی‌توانند تعهد حصه ای نمایند مگر از اموال شخصی خودشان.

-شریکی که با او قرارداد خصوصی منعقد شده است از مسئولیت تضامنی مبرا می‌باشد.

-اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه بدهند می‌توانند برای این امر به دیگری وکالت بدهند یا به مدیر تصفیه این امر را محول نمایند.

-تصمیماتی که باید به اکثریت عددی که دارای سه‌چهارم مطالبات هستند اتخاذ شود:

۱- انعقاد قرارداد ارفاقی

۲- به تأخیر افتادن مجلس قرارداد ارفاقی

۳- تعیین نفقه برای تاجر ورشکسته و اشخاص واجب النفقه

۴- ترک تشریفات مزایده در تصفیه عادی

۵- صرف نظر کردن از دعاوی مشکوک وقتی که عملیات تصفیه توسط اداره تصفیه انجام می‌شود.

در مورد ۵۰۹ طلب‌هایی که با ادامه کار تاجر توسط وکیل ایجاد می‌شود؛

۱- تا حد دارایی تاجر: در مقابل هیئت طلبکاران قبل از صدور حکم ورشکستگی قابل استناد است یعنی وارد غرماً نمی‌شوند و حتی بر طلبکاران با حق وثیقه مقدم هستند.

۲- بیش از حد دارایی تاجر: در اینجا فقط طلبکارهایی که آن را اجازه داده‌اند شخصاً علاوه بر حصه ای که در دارایی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده‌اند مسئول‌اند.

رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵:

اداره تصفیه امور ورشکسته درباره اموال مورد وثیقه تاجر ورشکسته و ماده ۱۸ آن قانون در مورد اموال غیرمنقولی که متعلق حق اشخاص ثالث است استفاده می‌شود که معامله با حق استرداد تاجر ورشکسته تابع تشریفات قانون اداره تصفیه است که ماده ۳۴ ق.ث. بنابراین کسی که مال تاجر را در رهن خودش دارد نمی‌تواند از طریق اجرای ثبت به طلبش برسد و حتماً باید طبق مقررات ورشکستگی طلبش وصول شود.

کشف شدن اموال بعد از ختم تصفیه:

الف) اگر امر تصفیه با اداره تصفیه باشد:

اداره تصفیه دارای سمت قانونی و در حکم قائم مقام تاجر ورشکسته است.

بنابراین، اداره تصفیه می‌تواند اموال باقی مانده را بفروشد و بدون هیچ تشریفات حاصل آن را بین بستانکاران تقسیم کند.

ب) اگر امر تصفیه با مدیر تصفیه باشد:

با اعلام ختم تصفیه، سمت مدیر تصفیه و عضو ناظر پایان می‌یابد.

در این حالت، آنان حق فروش اموال باقی مانده را ندارند.

بستانکاران می‌توانند برای وصول مانده طلب خود، از طریق تعقیب انفرادی اقدام کنند.

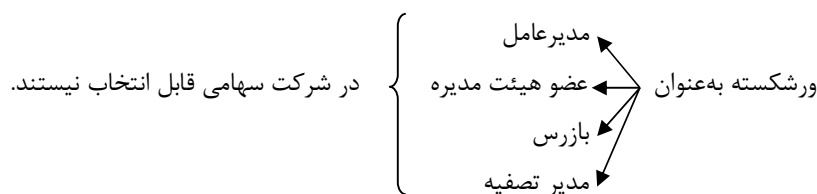
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

یعنی با توقیف و فروش اموال باقی مانده تاجر، طلب خود را استیفاء کنند.
کمه مدت تصفیه ۸ ماه است و در صورت ضرورت رییس کل دادگستری استان مربوطه می تواند این مدت را تمدید نماید.

• اعاده اعتبار:

با اعاده اعتبار تاجر از محدودیت های ناشی از ورشکستگی خارج می شود.

-اعاده اعتبار مختص تاجر حقیقی است.



همچنین اگر با او قرارداد ارفاقی منعقد شده باشد باز هم نمی تواند به چنین سمت هایی نائل گردد مگر با اعاده اعتبار.

○ اقسام اعاده اعتبار

۱-اعاده اعتبار واقعی (حقی):

زمانی است که تاجر ورشکسته تمام دیون، متفرعات و مخارج قانونی خود را پرداخته باشد.

این نوع اعاده اعتبار مقید به زمان نیست.

اگر هم زمان شرکت تجاری و شریک ضامن هر دو ورشکسته شده باشند، اعاده اعتبار آن ها منوط به پرداخت دیون خود و شرکت است.

اگر برخی از طلبکاران غایب باشند یا از دریافت وجه امتناع کنند، با اطلاع دادستان، وجه طلب آن ها به صندوق دادگستری واریز می شود.

۲-اعاده اعتبار قانونی (حکمی):

در حالتی است که طلب و متفرعات هنوز پرداخت نشده اند.

شرایط تحقق:

تاجر ظرف ۵ سال از صدور حکم ورشکستگی، رفتار صحیح و منظم داشته باشد، و طلبکاران او را ابراء کنند، یا به اعاده اعتبار رضایت دهند، یا موضوع قرارداد ارفاقی اجرا شده باشد.

📌 فرآیند اعاده اعتبار:

-درخواست توسط تاجر ورشکسته به دادسرای محل صدور حکم ورشکستگی ارائه می شود.

-درخواست به مدت ۱ ماه روی دیوار دادسرا الصاق می شود.

-سپس درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی ارسال و مجدداً به مدت ۱ ماه در آنجا الصاق می گردد.

-دادگاه نسخه ای از درخواست را برای طلبکارانی که هنوز طلب یا خسارت خود را نگرفته اند ارسال می کند.

-طلبکاران ظرف ۱ ماه فرصت دارند اعتراض خود را از طریق اظهارنامه به دفتر دادگاه تحویل دهند.

-پس از پایان مهلت، دادگاه به درخواست و اعتراضات رسیدگی می کند و رأی به قبول یا رد اعاده اعتبار صادر می کند.

-این رأی تا ۱۰ روز از تاریخ اعلام، قابل تجدیدنظرخواهی است.

-تاجر، طلبکاران معترض و دادستان، همگی حق اعتراض دارند.

✦ نکات مهم:

-قبول اعاده اعتبار: اعتبار امر مختومه دائمی دارد.

-رد اعاده اعتبار: اعتبار امر مختومه آن تا مدت ۶ ماه است.

-در چهار جرم خاص (سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، ورشکستگی به تقلب)، اعاده اعتبار تجاری منوط به اعاده حیثیت کیفری است.

-فروش مال غیر تنها مجازات کلاهبرداری دارد و مانع از اعاده اعتبار نیست.

-در اعاده اعتبار واقعی، برائت ذمه حاصل می شود؛ اما در اعاده اعتبار قانونی، برائت ذمه شرط نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

بسمه تعالی

حقوق جزای عمومی و اختصاصی

تابستان ۱۴۰۵

مقدمه:

برای آنکه یک فعل انسانی در نگاه قانون‌گذار جرم تلقی شود، باید سه شرط اساسی وجود داشته باشد:

۱- عنصر قانونی: ابتدا باید قانون‌گذار آن رفتار را به‌صراحت جرم تلقی کرده و برای آن مجازات مشخصی تعیین کرده باشد.

۲- عنصر مادی: رفتار مورد نظر (اعم از انجام عمل یا ترک فعل) باید به مرحله‌ی بروز و ظهور برسد.

۳- عنصر روانی (یا معنوی): انجام رفتار باید با آگاهی، اراده و اختیار صورت گرفته باشد.

این سه عنصر که در تمامی جرائم مشترک‌اند، به‌عنوان عناصر عمومی جرم شناخته می‌شوند. در کنار آن‌ها، برخی ویژگی‌ها و شرایط خاص هم هستند که بسته به نوع جرم، متفاوت‌اند و به آن‌ها عناصر اختصاصی گفته می‌شود. این عناصر، باعث تمایز جرائم از یکدیگر می‌شوند؛ مانند «بردن مال غیر» که در جرم سرقت عنصر اختصاصی به شمار می‌رود. بررسی این ویژگی‌ها موضوع حقوق جزای اختصاصی است.

فصل اول - جزای عمومی

عناصر عمومی جرم - (عنصر قانونی)

یکی از ارکان اساسی جرم، عنصر قانونی است که ریشه در اصل قانونی بودن جرم و مجازات دارد. این اصل به معنای آن است که تنها قانون‌گذار می‌تواند رفتاری را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کند. بنابراین، هیچ فردی را نمی‌توان به دلیل انجام فعلی که قبلاً توسط قانون جرم شناخته نشده، مجازات کرد.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی:

«هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.»

✓ نکات مهم این ماده:

- صرف داشتن اندیشه مجرمانه جرم نیست.

- اصل اباحه نیز از همین ماده استنباط می‌شود؛ یعنی در صورت شک در جرم بودن یا نبودن یک رفتار، اصل بر عدم جرم بودن آن است. - ممکن است رفتاری از نظر اخلاقی یا شرعی ناپسند باشد، اما تا زمانی که قانون برای آن مجازات تعیین نکرده باشد، جرم تلقی نمی‌شود.

○ آثار و فلسفه اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اجرای این اصل باعث جلوگیری از:

- خودسری در تصمیم‌گیری قضایی

- سوءاستفاده از قدرت

- نقض آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی می‌شود.

○ پشتوانه‌های اصل قانونی بودن جرم و مجازات

این اصل، پشتوانه‌های متعدد شرعی، قانونی و تاریخی دارد، از جمله:

۱- قاعده قبح عقاب بلا بیان (مبنای فقهی و عقلی)

۲- آیه ۱۵ سوره اسراء: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»

۳- حدیث رفع از پیامبر (ص): «رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي...»

۴- اصل اباحه و حدیث سعه

۵- آیه شریفه: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»

در قانون اساسی نیز این اصل به‌وضوح مطرح شده است:

اصول ۳۶، ۳۲، ۱۶۷، ۱۶۹ قانون اساسی

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی

- نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات

۱- تفسیر مضیق قوانین ماهوی.

۲- عطف به ما سبق نشدن قوانین ماهوی.

۱. تفسیر مضیق قوانین ماهوی

در حقوق کیفری، قوانین ماهوی (یعنی قوانینی که جرم و مجازات را تعریف می‌کنند) باید به‌صورت محدود و دقیق تفسیر شوند. یعنی:

قاضی فقط در صورتی می‌تواند رفتاری را جرم تلقی کند که اطمینان قانونی و نص صریح در مورد آن وجود داشته باشد.

در موارد شک، اصل بر برائت متهم است و تفسیر موسّع به ضرر متهم ممنوع است.

اگر تفسیر مضیق یا حتی تفسیر منطقی، نظر مقنن را روشن نکند، باید به نفع متهم تفسیر موسّع انجام شود، با استناد به:

اصل ۱۶۷ قانون اساسی

اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل برائت)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

قاعده درأ (دفع حدود به شبهه)

قاعده قبح عقاب بلا بیان

اصل در قوانین کیفری، تفسیر مضیق است، مگر آنکه تمیز حق ممکن نباشد.

۲. عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی

یعنی؛ اگر قانون جدیدی تصویب شود که رفتاری را برای اولین بار جرم‌انگاری می‌کند، این قانون فقط درباره‌ی رفتارهای بعد از تصویب قابل اعمال است.

افرادی که پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید مرتکب آن رفتار شده‌اند، قابل مجازات نیستند. این اصل یکی از ضمانت‌های مهم حقوق شهروندی است و مانع از مجازات افراد بر اساس قوانین بعدی می‌شود.

• ماده ۴ قانون مدنی: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

• ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی: قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت.

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم.

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی.

ت- قوانین مربوط به‌مرورزمان.

اصل ۱۶۹ قانون اساسی: هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعدازآن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

نتیجه اصل تفسیر مضیق قوانین:

۱- قاعده تبرئه در حال شک

۲- قاعده منع استفاده از قیاس

*استثناء: تفسیر موسع و قیاس در مواردی جایز هستند؛

-اگر قیاس یا تفسیر موسع نتیجه مساعد به حال متهم داشته باشد مانند؛ عوامل موجهه جرم، علل رافع مسئولیت کیفری و تخفیف مجازات‌ها.

-در قوانین شکلی تفسیر موسع و قیاس جایز است؛ قوانین شکلی آن دسته از قوانینی هستند که به تعیین نحوه رسیدگی و صلاحیت دادگاه‌ها و ... می‌پردازند.

-قوانین تفسیری قانون جدید محسوب نمی‌شود بلکه از قانون دیگری رفع ابهام می‌کند پس اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم‌الاجرا شده است.

○ اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری و استثنای آن در قوانین مساعد

طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی:

«در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به‌موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، را نمی‌توان به‌موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد.»

✍ نکات مهم ماده ۱۰:

-اصل بر این است که قانون مؤخر نسبت به جرائم قبلی اعمال نمی‌شود.

-اما اگر قانون جدید به نفع متهم باشد (تخفیف مجازات یا حذف جرم‌انگاری)، عطف به ماسبق می‌شود تا قبل از صدور حکم قطعی.

✍ استثنائات مهم ماده:

الف-در صورت وجود قانون مساعدتر به حال متهم:

-اگر جرم‌زدایی شده باشد (یعنی رفتاری که قبلاً جرم بود، دیگر جرم نباشد):

اجرای حکم متوقف می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- اگر حکم قبلاً اجرا شده، هیچ اثر کیفری باقی نمی‌ماند.

- اگر مجازات تخفیف یافته باشد:

قاضی اجرای احکام یا خود محکوم علیه می‌تواند درخواست تعدیل مجازات طبق قانون جدید را بدهند.

دادگاه صادر کننده حکم باید مجازات قبلی را با قانون لاحق تطبیق داده و تخفیف دهد.

توجه: این قواعد شامل اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال بزهکار نیز می‌شود. در این موارد، ولی یا سرپرست طفل هم می‌تواند درخواست تخفیف بدهد.

☒ عدم شمول ماده ۱۰ نسبت به جرائم شرعی (حدود، قصاص و دیات)

قوانین مربوط به مجازات‌های شرعی زمان‌بردار نیستند. به همین دلیل، تغییر در قوانین عادی، این مجازات‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

← معیار تشخیص "قانون مساعد"

- اگر حداکثر مجازات در قانون جدید کاهش یافته باشد، معیار، حداکثر مجازات قانونی است.

- اگر نوع مجازات تغییر کرده باشد، معیار، میزان مساعدت نسبت به شخص متهم است و قاضی با توجه به شرایط مرتکب آن را تشخیص می‌دهد.

- تبصره ماده ۱۰: «مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین یا موارد خاص وضع شده‌اند، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.»

- قوانین موقت، مثل قوانین دوران بحرانی (مثلاً دوران کرونا)، پس از پایان زمان تعیین شده، اثر حقوقی خود را از دست می‌دهند و تنها در همان بازه زمانی معتبرند.

○ مثال‌هایی برای درک بهتر مطالب:

۱- قانونی که مدت زمان اعلام عقیده بازپرس را درباره صدور قرار مناسب افزایش دهد؛ فوراً اجرا نخواهد شد و هم‌چنین به نفع متهم نیز نمی‌باشد به این دلیل که افزایش مدت زمان اعلام نظر بازپرس، متهم مدت بیشتری را به نحو بلا تکلیف در نظام عدالت کیفری خواهد ماند و این امر با فوریت تحقیقات مقدماتی مغایرت دارد.

۲- رضا مرتکب جرم تعزیری درجه ۶ شده است که مدت مرور زمان تعقیب آن ۵ سال می‌باشد بزه دیده بعد از ۶ سال از رضا شکایت می‌کند و بازپرس به دلیل شمول مرور زمان قرار موقوفی تعقیب را صادر می‌نماید بعد از اینکه قرار به قطعیت رسید قانونی وضع می‌شود که مهلت مرور زمان آن جرم را ۱۰ سال می‌نماید آیا می‌توان دوباره از رضا شکایت کرد؟

خیر- زیرا برخلاف حقوق مکتسبه او می‌باشد و او با شمول مرور زمان به استناد قانون سابق از قرار موقوفی تعقیب بهره‌مند شده است و قانون لاحق نمی‌تواند آن را تضییع نماید.

○ در بحث قلمرو قوانین جزایی در زمان دو موضوع دارای اهمیت است:

الف- تاریخ اعتبار قوانین: یک قانون پس از تصویب مجلس و تأیید شورا نگهبان و پس از ۱۵ روز از انتشار آن در روزنامه رسمی است لازم الاجرا خواهد شد مگر اینکه ترتیب دیگری در خود آن قانون مقرر شده باشد.

ب- تاریخ وقوع جرم: جرائم با توجه به زمان وقوعشان به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛

۱- جرم آنی یا فوری: جرمی است که در یک فاصله زمانی کوتاه رخ داده است و به پایان می‌رسد جرم آنی تابع زمان وقوع جرم می‌باشد مثل سرقت، آدم‌ربایی، قتل، جاسوسی و....

۲- جرم مستمر یا متمادی: در طول زمان ادامه حیات داده و اجزای تشکیل دهنده جرم دائماً در حال تکرار هستند جرم مستمر تابع زمان قانون لاحق است حتی اگر شدیدتر باشد (تابع زمان قطع استمرار). مانند: تصرف عدوانی، اخفای مال مسروقه، حمل سلاح غیر مجاز، فرار از خدمت و....

۳- جرم به عادت یا اعتیادی: صرف یک بار انجام، جرم محسوب نمی‌شود و باید عادت مرتکب محرز شود حداقل باید رفتار مجرمانه ۲ بار انجام شود تا عادت آن احراز شود و در صورتی تابع قانون لاحق است که اعمال تشکیل دهنده عادت در زمان قانون لاحق واقع شده باشد. مانند جرم تکدی، کلاشی، طبابت غیر مجاز و....

۴- جرم استمرار یافته یا متوالی: جرائمی که متشکل از چندین جرم می‌باشند که هر کدام به تنهایی قابل مجازات می‌باشد ولی چون مرتکب با قصد مجرمانه واحد نسبت به بزه دیده مبادرت به انجام آن می‌ورزد مشمول مقررات جرائم مستمر می‌گردد. (درواقع جرم مستمر یک جرم آنی است که احکام جرم مستمر را دارد).

مانند؛ کسی که هر شب به مقدار معینی از یک سیلو گندم سرقت می‌نماید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

✓ نکات:

- جرائم شرعی تابع قانون زمان رسیدگی هستند.
- در مورد حدودی که در قانون ذکر نشده است مثل ارتداد، سحر و جادو به منابع و فتاوی معتبر رجوع می‌شود.
- اغلب جرائم ترک فعل (ترک انفاق و...) جرم آنی هستند.
- جرم قوادی جزء جرائم آنی می‌باشد.
- دایر کردن مراکز فساد و فحشا و دایر کردن قمارخانه جرم به عادت هستند.

❖ قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان: (مواد ۳ تا ۹ ق.م.ا.)

محل وقوع: ایران (قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی، هوایی)	۱-صلاحیت سرزمینی یا سرزمینی بودن قوانین جزایی
مرتکب: کلیه اشخاص با هر تابعیتی	
بزه دیده: کلیه اشخاص با هر تابعیتی	
نوع جرم: کافی است طبق قانون ایران جرم باشد حتی اگر بخشی از جرم یا نتیجه در قلمرو ایران واقع شود. رسیدگی غیابی در آن جایز است.	

این صلاحیت در جرائم؛ مقید به نتیجه مانند (قتل)، مرکب مانند (کلاهبرداری)، مستمر مانند (ترک انفاق) و به عادت (ولگردی) اعمال می‌شود. نکته: اگر تنها عملیات مقدماتی جرم در ایران و عنصر مادی و نتیجه خارج از ایران رخ دهد ایران از حیث صلاحیت سرزمینی صالح به رسیدگی نمی‌باشد مگر همان قسمت از عملیات مقدماتی خود جرم مستقلی باشد.

○ استثنائات صلاحیت سرزمینی

الف) مصونیت سیاسی

- مأمور سیاسی (سفیر، دیپلمات، کارگزار) در کشور پذیرنده از: مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است.
- در امور مدنی و اداری نیز مصون است؛ مگر در موارد زیر:
- دعوی مربوط به اموال غیرمنقول خصوصی در قلمرو کشور پذیرنده
- مگر اینکه ملک به نمایندگی از کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف باشد.
- دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی انجام دهد.
- ادای شهادت، مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.

ب) کشتی جنگی خارجی

صلاحیت سرزمینی نسبت به کشتی‌های جنگی خارجی، همواره متعلق به کشور صاحب پرچم است.

ج) هواپیمای خارجی

- اصل صلاحیت: کشور صاحب پرچم (کشور ثبت‌کننده هواپیما) صلاحیت رسیدگی دارد.
- استثنائات صلاحیت ایران نسبت به جرائم در هواپیمای خارجی در آسمان ایران:
- مرتکب یا مجنی‌علیه تبعه ایران باشد.
- هواپیما پس از وقوع جرم در ایران فرود آید.
- جرم، محل امنیت عمومی ایران باشد.

- ۲- صلاحیت واقعی (اصل حمایتی-حفاظتی)
- محل وقوع: خارج از قلمروی حاکمیت ایران
- مرتکب: کلیه اشخاص با هر تابعیتی
- نوع جرم: از جرائم حصری در ماده ۵ یا قوانین خاص رسیدگی غیابی جایز است
- شیوه رسیدگی: اگر در محل وقوع محاکمه نشده باشد قابل محاکمه در ایران است.
- اگر در محل وقوع محاکمه و تبرئه شده باشد قابل محاکمه مجدد است.
- اگر در محل وقوع محاکمه و مجازات شده باشد:
- حدود: قابل محاکمه مجدد است.
- تعزیرات: مجازات محاسبه می شود (قاعده احتساب).

جرائم مندرج در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

✓ قاعده احتساب در حدود، قصاص و دیات اعمال نمی گردد و در این موارد قاعده محاکمه مضاعف اعمال می شود.

۳-صلاحیت شخصی یا مبتنی بر تابعیت(فعال)	محل وقوع: خارج از قلمروی حاکمیت ایران مرتکب: اتباع ایرانی بزه دیده: هرکس نوع جرم: رفتار ارتكابی طبق قانون ایران جرم باشد و از جرائم موضوع ماده ۵ نباشد. رسیدگی غیابی جایز نیست و مرتکب باید در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد و طبق قانون ایران دلیلی بر منع یا موقوفی تعقیب یا اجرا نباشد. نحوه رسیدگی: اگر در محل وقوع محاکمه نشده باشد قابل محاکمه می‌باشد. اگر در محل وقوع محاکمه و تبرئه یا محاکمه و مجازات اجرا شده باشد؛ تعزیرات: قابل محاکمه مجدد نیست. حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی قابل محاکمه مجدد می‌باشد.
۴-صلاحیت شخصی منفعل-بزه دیده محور	محل وقوع: خارج از ایران مرتکب: غیر ایرانی بزه دیده: ایرانی یا کشور ایران در غیر از جرائم ماده ۵ نوع جرم: در حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی کافی است طبق قانون ایران جرم باشد. در تعزیرات غیر منصوص: طبق قانون ایران و محل و محل وقوع جرم باشد. (مجرمیت متقابل) نحوه رسیدگی: همانند صلاحیت شخصی فعال رسیدگی غیابی جایز نیست و باید مرتکب در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد.
۵-صلاحیت جهانی	محل وقوع: خارج از ایران مرتکب: غیر ایرانی بزه دیده: غیر ایرانی نوع جرم: از جرائم بین‌المللی که مرتکب در هر کجا یافت شود طبق قانون همان کشور محاکمه می‌شود + طبق قانون ایران نیز جرم باشد و رسیدگی غیابی جایز نیست.

○ نکات تکمیلی در خصوص صلاحیت و استرداد

۱. منع محاکمه مضاعف

در قوانین جزایی ایران تنها در جرائم تعزیری و با رعایت اصول قانون مجازات اسلامی اعمال می‌شود.

۲. صلاحیت شخصی نسبت به مستخدمان و مأموران دولت

در تکمیل اصل صلاحیت شخصی و با رعایت مصونیت سیاسی، رسیدگی طبق قانون ایران صورت می‌گیرد نسبت به:

- جرائم مستخدمان دولت (ایرانی یا غیر ایرانی) که در ارتباط با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو ایران مرتکب شده‌اند.
- جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت که از مصونیت سیاسی برخوردارند.

۳. قواعد استرداد مجرمین

الف) شرط اصلی استرداد

استرداد مطابق قانون ایران مشروط به معامله متقابل است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب) شرایط لازم برای دولت متقاضی استرداد

دولت‌های خارجی در صورتی می‌توانند تقاضای استرداد متهم را داشته باشند که دارای یکی از صلاحیت‌های زیر باشند:

-صلاحیت سرزمینی

-صلاحیت شخصی فعال

-صلاحیت واقعی

ج) در صورت تعدد تقاضاهای استرداد

اگر چند کشور تقاضای استرداد داشته باشند، تعیین حق تقدم با دولت استردادکننده است.

ملاک‌های تعیین حق تقدم:

اهمیت جرم

محل وقوع جرم

تاریخ تقاضای استرداد

تعهد دولت متقاضی نسبت به استرداد مجدد متهم (در صورت نیاز)

د) دامنه شمول استرداد

استرداد شامل کلیه مجرمین می‌شود:

-فاعل

-شریک

-معاون

ه) موارد ممنوعیت استرداد

استرداد مجرم ممنوع است در موارد زیر:

-اتباع داخلی (شهروندان ایرانی)

-قابل تعقیب بودن شخص مورد تقاضا در ایران

-مجرمین سیاسی و نظامی

○ جمع‌بندی:

-منع محاکمه مضاعف صرفاً در جرائم تعزیری رعایت می‌شود.

-مصونیت سیاسی مانع رسیدگی نیست، اما در چارچوب قانون و پس از رفع مصونیت اجرا می‌شود.

-استرداد تابع معامله متقابل و شروط حقوقی خاص است.

-استرداد اتباع ایرانی ممنوع است، حتی اگر سایر شرایط برقرار باشد.

-صلاحیت کشور درخواست‌کننده باید بر پایه اصول معتبر حقوق بین‌الملل باشد (سرزمینی، شخصی، واقعی).

❖ ارکان تشکیل دهنده جرائم

۱-عنصر قانونی

مستند قانونی هر جرم است.

در این طبقه‌بندی جرائم از حیث موضوع به جرائم علیه اموال و مالکیت، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص،

جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و تقسیم می‌شوند.

و در بحث مجازات به جرائم موجب حد و تعزیر و قصاص و دیات تفکیک شده‌اند.

-عنصر قانونی یعنی الزام وجود ماده قانونی برای مجازات یک رفتار؛

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• جرم ساده = یک ماده قانونی

• جرم مرکب = چند ماده قانونی

۲- عنصر مادی جرم

عنصر مادی، رفتاری است که برای جرم دانستن عمل، باید از مرتکب سر بزند؛ یعنی نمود بیرونی اندیشه مجرمانه است.

۱. تقسیم‌بندی از حیث دوام رفتار و زمان وقوع

- جرم آنی

- جرم مستمر

- جرم به عادت

- جرم استمرار یافته

۲. تقسیم‌بندی از حیث شیوه ارتکاب

- جرم فعلی (به فعل)

مانند: سرقت، توهین، کلاهبرداری، افترا، جعل، مصرف مسکر، زنا و...

- جرم ترک فعل

مانند: ترک انفاق، خودداری از کمک به مصدومین، استنکاف از احقاق حق، خودداری از ثبت ولادت یا فوت و...

نکته: برخی جرائم می‌توانند هم به فعل و هم به ترک فعل محقق شوند؛ مانند: یا تخریب عمدی

۳. تقسیم‌بندی از حیث تحقق نتیجه مجرمانه

- جرم مطلق: جرمی که به صرف ارتکاب رفتار مجرمانه، تحقق می‌یابد و احراز نتیجه خاصی در آن لازم نیست.

مثال‌ها: مصرف مسکر، زنا، قلب سکه، احراق، شهادت کذب، تبانی، آدم‌ربایی، افترا (بیانی ساده)، استفاده از سند مجعول و...

- جرم مقید: جرمی که برای تحقق، نیاز به احراز نتیجه خاصی دارد.

مثال‌ها: حد قوادی، افتراء عملی، واسطه‌گری برای رشاء و ارتشاء، کلاهبرداری، سقط جنین، خیانت‌درامانت و...

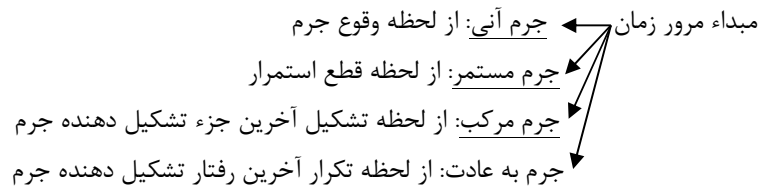
- اغلب جرائم علیه امنیت، جرم مطلق محسوب می‌شوند؛ جز: محاربه، افساد فی الارض، جاسوسی به نفع کشور بیگانه و به ضرر کشور بیگانه دیگر در خاک ایران.

۴. تقسیم‌بندی از حیث کشف جرم

- جرم مشهود: جرمی که بلافاصله پس از وقوع، توسط ضابطان یا مراجع قضایی کشف شود.

- جرم غیر مشهود: جرمی که وقوع آن آشکار نباشد و نیاز به تحقیق و بررسی برای کشف داشته باشد.

← فایده تفکیک جرم از لحاظ عنصر مادی این می‌باشد که از لحاظ:



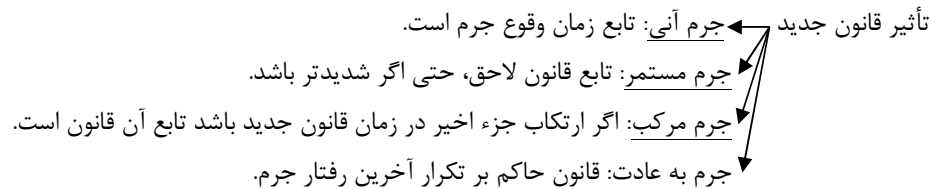
تعیین دادگاه صالح ← جرم آنی: دادگاهی صالح است که جرم در قلمروی آن رخ داده

جرم مستمر: همه دادگاه‌هایی که جرم در قلمروی آن‌ها استمرار یافته و تقدم با دادگاهی است که زودتر شروع کرده است.

جرم مرکب: همه دادگاه‌هایی که یکی از اجزای عنصر مادی جرم در قلمروی آن ارتکاب یافته صالح می‌باشد.

جرم به عادت: رفتار مکرر در قلمروی آن دادگاه انجام شده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد



*اصل برآنی بودن، مطلق بودن، ساده بودن، غیرقابل گذشت بودن، غیر مشهود بودن جرائم می باشد.

❖ عنصر معنوی جرائم

انجام یک عمل مادی که از سوی قانون جرم انگاری شده، برای احراز مجرمیت کافی نیست. مرتکب باید دارای عنصر روانی باشد؛ یعنی:

- یا دارای قصد مجرمانه باشد (در جرائم عمدی)،

- یا بدون قصد قبلی، مرتکب خطای جزایی شده باشد (در جرائم غیر عمد).

۱. جرائم عمدی

مستند قانونی: ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی

در جرائم عمدی، تحقق عنصر روانی مستلزم وجود سه رکن در شخص مرتکب است:

علم به موضوع

قصد انجام رفتار مجرمانه
قصد حصول نتیجه مجرمانه

۲. جرائم غیر عمد

مستند قانونی: ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی

در جرائم غیر عمد، عنصر روانی به شکل تقصیر جزایی نمود پیدا می کند.

← برای احراز مسئولیت کیفری در این موارد:

وجود تقصیر جزایی (مانند بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم رعایت مقررات قانونی و...) ضروری است. تقصیر باید علت وقوع رفتار مجرمانه باشد.

✓ نکات مهم

- عنصر روانی شرط اساسی تحقق مسئولیت کیفری است.

- در جرائم عمدی، قصد مجرمانه به صراحت باید اثبات شود.

- در جرائم غیر عمد، صرف خطا کافی نیست؛ بلکه باید تقصیر مؤثر در وقوع جرم وجود داشته باشد.

*فرمول عنصر معنوی در جرائم عمدی: سوء نیت عام + سوء نیت خاص

(اراده آگاهانه در رفتار) + (اراده آگاهانه به تحصیل نتیجه)

مثال: وقتی X مرتکب قتل عمدی Y شود؛

۱- علم X به اینکه قتل دارای عنوان مجرمانه است مفروض است (علم به قانون).

۲- X باید اقدامی که منجر به سلب حیات می شود را با اراده آزاد انجام دهد (قصد رفتار).

۳- X بداند که مجنی علیه یک انسان زنده و بی گناه است (علم به موضوع).

۴- X می خواهد که این انسان زنده کشته شود یا در اثر این صدمات مصدوم خواهد شد (قصد نتیجه).

شرط تحقق عمد بودن جرم ← تقارن زمانی عنصر مادی با عنصر معنوی جرم

← تطابق کیفی عنصر مادی با عنصر معنوی جرم

مثال: اگر «الف» به قصد قتل «ب» (قصد نتیجه) در حین حرکت با اتومبیل به سمت منزل او باشد، اما به دلیل سرعت غیر مجاز قادر به کنترل اتومبیل نباشد و با عابری برخورد کرده و موجب مرگ عابر شود و متعاقباً متوجه شود عابری که به دلیل بی مبالاتی وی در رانندگی کشته شده همان کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

فرد «ب» است که وی قصد قتل او را داشته است این قتل عمد نیست. چون لحظه‌ای که رفتار وی سبب مرگ «ب» شد «الف» نه قصد کشتن آن عابر را داشت و نه از اینکه او «ب» است مطلع بود در چنین وضعی تقارن و تطابق قصد نتیجه با رفتار مجرمانه محقق نشده است.

*فرمول عنصر معنوی در جرائم غیرعمدی: خطا یا تقصیر جزایی.

↓
(بی احتیاطی، بی مبالاتی) = مسامحه، غفلت، عدم مهارت

مثال: راننده‌ای با سرعت غیر مجاز و با بی مبالاتی در حال رانندگی است، هر چند علم دارد که رانندگی با این سرعت تخلف است و همچنین با اراده و اختیار در حال رانندگی با این سرعت می‌باشد اما او نه قصد کشتن یا صدمه زدن دارد نه عمداً با عابری برخورد می‌کند بلکه در نتیجه تقصیر و خطا موجب حادثه و آسیب می‌شود چنین جنایتی با استناد به مواد ۷۱۴ تا ۷۱۹ ق. تعزیرات مصوب ۷۵ شبه عمد محسوب می‌شود.

نکته ۱: جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه مطابق ماده ۱۵۵ ق.م.ا جهلی ثابت گردد که متعاقب آن عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌تواند از موجبات عدم مسئولیت شود.

نکته ۲: انگیزه، متفاوت از قصد مجرمانه می‌باشد و انگیزه از ارکان عنصر معنوی جرم بشمار نمی‌آید و گاهاً می‌تواند در مقام تخفیف مجازات مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین مجرم می‌تواند سوءنیت خاص و عام داشته باشد اما انگیزه‌اش شرافتمندانه باشد.

❖ از اندیشه تا ارتکاب: (ماده ۱۲۲ تا ۱۲۴)

۱. اندیشه مجرمانه

- صرف وجود اندیشه و تصمیم به ارتکاب جرم، جرم محسوب نمی‌شود.

- اندیشه مجرمانه هیچ‌گاه شروع به جرم یا جرم مستقل نیست.

۲. عملیات مقدماتی

- اقداماتی که پیش از شروع عملیات اجرایی جرم انجام می‌شوند.

- اصولاً شروع به جرم محسوب نمی‌شوند و جرم مستقل هم نیستند.

- استثناً: در موارد خاص، قانون‌گذار عملیات مقدماتی را جرم‌انگاری کرده و به عنوان جرم مستقل شناخته است.

مثال‌ها:

- حمل و تهیه سلاح غیرمجاز با هر قصدی

- ساخت و تهیه کلید یا ابزار برای ارتکاب جرم (ماده ۶۶۴ قانون تعزیرات)

۳. مراحل تحقق جرم از نظر کیفیت مسیر مجرمانه

الف) جرم تام: عملی که به نتیجه مجرمانه مورد نظر منتهی شده است.

ب) شروع به جرم: اجرای بخشی از عنصر مادی جرم که به دلیل مانع خارجی ناتمام مانده است.

ج) اقدامات مجرمانه بی‌ثمر: شامل جرم محال و جرم عقیم/اقداماتی که به هیچ‌وجه امکان تحقق نتیجه را ندارند.

○ تحلیل نظریه‌ها درباره شروع به جرم

الف-نظریه عینی

ملاک، ارتکاب بخشی از عنصر مادی جرم است. حتی اگر نتیجه محقق نشود، به شرط وجود مانع خارجی، شروع به جرم محقق می‌شود.

ب-نظریه ذهنی

تأکید بر حالت ذهنی مرتکب است؛ یعنی مرتکب با علم و آگاهی، اجرای جرم را آغاز کرده است.

ج-نظریه مختلط (ترکیبی)

ترکیبی از دو نظریه فوق. در این دیدگاه؛

- قصد مجرمانه باید به مرحله عینیت برسد.

- اعمال انجام‌شده باید ارتباط مستقیم با جرم داشته باشند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-اگر مانع خارجی وجود نداشت، جرم حتماً تحقق پیدا می‌کرد.

فرمول جرم تام

قصد مجرمانه منجز + توسل به عملیات مقدماتی + ورود به عملیات اجرایی + ارتکاب جرم + حصول نتیجه و پایان مسیر مجرمانه.

فرمول شروع به جرم

قصد مجرمانه منجز + عملیات مقدماتی + ورود به عملیات اجرایی + انصراف غیرارادی.

✓ نکات

-انصراف ارادی از ادامه جرم و قطع عملیات اجرایی شروع به جرم نیست.

-انصراف ارادی پس از خاتمه عملیات اجرایی تأثیری در تحقق جرم ندارد و به‌عنوان یک کیفیت مخففه می‌تواند از موجبات تخفیف باشد البته توجه به این مطلب مفید است که در مواردی انصراف بعد از خاتمه عملیات اجرایی می‌تواند از معاذیر قانونی معاف کننده باشد مثل پرداخت وجه چک پس از تحقق جرم صدور چک بلامحل که موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا می‌شود.

-در صورت تردید در ارادی یا غیرارادی بودن ترک جرم اصل به ترک ارادی می‌باشد.

-شروع به جرم در جرائم غیرعمدی و ترک فعل متصور نمی‌باشد.

-شروع به جرم در جرائم مطلق قابل تصور است، البته در آن دسته از جرائم مطلق که امکان تحقیقات مراحل مقدماتی از مراحل پایانی جرم وجود داشته باشد مانند جرم رشاء.

-در شرکت، معاونت و سر دستگی شروع به جرم متصور است اما شروع به معاونت و یا سر دستگی در جرم متصور نیست.

-مجازات شروع در جرائمی حدی از نوع تعزیر است.

-شروع به جرم در جرائم قابل گذشت نیز قابل گذشت می‌باشد.

-شروع به همه جرائم از جمله شروع به حدود با حصول سایر شرایط قابل تعلیق و تعویق است مگر شروع به جرائم ماده ۴۷ ق.م.ا که غیر قابل تعلیق و تعویق می‌باشند.

ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی: صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعلیق و تعویق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج (اصلاحی ۳۰/۳/۱۴۰۳) - جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون (۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تبصره (الحاقی ۲۲/۲/۱۳۹۹) - در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

• در خصوص قاچاق کالا و ارز برای شروع به قاچاق چنین جرائمی باید به ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توجه نمود بنابراین در حال حاضر با اعمال ماده مذکور طبق آخرین اصلاحات سال ۱۴۰۰ مجازات شروع به قاچاق، علاوه بر ضبط کالا یا ارز حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز این قانون است.

• ماده ۵۱۵ و ۵۱۶ تعزیرات و تبصره آن شروع به قتل عمد محسوب می‌شود که یک جرم خاص و مستقل می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- در مواردی که مرتکب قصد جنایت نداشته است اما رفتار نوعاً کشنده می‌باشد شروع به قتل متصور نیست. در بین انواع قتل عمد فقط در جایی که قصد قتل وجود دارد شروع به جرم متصور است.
- جرم تبانی یک جرم مستقل است در تبانی مرتکبین وارد مرحله اجرایی نمی‌شوند و شروع به اجرا نمی‌کنند.
- ماده ۶۱۱ ق. تعزیرات: هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرائی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.
- در تبانی علیه امنیت اگر دو یا چند نفر تبانی کنند یا وسایل و مقدمات را فراهم کنند، اما اقدام نکنند جرم است و رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.
- اقدام به خروج اموال تاریخی و فرهنگی طبق ماده ۵۶۱ ق. تعزیرات «هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن منجر نشود قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد».
- بنابراین به عنوان یک جرم مستقل و تام جرم انگاری شده و برای آن کیفر تعیین شده است.
- تبصره - تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.
- در قوادی اگر رفتار مرتکب منتهی به زنا و یا لواط نشود قانون‌گذار آن را جرم مستقل تلقی کرده و مرتکب به حبس درجه ۶ و ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق درجه ۶ محکوم می‌شود.
- تبصره ۱- هر شخصی که وجوه یا اموالی را با اهداف مذکور در صدر این ماده تهیه یا جمع‌آوری نمایند و قبل از مصرف با استفاده با ارائه به افراد یا سازمان‌های تروریستی به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند نیز تأمین‌کننده مالی تروریسم محسوب می‌شود.
- تبصره ۲- هرگاه شخصی قصد ارتکاب جرم موضوع این ماده را داشته باشد و شروع به اجرای آن نماید لیکن به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، مشمول ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ شروع به جرم می‌شود.
- در تبصره اول قانون‌گذار بعد از تکمیل عملیات اجرایی، صرف عدم تحقق نتیجه‌ی مدنظر مرتکب را به دلیل عامل خارجی در حد شروع به جرم محسوب نکرده و آن را جرم تام در نظر می‌گیرد، در حالیکه در تبصره دوم قصد و تهیه مقدمات و شروع به عملیات اجرایی مشتمل بر شروع به تهیه و جمع‌آوری اموال و متعاقباً توقف عملیات اجرایی با مانع خارجی را در قالب شروع به جرم قرار داده است؛ مرحله‌ای که در آن مرتکب موفق به تکمیل عملیات جمع‌آوری یا تهیه اموال به عنوان عنصر مادی جرم نشده است. بنابراین برای تحقق جرم تام تأمین مالی تروریسم مطابق تبصره اول ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم صرف تهیه یا جمع‌آوری اموال برای تأمین مالی عملیات تروریستی کافی است اگرچه اموال تهیه یا جمع‌آوری شده به فرد یا سازمان تروریستی ارائه نشود.
- نتیجه‌گیری: شروع به تأمین مالی تروریسم با لحاظ تبصره دوم این ماده عبارت خواهد بود از؛ اقدام مرتکب برای تهیه یا جمع‌آوری اموال به قصد تأمین مالی عملیات تروریستی که قبل از تمام شدن فرآیند تهیه کردن با جمع‌آوری اموال و در اثنای این فرآیند، مرتکب با مانعی خارجی متوقف شود.

❖ مجازات شروع به جرم متناسب با درجه جرم ارتكابی

ملاک شروع به جرم ماده ۱۲۲ قانون م.ا و مجازات قانونی جرائم می‌باشد؛

- | | |
|---|---|
| ۱- در جرائمی با مجازات قانونی سلب حیات | ← مجازات شروع به چنین جرمی حبس تعزیری درجه ۴ می‌باشد |
| ۲- در جرائمی با مجازات قانونی حبس ابد | ← مجازات شروع به چنین جرمی حبس تعزیری درجه ۴ می‌باشد. |
| ۳- در جرائمی با مجازات قانونی حبس درجه ۱ تا ۳ | ← مجازات شروع به چنین جرمی حبس تعزیری درجه ۴ می‌باشد. |
| ۴- در جرائمی با مجازات قانونی حبس درجه ۴ | ← مجازات شروع به چنین جرمی حبس تعزیری درجه ۵ می‌باشد |
| | (بیش از ۲ تا ۵ سال حبس). |
| ۵- در جرائمی با مجازات قانونی قطع عضو | ← مجازات شروع به چنین جرمی حبس تعزیری درجه ۵ می‌باشد. |

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- ۶- در جرائمی با مجازات قانونی حبس درجه ۵ ————— مجازات شروع به چنین جرمی حبس یا شلاق یا جزای نقدی درجه ۶ می‌باشد
(۶ ماه تا ۲ سال حبس، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق، جزای نقدی بیش از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال).
- ۷- در جرائمی با مجازات قانونی شلاق حدی ————— مجازات شروع به چنین جرمی تعزیر درجه ۶ می‌باشد.

*شروع به جرم در جرائمی با مجازات قانونی حبس درجه ۶، ۷، ۸ و جزای نقدی و شلاق تعزیری به هر درجه، انتشار حکم، مصادره اموال، انفصال دائم و موقت و قصاص عضو و جرائم غیر عمد متصور نمی‌باشد.

❖ اقدامات مجرمانه بی‌بهره (جرم محال-جرم عقیم)

۱-جرم محال

در جرم محال، علی‌رغم انجام کامل عملیات اجرایی، مرتکب به دلیل وجود مانع مؤثر به مقصود مجرمانه خود نمی‌رسد.

-دو دلیل اصلی تحقق جرم محال:

الف-عدم کفایت وسیله

ب-فقدان موضوع جرم

✍️ انواع جرم محال

الف) جرم محال مطلق

محال مطلق وسیله‌ای: مانند شلیک با اسلحه غیرواقعی

محال مطلق موضوعی: مانند شلیک به جسد (که دیگر زنده نیست)

ب) جرم محال نسبی

محال نسبی وسیله‌ای: مانند شلیک به فردی که از تیررس خارج شده است

محال نسبی موضوعی: مانند جیب‌بری از جیب خالی

در جرم محال نسبی، به‌ویژه نوع موضوعی، وضعیت به‌گونه‌ای است که می‌تواند در حکم شروع به جرم باشد.

۲-جرم عقیم

در جرم عقیم نیز عملیات اجرایی به پایان رسیده اما به دلایل دیگری نتیجه مجرمانه محقق نمی‌شود.

-دو عامل اصلی در تحقق جرم عقیم:

الف-عدم مهارت مرتکب

ب-رخداد اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی و خارج از اراده

-اگر علت عدم تحقق جرم فقدان مهارت مرتکب باشد، آن قابل مجازات نیست.

← مثال‌ها:

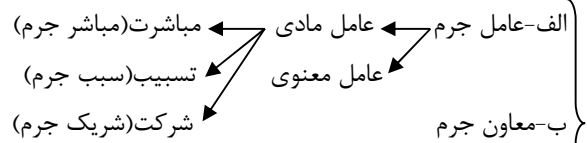
۱. جرم عقیم

فردی به قصد قتل، به سمت قربانی شلیک می‌کند اما: زلزله می‌آید، کامیونی از مقابل عبور می‌کند یا به علت لرزش دست یا نداشتن مهارت در نشانه‌گیری، تیر به هدف نمی‌خورد در این حالت، جرم عقیم تحقق یافته است.

۲. جرم محال

فردی ماده‌ای را که گمان می‌برد کشنده است به خورد قربانی می‌دهد، اما: شخص ثالثی ماده کشنده را با داروی خواب‌آور جابه‌جا کرده بوده است در این حالت، جرم محال اتفاق افتاده است.

❖ مبادرت در رفتار مجرمانه (مداخله در ارتکاب جرم)



عامل جرم: آن شخصی است که در ارتکاب عنصر مادی جرم مداخله مستقیم یا غیرمستقیم می نماید.

➤ **مباشرت؛** شخصی که مستقیماً مرتکب عنصر مادی جرم می شود (ماده ۴۹۴ ق.ا.م).

الف-مباشر مادی: مداخله مادی و بدون واسطه در ارتکاب جرم (بازوی اجرایی جرم).

ب-مباشر معنوی: ارتکاب جرم به وسیله و با واسطه (مغز متفکر جرم).

کسی که با داشتن اقتدار، جرم را بی آنکه به نحو مادی در ارتکاب آن مداخله داشته باشد واقع می سازد.

اگر یک جرم دارای عامل معنوی قابل مجازات باشد همزمان نیز دارای عامل مادی قابل مجازات می باشد.

مثال: اگر شخص الف، شخص ب را برباید؛ الف مباشر مادی است.

حال اگر الف شخص ب را توسط ج برباید = الف: مباشر معنوی

ج: مباشر مادی

در مباشرت معنوی؛

اولاً واسطه ارتکاب جرم باید عاقل، بالغ، مختار و عالم باشد.

ثانیاً جرم باید یکی از جرائم آدم ربایی یا جعل گواهی پزشک، جرم موضوع بند ۲ ماده ۶۴۰ تعزیرات، قاچاق کالا و ارز، باشد در این صورت مباشر

معنوی و مباشر مادی هر دو به مجازات فاعل مستقل جرم محکوم می شوند.

➤ **معاونت؛** معاون جرم کسی است که بدون آنکه خودش در عملیات اجرایی جرم متسبب به مباشر دخالت داشته باشد، با رفتار خود عمداً وقوع

جرم را تسهیل کرده یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیخته است.

➤ **سبب اقوی از مباشر؛** کسی که ارتکاب جرم عقلاً به او منتسب است. به طور کلی برای این که فردی جنایتی مرتکب شود باید به دو صورت عمل

کند یا خودش آن جرم را انجام دهد که به آن مباشر می گویند یا اینکه مسبب انجام آن جرم باشد که به آن سبب گویند.

-مباشر: کسی است که شخصاً مرتکب جرم می شود و عمل مجرمانه مستقیماً از او صادر شده است.

-سبب: کسی است که بدون انجام مستقیم جرم، با اقدام یا فراهم سازی شرایط، باعث وقوع آن می شود.

ملاک سبب اقوی بودن از مباشر عرف می باشد و به طور کلی مواردی که مباشر از صغیر غیر ممیز، بی اختیار، مجنون، جاهل و مانند آن ها برای ارتکاب

جنایتی استفاده نماید به عنوان سبب اقوی از مباشر به مجازات مباشر محکوم می شود.

نکته؛ اکراه و اجبار در قتل رافع مسئولیت مباشر نمی باشد و در این حالت مباشر به قصاص نفس محکوم می شود و اکراه کننده نیز مجازات حبس

ابد را خواهد داشت.

-در مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ تعزیرات اگر ضابط برای اخذ اقرار، متهم را شکنجه کند علاوه بر قصاص یا دیه به دلیل صدمه جسمانی یا فوت ناشی از شکنجه

به حبس ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می شود در صورتی که دستوردهنده ای (آمر/ عامل معنوی) در میان باشد مجازات آن حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم

خواهد شد و مجازات ضابط شکنجه گر قصاص یا دیه به دلیل ایراد صدمه محکوم می شود.

در صورتیکه عامل معنوی رفتاری کند که رفتار مباشر را تنزل دهد تنها عامل معنوی به عنوان سبب اقوی از مباشر مجازات خواهد شد اما اگر رفتار

عامل معنوی رفتار مباشر را تنزل نداده باشد و مباشر عالم و عاقد و قاصد و مختار باشد عامل مادی (مباشر) به مجازات قانونی جرم ارتکاب یافته و

عامل معنوی (مغز اندیشنده) به مجازات معاونت در ماده ۱۲۶ ق.م.ا محکوم می شوند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و

بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

➤ **مداخله در جرم به واسطه صغیر (مواد ۱۲۸-۲۷۲ تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۷۵ ق.م.ا)**

- اگر کسی از صغیر (ممیز جاهل / مجبور یا صغیر غیر ممیز) به عنوان وسیله استفاده کند به حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم می شود.
- اگر کسی در رفتار مجرمانه یک صغیر (ممیز غیر جاهل / مجبور) معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در جرم محکوم می شود.
- اگر کسی صغیر غیر ممیز را اکراه و اجبار به قتل کند اکراه کننده به قصاص نفس محکوم می شود و صغیر ضامن نیست.
- اگر کسی صغیر ممیز را اکراه و اجبار به قتل کند عاقله ضامن دیه است و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود.
- اگر کسی مال را توسط صغیر غیر ممیز از حرز خارج کند مباشر سرقت و حسب مورد سرقت حدی محسوب می شود و اگر کسی مال را توسط صغیر ممیز از حرز خارج کند رفتار آمر شامل یکی از سرقت های تعزیری می شود.

○ جدول مقایسه ای مسئولیت کیفری در استفاده از صغیر در ارتکاب جرم

مسئولیت صغیر	مسئولیت مرتکب (آمر یا استفاده کننده)	نوع صغیر	وضعیت
بدون مسئولیت کیفری	محکوم به حداکثر مجازات مباشر جرم	صغیر غیر ممیز / ممیز جاهل یا مجبور	استفاده از صغیر به عنوان وسیله
دارای مسئولیت جزئی	محکوم به حداکثر مجازات معاونت در جرم	صغیر ممیز (غیر جاهل و غیر مجبور)	معاونت در رفتار مجرمانه صغیر
صغیر ضامن نیست	اکراه کننده محکوم به قصاص نفس	صغیر ممیز (غیر جاهل و غیر مجبور)	اکراه به قتل
فاقد مسئولیت کیفری	اکراه کننده به حبس ابد محکوم / عاقله ضامن دیه است	صغیر ممیز	اکراه به قتل
فاقد مسئولیت کیفری	استفاده کننده مباشر سرقت محسوب می شود (ممکن است حدی باشد)	صغیر غیر ممیز	سرقت: خارج کردن مال از حرز توسط صغیر
صغیر نقش اجرا کننده دارد	رفتار آمر مشمول یکی از سرقت های تعزیری خواهد بود	صغیر ممیز	سرقت: خارج کردن مال از حرز توسط صغیر

✍ **چند مثال برای فهم بهتر:**

مثال ۱: پزشک و پرستار (سبب در قتل)

پزشکی دارویی را که می داند منجر به فوت بیمار می شود، به پرستاری می دهد تا آن را به بیمار تزریق کند. مهم: پرستار از اثر دارو اطلاعی ندارد. پزشک: سبب اقوی از مباشر است و به عنوان ضامن قتل شناخته می شود. پرستار: فاقد مسئولیت کیفری در خصوص قتل است.

مثال ۲: فرار زن ربوده شده و پرت شدن از خودرو

زنی توسط فردی ربوده می شود و برای فرار، خودش را از خودرو پرت می کند. آدم ربایا: سبب اقوی از مباشر در صدمات یا مرگ احتمالی زن محسوب می شود، زیرا بدون ربایش، زن مرتکب این رفتار نمی شد.

مثال ۳: آمر معنوی شکنجه توسط ضابط

الف، با تطمیع و وعده، ضابط دادگستری (ب) را وادار به شکنجه متهم (م) می کند. الف: مباشر معنوی محسوب می شود و به حبس طبق ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات محکوم می گردد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ب: مباشر مادی است و به قصاص یا دیه (در صورت ایراد صدمه) محکوم می‌شود.

مثال ۴: استفاده از صغیر غیر ممیز در اتلاف اسناد

الف با تطمیع و دادن جایزه به یک پسر ۵ ساله، از او می‌خواهد دسته‌چک پدرش را پاره کند.

پسر بچه: صغیر غیر ممیز و فاقد مسئولیت کیفری است.

الف: سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود و در جرم اتلاف اسناد مسئول خواهد بود.

➤ تسبیب در جرم:

به حالتی گفته می‌شود که شخصی بدون ارتکاب مستقیم عنصر مادی جرم، با رفتاری غیر مستقیم و زمینه‌ساز باعث تحقق جرم می‌شود.

-سبب، کسی است که با عمل یا ترک فعل خود، مقدمه‌ای فراهم می‌کند که در صورت نبود آن، جرم اصلاً واقع نمی‌شد. به بیان دیگر: "سبب، کسی است که عامل اصلی یا مباشر جرم نبوده، اما بدون دخالت او، جرم رخ نمی‌داد".

-در تسبیب، رفتار مرتکب رابطه مستقیم با اجرای جرم ندارد، اما رابطه علیت بین عمل او و وقوع جرم برقرار است.

-سبب در صورتی مسئولیت کیفری دارد که؛

رفتار او عرفاً به وقوع جرم منجر شده باشد.

سبب اقوی از مباشر شناخته شود.

○ نظریات مربوط به احراز رابطه علیت:

ویژگی اصلی	مبنای مسئولیت کیفری	عنوان نظریه
بدون توجه به میزان تأثیر، صرفاً تقدم زمانی معیار است	اولین سبب در زنجیره اسباب	خطای کیفری به عنوان شرط واجب یا ضروری
عامل مقدم زمانی که بیشترین نزدیکی به نتیجه را دارد	نزدیک‌ترین و زودترین عامل به نتیجه	خطای کیفری به عنوان شرط نزدیک یا متصل
بر اساس کیفیت اثرگذاری اسباب و تناسب علت با نتیجه مجرمانه تعیین می‌شود	مناسب‌ترین و کافی‌ترین سبب در بین اسباب	خطای کیفری به عنوان شرط محرک و پویا

← نظریه خطای کیفری به عنوان شرط کافی نتیجه مجرمانه، با تأکید بر کیفیت اثرگذاری اسباب، نقش مهمی در قانون مجازات اسلامی دارد. این قانون در سال ۱۳۹۲، با توجه به دو نظریه فوق (نظریه سبب یا عامل مقدم و نظریه سبب یا عامل کافی)، عوامل مستقیم و غیرمستقیم را تفکیک کرده و وضعیت قانونی هر یک را بر اساس مواد قانونی مربوط به اجتماع عوامل مباشر و سبب و اجتماع اسباب مشخص کرده است.

□ اجتماع عوامل در وقوع جرم (مباشر، سبب، اسباب متعدد)

۱. اجتماع سبب و مباشر

اگر چند عامل (برخی مباشر، برخی سبب) در وقوع جنایت مؤثر باشند:

اصل: هرگاه جنایت مستند به یکی از آن‌ها باشد، همان عامل ضامن است؛ فرقی نمی‌کند مباشرت کرده یا سبب شده باشد.

اگر جنایت به همه عوامل (مباشر و سبب) مستند باشد؛

همه به تساوی ضامن هستند؛ مگر اینکه میزان تأثیر هر یک متفاوت باشد که در این صورت، هر کس به اندازه تأثیر رفتار خود مسئول است.

اگر در این اجتماع، سبب اقوی از مباشر باشد؛

فقط سبب ضامن خواهد بود.

۲. اجتماع اسباب در عرض یکدیگر

اگر چند سبب غیرمستقیم و هم‌عرض به‌طور مشترک موجب جنایت یا خسارت شوند و؛

جنایت به همه مستند باشد، همگی به‌طور مساوی ضامن هستند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-مثال: در برخورد دو خودرو که منجر به مرگ راننده یا سرنشین شود، اگر تقصیر به هر دو راننده مستند باشد، هر راننده مسئول نصف دپه طرف مقابل و سرنشینان است.

۳. اجتماع اسباب در طول یکدیگر

یعنی اسباب به صورت زنجیره‌ای و با ترتیب زمانی (تقدم و تأخر) در وقوع جرم نقش داشته‌اند.

الف) تمام اسباب غیر مجاز

قاعده: سببی که زودتر و مؤثرتر در جنایت بوده است، ضامن خواهد بود.

(سبب مقدم در تأثیر مسئول است)

ب) برخی اسباب غیرمجاز، برخی مجاز

قاعده: فقط آن سببی که عملش غیرمجاز بوده ضامن است.

اگر نفر دوم با علم به وضعیت خطرناک قبلی، اقدام کرده باشد ← نفر دوم ضامن است.

-مثال: فردی سنگی در مسیر عبور عابر می‌گذارد و دیگری در همان مسیر چاه می‌کند. اگر عابر ابتدا به سنگ برخورد کرده و سپس در چاه افتاده باشد:

گذارنده سنگ (سبب مقدم در تأثیر) ضامن است.

نکته مهم (ماده ۵۳۵ ق.م.ا): اگر هر دو نفر با قصد مجرمانه و آگاهی کامل اقدام کرده باشند، و اعمالشان علیه دیگران به‌طور عمدی و هماهنگ باشد: هر دو شریک در جرم عمدی محسوب می‌شوند.

-جمع‌بندی:

-معیار اصلی مسئولیت در اجتماع عوامل، استناد جنایت به رفتار مرتکب است.

-در صورت تساوی تأثیر اسباب، مسئولیت مشترک و مساوی است.

-در اجتماع طولی اسباب:

مقدم در تأثیر ضامن است (اگر همه غیرمجاز باشند)

عامل غیرمجاز ضامن است (اگر برخی مجاز باشند)

سبب اقوی از مباشر، مسئولیت را از مباشر سلب می‌کند.

نتیجه‌گیری:

- | | | |
|---|---|--|
| ۱- همگی دارای قصد مجرمانه باشند ← تساوی مسئولیت با لحاظ قاعده شرکت در جرم | } | ۲- اسبابی که همه غیر مجاز هستند ← سبب مقدم در تأثیر مسئول است. |
| ۳- اسبابی که مجاز یا غیر مجاز هستند ← سبب غیر مجاز مسئول است. | | |
| ۴- سبب مؤخر در حدوث ← سبب مؤخر در حدوث مسئول است اگر عالم و عامد نسبت به وجود و اثرگذاری سبب قبل از خود باشد. | | |

□ شرکت در جرم (ماده ۱۲۵ ق.م.ا)

شرکت در جرم به معنای همکاری دست‌کم دو یا چند نفر در ارتکاب یک جرم است، به‌گونه‌ای که رفتار هر یک از آنان بخشی از عنصر مادی جرم را تشکیل دهد.

← ویژگی‌های اصلی شرکت در جرم

۱- شرکت در عنصر مادی:

مشارکت‌کنندگان باید در اجرای عنصر مادی جرم مداخله مستقیم داشته باشند.

نقش همه شرکا در وقوع جرم باید مؤثر باشد، ولی؛

هم‌زمان بودن اقدامات آن‌ها یا میزان دقیق و برابر اثرگذاری، شرط نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۲- استقلال در عنصر روانی:

هر شریک، باید دارای قصد مجرمانه (عنصر روانی) نسبت به عمل خود باشد.

شرکا از نظر عنصر روانی، مستقل از یکدیگر هستند.

۳- عدم لزوم وحدت قصد یا تبانی قبلی:

تحقق شرکت در جرم نیاز به تبانی یا توافق قبلی ندارد.

تنها مداخله مؤثر در عنصر مادی جرم برای تحقق شرکت کافی است.

جمع‌بندی: شرکا از حیث عنصر مادی مشترک و از حیث عنصر روانی مستقل از هم هستند فلذا برای محقق شدن شرکت وحدت قصد و تبانی ملاک نیست.

*شرط تحقق شرکت در جرم مداخله در عملیات اجرایی است.

*فرمول شرکت در جرم *

وحدت قصد مجرمانه + مشارکت در عملیات اجرایی + مستند بودن جرم به عمل آن‌ها.

نکته: در شرکت در جرم، وحدت قصد مجرمانه باید مقدم یا متقارن با عملیات مجرمانه باشد. وحدت قصد مجرمانه مؤخر موجب شرکت در

جرم نمی‌شود.

تبانی و توافق میان شرکا لزوماً به معنا وحدت قصد نمی‌باشد.

-شرکت در جرائم مطلق و مقید و ترک فعل نیز متصور است.

-شرکت در جرائم غیر عمد متصور است و کافی است نتیجه مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد. و شرکای یک جرم از جهت کیفر همچون فاعل مستقل آن جرم در نظر گرفته شده و هر کدام به مجازات قانونی جرم واقع شده محکوم می‌گردند.

البته بازهم طبق بند ح ماده ۳۸ مداخله ضعیف شرکا این امکان را به مقام قضایی می‌دهد که اسباب تخفیف مجازات قانونی را مدنظر خود قرار دهند.

-در جرائمی که عمد و غیر عمد آن جرم می‌باشد ممکن است یک شریک مقصر باشد و شریک دیگر عاقد باشد.

-شرکت در جرائم حدی:

در برخی حدود، مشارکت مفهومی ندارد زیرا جرم قائم به شخص است مانند؛ قذف، مصرف مسکر.

اما در برخی حدود، شرکت قابل تصور است، با این تفاوت که؛ تابع مقررات عمومی شرکت در جرم نیست.

هر یک از مرتکبین، به‌عنوان مباشر مستقل قابل مجازات‌اند. مانند؛

-محاربه

-سرقت

-قوادی

-افساد فی الارض

- مداخله ضعیف شرکا در جرم مانع تحقق شراکت نیست.

ملاک شرکت این است که رفتار هر شریک جزئی از علت وقوع جرم باشد، نه شدت یا ضعف تأثیر هر شریک. البته مداخله ضعیف شرکا طبق بند ح ماده ۳۸ ق.م.ا می‌تواند از جهات تخفیف مجازات لحاظ شود.

- ماده ۳۶۸ ق.م.ا «اگر عده‌ای، آسیب‌هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها، شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.» بنابراین:

وجود رابطه علیت بین رفتار هر شریک و نتیجه مجرمانه الزامی است.

میزان یا شدت رفتار شرکا معیار اصلی نیست؛ بلکه انتساب نتیجه مهم است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

فرمول شرکت در جرم عمد

علم به حکم + علم به موضوع + قصد انجام رفتار مجرمانه + تحصیل نتیجه + صرف نظر از انگیزه مجرمانه برابر.
کهر یک از شرکای جرم کلاهبرداری، طبق ماده ۱۲۵ ق.م.ا، مانند فاعل مستقل به مجازات اصلی (حبس) محکوم می‌شوند.
اما در خصوص جزای نقدی، بر اساس ماده ۱ قانون تشدید:

♦ اگر سهم هر شریک از مال کلاهبرداری شده مشخص باشد:

جزای نقدی به همان میزان سهم تعیین می‌شود.

♦ اگر سهم شرکا مشخص نباشد:

جزای نقدی به صورت مساوی بین همه شرکا تقسیم خواهد شد.

جمع‌بندی رأی وحدت رویه شماره ۸۳۸: با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری، چنانچه کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد و صدور حکم بر محکومیت هر یک از شرکا به پرداخت جزای نقدی معادل کل مبلغ مورد کلاهبرداری، تعیین مجازات بیش از میزان مقرر قانونی خواهد بود و در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد.

❖ معاونت در جرم (مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی)

معاون جرم شخصی است که بدون مشارکت در عملیات اجرایی جرم، اما با وحدت قصد مجرمانه نسبت به مباشر یا شرکای جرم، به آنان در ارتکاب جرم یاری می‌رساند.

-مجرمیت معاون، عاریه‌ای است؛

یعنی رفتار معاون تنها زمانی جرم محسوب می‌شود که رفتار مباشر جرم باشد. در نتیجه؛

۱- رفتار مباشر باید جرم باشد تا معاونت در آن نیز جرم باشد.

۲- مباشر باید مرتکب جرم شود یا حداقل شروع به ارتکاب جرم نماید.

۳- رفتار معاون در تحقق جرم توسط مباشر باید مؤثر باشد.

اگر مباشر مرتکب عملی شود که قانوناً جرم نباشد، رفتار معاون نیز قابل مجازات نخواهد بود؛ هرچند رفتار او فی‌نفسه ممکن است غیراخلاقی یا قابل نکوهش باشد.

در حقوق کیفری ایران اصولاً نظریه مجرمیت عاریه‌ای حاکم است و در برخی موارد قاعده مجرمیت مستقل اعمال می‌شود

○ شرایط تحقق معاونت

۱- مجرمانه بودن فعل اصلی (مباشر)

-عمل مباشر باید قانوناً جرم باشد تا معاونت در آن قابل تصور باشد. در غیر این صورت، معاونت منتفی است.

۲- لزوم یاری‌رسانی به مباشر یا شرکا

این یاری می‌تواند به شکل:

-تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع

-تهیه ابزار، تهیه مقدمات

-مخفی کردن آثار جرم یا فراری دادن مجرم و سایر اعمال مندرج در ماده ۱۲۶ ق.م.ا باشد.

۳- رفتار معاون باید به پایان برسد

صرف شروع به معاونت، مانند شروع به تهیه ابزار یا نقشه، قابل مجازات نیست مگر اینکه جرم اصلی نیز محقق شود.

○ وجه تمایز معاونت و شرکت در جرم

۱. در ماهیت مشارکت:

در شرکت در جرم، دو یا چند نفر در اجرای مستقیم عنصر مادی جرم مشارکت دارند؛ یعنی هر یک از شرکا بخشی از جرم را انجام می‌دهند و نقش فعالی در تحقق جرم دارند.

در معاونت در جرم، فرد در اجرای جرم مداخله مستقیم ندارد، بلکه با اقدامات بیرونی و مقدماتی مانند تحریک، تهدید، تطمیع یا تهیه وسایل و ابزار، به وقوع جرم کمک می‌کند.

۲. در مجرمیت:

در شرکت، هر شریک مستقلاً فاعل جرم محسوب می‌شود و رفتار او به تنهایی نیز جرم تلقی می‌گردد.

در معاونت، مجرمیت معاون، عاریه‌ای است؛

یعنی رفتار معاون تنها در صورتی جرم محسوب می‌شود که عمل مباشر نیز جرم باشد.

اگر مباشر مرتکب عملی شود که قانوناً جرم نباشد، معاون نیز قابل تعقیب نیست.

۳. در شروع به جرم:

شروع به شرکت در جرم ممکن است تحت شرایط خاصی (مثلاً در جرائم مهم و شدید) قابل مجازات باشد.

اما شروع به معاونت جرم محسوب نمی‌شود؛ زیرا برای تحقق معاونت، باید رفتار معاون به‌طور کامل انجام شده باشد و جرم نیز واقع شده باشد.

۴. در مجازات:

شرکای جرم مطابق قانون، به‌عنوان فاعل مستقل به مجازات کامل همان جرم محکوم می‌شوند.

معاون جرم، مجازاتی متفاوت دارد که مطابق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌شود و معمولاً کمتر از مجازات فاعل اصلی است.

ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی

اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

در برخی موارد اهمیت عمل ارتكابی آن چنان زیاد است که قانون‌گذار رفتاری را که ماهیتاً معاونت است را جرم مستقلی پنداشته بدون آنکه به قاعده استعار توجهی داشته باشد مانند موارد زیر:

۱- ترغیب مردم به فساد و فحشاء یا فراهم نمودن موجبات آن (بند ب ماده ۶۳۹ ت)

۲- تهدید به وسیله چاقو یا هر نوع سلاح دیگر (ماده ۶۱۷ تعزیرات)

۳- دسیسه، فریب یا با اعمال خدعه هواپیماهای آماده برای پرواز (بند ۱ و ۳ ق.م.اخلال گران در امنیت پرواز)

۴- ارائه طریق به زن حامله برای سقط جنین (ماده ۶۳۳ ق.ت)

۵- تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت (م ۵۱۲ ق.ت)

۶- اخفا مال مسروقه (ماده ۶۶۲ ق.ت)

۷- واسطه‌گری برای ربا (ماده ۵۹۵ ق.ت) و

-معاونت در جرم اصولاً با فعل واقع می‌شود مگر مصداق تسهیل وقوع جرم.

-معاونت در جرائم ترک فعلی نیز متصور است مانند معاونت در ترک انفاق.

نکته: سکوت، عدم اعلام جرم، خودداری از ارتکاب جرم، اصولاً معاونت در جرم نیست و می‌تواند در مواردی جرم مستقل باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

مانند؛

- ماده ۶۰۶ تعزیرات (عدم گزارش رئیس یا مدیران..)

- ماده ۷۱۱ تعزیرات (عدم گزارش ضابط..)

- ماده ۷۲۲ تعزیرات (عدم اعلام سرقت یا مفقودی پلاک ..) و ..

اما در مواردی عدم اعلام جرم به طور خاص از مصادیق معاونت در جرم محسوب می شود مثل تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران نظام اقتصادی کشور.

نکات

- رفتار معاون باید با علم و عمد باشد لذا معاونت به غیر عمد قابل تحقق نمی باشد.

- رفتار معاون باید مقدم و هم زمان با رفتار مباشر باشد پس کمک رسانی بعد از ارتکاب جرم معاونت در جرم نمی باشد مگر اینکه هماهنگی قبلی باشد.

- بین معاون و مباشر باید وحدت قصد وجود داشته باشد.

- تعدد مصادیق معاونت، موجب تعدد جرم نیست.

- خروج از وحدت قصد موجب عدم تحقق معاونت می شود.

- خروج از وحدت قصد در جرمی خاص و انجام جرم، اما مباشر جرم خفیف تر آن را انجام دهد معاونت در جرم خفیف تر محقق می شود و همچنین خروج از وحدت قصد جرمی خاص اگر منجر به انجام جرم شدیدتر توسط مباشر شود معاونت در جرم خفیف تر محقق می شود.

- معاونت در معاونت متصور نیست.

مجازات معاونت در جرم:

الف- مجازات در شرع تعیین شده: برای طلیع (دیده بان) مجازات کور کردن چشم و برای مُمسک (نگهدارنده) مجازات حبس ابد تعیین شده است.

ب- ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن:

۱- معاونت در جرائمی با مجازات قانونی سلب حیات ← مجازات معاون حبس درجه ۲ یا ۳ تعزیری (حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال یا حبس بیش از ده تا پانزده سال).

۲- در جرائمی با مجازات قانونی حبس ابد ← مجازات معاون حبس درجه ۲ یا ۳ تعزیری

۳- معاونت در جرائمی با مجازات قانونی شلاق حدی ← مجازات معاون ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶.

۴- معاونت در جرم سرقت حدی با هر مجازاتی ← مجازات معاون حبس درجه ۵ یا ۶

۵- معاونت در جرم قطع عمدی عضو در فرض قصاص عضو مباشر ← مجازات معاون

حبس درجه ۵ یا ۶ تعزیری (حبس بیش از شش ماه تا دو سال یا حبس بیش از دو تا پنج سال).

۶- معاونت در جرم با مجازات قانونی تعزیری (حبس، شلاق، جزای نقدی درجه ۷)

← مجازات معاون یک تا دو درجه پایین تر از مجازات قانونی مباشر از همان نوع است مگر در موارد زیر:

- معاونت در جرائمی با مجازات قانونی مصادره اموال ← مجازات معاون جزای نقدی درجه ۴ می باشد (جزای نقدی بیش از یک میلیارد و شش صد و پنجاه میلیون تا سه میلیارد و سیصد میلیون ریال).

- معاونت در جرائمی با مجازات قانونی انفصال دائم ← مجازات معاون جزای نقدی درجه ۶ می باشد (جزای نقدی بیش از دویست میلیون ریال تا هشتصد میلیون ریال).

- معاونت در جرائمی با مجازات قانونی انتشار حکم محکومیت ← مجازات معاون جزای نقدی درجه ۷ می باشد (جزای نقدی بیش از صد میلیون ریال تا دویست میلیون ریال).

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: مجازات معاون در جرائم تعزیری از جنس مجازات مباشر است، مگر در فرض تبصره ۱ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی. طبق این تبصره، در مورد بند (ت) ماده ۱۲۷، مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است، مگر در موارد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت؛ زیرا در این موارد، درجه پایین‌تری از همان نوع مجازات وجود ندارد، بنابراین مجازات معاون به ترتیب به جزای نقدی درجه ۴، ۶ و ۷ تبدیل می‌شود. -در جرائمی با مجازات تعزیر درجه ۸ معاونت فاقد مجازات است.

-معاونت در جرائم قابل گذشت یک جرم قابل گذشت می‌باشد.

-معاونت در همه جرائم با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق می‌باشد مگر معاونت در قتل عمدی، محاربه، افساد فی‌الارض که قابل تعلیق و تعویق نمی‌باشد.

-معاونت در قاچاق کالا و ارز به حداقل مجازات مباشر می‌باشد. (تبصره ۲ ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

-معاونت در جنایت غیرعمدی قابل تحقق نیست.

-معاونت در قتل عمد و قطع عمدی عضو؛ اگر مباشر قصاص شود مجازات معاون حسب مورد منطبق با بند الف یا ب ماده ۱۲۷ می‌باشد و اگر مباشر قصاص نشود مجازات معاون یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات تعزیر بدل از قصاص مقرر شده برای معاون باشد.

-در جرم افساد فی‌الارض، برخلاف قواعد عمومی معاونت، که اصولاً مجازات معاون از مباشر خفیف‌تر است، مجازات معاون همانند مباشر، اعدام است.

□ معاونت در ارتكاب جرم با مداخله کودکان (ماده ۱۲۸ ق.م.ا)

-اگر شخصی در رفتار مجرمانه‌ی صغیر ممیز (غیر جاهل و غیر مکره) معاونت کند، به حداکثر مجازات معاونت در جرم محکوم می‌شود.

-اگر فرد بالغ و عاقل، از صغیر غیرممیز به‌عنوان وسیله ارتكاب جرم استفاده کند و جرم به او مستند باشد، به‌عنوان سبب اقوی از مباشر شناخته شده و به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌شود و صغیر غیرممیز فاقد مسئولیت کیفری است.

-اگر فرد بالغ و عاقل از صغیر ممیز جاهل یا مکره به‌عنوان وسیله ارتكاب جرم استفاده کند و جرم به او مستند باشد، او نیز به‌عنوان سبب اقوی از مباشر به حداکثر مجازات همان جرم محکوم می‌شود و صغیر ممیز جاهل یا مکره نیز فاقد مسئولیت کیفری است.

-ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه در ارتكاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جتهی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جتهی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.

-مطابق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی: هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضای گروه در راستای اهداف همان گروه محکوم می‌شود، مگر اینکه؛

جرم ارتكابی موجب حد، قصاص یا دیه باشد که در این صورت، سردسته به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌گردد.

همچنین در جرائم محاربه و افساد فی‌الارض، در صورتی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض بر سردسته صدق کند، به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌شود.

تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم سه نفر یا بیشتر که برای ارتكاب جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدف آن به ارتكاب جرم منحرف می‌شود.

تبصره ۲: سردستگی شامل تشکیل، طراحی، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.

-نحوه مجازات سردسته گروه مجرمانه:

۱- در کلیه جرائم موجب تعزیر < > حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی گروه.

۲- در جرائم موجب حد، قصاص، دیه < > حداکثر مجازات معاونت در آن جرم حسب مورد.

۳- در جرائم حدی محاربه/ افساد فی‌الارض < > اگر عنوان محارب یا افساد فی‌الارض بر سردسته گروه صدق نکند وی به مجازات محاربه یا افساد فی‌الارض حسب مورد می‌شود.

✓ نکات

- جرائم سازمان یافته و شروع به آن‌ها غیر قابل تعویق و تعلیق می‌باشد.

- سر دستگی در شروع به جرم متصور است اما شروع به سر دستگی متصور نیست.

📄 در جرائم خاص؛

قانون گذار ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته را از عوامل تشدید مجازات دانسته است. مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، در صورتی که جرائم موضوع این قانون توسط گروه سازمان یافته ارتکاب یابد، مجازات مرتکبین یک درجه تشدید می‌شود.

همچنین طبق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پول شویی (مصوب ۱۳۸۶، اصلاحی ۱۳۹۷)، در صورت ارتکاب جرم پول شویی به صورت سازمان یافته، مجازات مرتکب یک درجه تشدید می‌گردد.

در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (مصوب ۱۳۹۴، اصلاحی ۱۳۹۷)، به موجب ماده ۷، هرگونه سازمان دهی یا هدایت دو یا چند نفر در ارتکاب جرائم موضوع این قانون، اعم از اینکه مباشرت یا معاونت در جرم داشته باشند، و نیز ارتکاب جرائم به صورت سازمان یافته، از علل مشدده مجازات محسوب شده و مرتکب مشمول ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

به موجب تبصره ۳ الحاقی ۱۴۰۰ به ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اگر شخصی بدون دخالت در عملیات مادی، دستور یا سفارش ارتکاب جرم یا تخلف را صادر کند، یا کالا، ارز، عواید یا سود حاصل از آن متعلق به وی باشد، به مجازات مباشر جرم یا تخلف محکوم می‌شود، بدون اینکه این مجازات مانع مجازات مباشر باشد.

همچنین بر اساس تبصره ۴ الحاقی ۱۴۰۰ به ماده ۶۳ همین قانون، در صورت ارتکاب جرائم یا تخلفات موضوع قانون به صورت سازمان یافته، هر یک از اعضای گروه به

حداکثر مجازات مقرر برای رفتار ارتكابی خود محکوم خواهند شد. چنانچه مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، نصف مجازات قانونی به آن اضافه می‌شود.

در صورتی که قاچاق به تنهایی و به صورت سازمان یافته انجام گیرد، مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ملاک عمل خواهند بود:

- ماده ۲۸ در خصوص قاچاق کالای ممنوع به نحو سازمان یافته
- ماده ۲۹ در خصوص قاچاق کالای مجاز، مشروط، یارانه‌ای و ارز به نحو سازمان یافته

❖ عنصر روانی جرم (مواد ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵)

برای آنکه عنصر روانی تحقق پیدا کند، وجود دو عامل ضرورت دارد:

- اراده‌ی ارتکاب

- قصد مجرمانه (یا خطای جزائی)

اراده‌ی ارتکاب آن است که شخص بخواهد عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد. بنابراین اگر شخصی، دیگری را به شدت به طرف جلو براند و در نتیجه‌ی این عمل، مشت شخص اخیر به چشم شخص ثالثی اصابت کند و او را مجروح نماید، چون عملی که علی‌الاصول جرم است، بدون اراده‌ی ارتکاب صورت گرفته، جرم شناخته نمی‌شود و مسئولیتی برای شخص دوم به وجود نمی‌آورد.

از طرف دیگر، عملی که با اراده‌ی ارتکاب انجام می‌گیرد، چنانچه با قصد مجرمانه یا خطا توأم نباشد، باز هم به این خاطر که فاقد عنصر روانی است، جرم تلقی نمی‌شود.

مثال: شخصی برای شکار به جنگلی که برای این کار اختصاص یافته، می‌رود و با توجه به تمام ضوابط و مقررات، به شکار می‌پردازد و رعایت همه‌ی احتیاط‌های لازم را می‌کند. با این وصف، تیر او به شخص دیگری که بدون اجازه وارد جنگل شده، اصابت می‌کند و او را می‌کشد.

عمل ارتكابی با اراده‌ی ارتكاب صورت گرفته، یعنی شخص خواسته است که تیراندازی کند. ولی قصد مجرمانه نداشته است؛ یعنی خواستار کشتن دیگری نبوده است. به علاوه خطایی هم از او سر نزده؛ یعنی از یک طرف رعایت کلیه ضوابط و مقررات را کرده و از طرف دیگر مرتکب بی احتیاطی و بی‌مبالاتی هم نشده است.

در این شرایط نیز می‌گوییم عمل - به علت فقدان عنصر روانی - جرم نیست و مجازات ندارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

○ جرائم از حیث رکن روانی ۲ نوع هستند:

۱- جرائم عمدی — اراده ارتکاب + علم و عمد.

علم به حکم:

مفروض است و نیاز به اثبات ندارد.

جهل به حکم و ادعای جهل به حکم اصولاً رافع مسئولیت کیفری نمی‌باشد مگر در ماده ۱۵۵ ق.م.ا «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.» ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.»

علم به موضوع:

فرض بر جهل است و علم به موضوع باید ثابت شود.

جهل به موضوع در جرائم عمدی اصولاً موجب عدم تحقق جرم است.

جهل به موضوع در جرائم غیرعمدی رافع مسئولیت کیفری نمی‌باشد و خود مصداقی از تقصیر محسوب می‌شود.

سوءنیت عام: در احراز عنصر روانی همه جرائم عمدی لازم است.

سوءنیت خاص: مختص احراز عنصر معنوی جرائم مقید است.

نکته: اصل بر این است که انگیزه، تأثیری در ماهیت و تحقق جرم ندارد.

-باین حال، در موارد استثنائی، انگیزه می‌تواند به عنوان بخشی از عنصر تشکیل‌دهنده جرم مطرح شود.

-انگیزه در تعیین مجازات تعزیری مؤثر است.

بر اساس ماده ۱۸، تعیین مجازات تعزیری با توجه به انگیزه مرتکب صورت می‌گیرد.

-همچنین مطابق بند پ ماده ۳۸، انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم می‌تواند به عنوان یک کیفیت مخففه محسوب شود و باعث کاهش مجازات گردد.

-در مواردی نیز، وجود انگیزه‌ای خاص ممکن است موجب تشدید مجازات مرتکب شود.

۲- جرائم غیرعمدی — اراده ارتکاب + تقصیر.

ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی «تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیرعمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

تبصره - تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.»

-تمامی جرائم غیر عمد مقید هستند و صرف اثبات تقصیر کافی نیست بلکه رابطه علیت بین تقصیر و نتیجه حاصل از آن شرط می‌باشد.

-در جرائم غیر عمد، شروع به جرم، معاونت در جرم، مجازات تبعی و تکرار جرم راه ندارد درحالی‌که مجازات تکمیلی و تعدد جرم و شرکت در این جرائم متصور است.

❖ مسئولیت کیفری (ماده ۱۴۰ تا ۱۴۳ - مواد ۲۰ تا ۲۲)

مسئولیت کیفری عبارت است از وضعیت مجرم که بر اساس آن، قابلیت تحمل مجازات یا مجازات پذیری را خواهد داشت.

مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی:

«مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم "قصاص" آمده است.»
در دیه، وجود شرایط مسئولیت کیفری شرط نیست.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

○ استثنای اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

در مواردی، باوجوداینکه اصل بر شخصی بودن مسئولیت کیفری است، قانون مواردی را به عنوان استثنا پیش بینی کرده است:

- اگر شخص قانوناً مسئول رفتار دیگری باشد.

- اگر شخص در نظارت و مراقبت نسبت به رفتار دیگران مرتکب تقصیر شود.

در این موارد، درحالی که مرتکب جرم شخص دیگری است، اما مسئولیت پاسخ گویی به جرم بر عهده فرد یا افراد معین قرار می گیرد؛ حتی اگر این افراد در ارتکاب عنصر مادی جرم مداخله ای نداشته اند.

نمونه ای بارز این وضعیت، مسئولیت عاقله در جنایات است که به حکم شرع و قانون، مسئولیت پرداخت دیه ی جنایت ارتكابی توسط جانی را - به ویژه در خطای محض - با رعایت شرایط قانونی، بر عهده می گیرد.

✓ ملاک برای احراز مسئولیت کیفری، زمان ارتکاب جرم است.

← بر اساس نظریه ی تقصیر فرد، شخص تنها زمانی مسئولیت کیفری را بر عهده می گیرد که در نظارت و مدیریت بر رفتار دیگری که منجر به ضرر و زیان شده، مقصر باشد.

مثال: مربی آموزش رانندگی، اگر با بی مبالائی یا بی احتیاطی مراقبت لازم بر نحوه ی رانندگی آموزش گیرنده را نداشته باشد، و به دلیل سرعت غیرمجاز آن فرد و عدم توجه و اقدام به موقع مربی در ترمز گرفتن، حادثه ای برای عابر یا عابران رخ دهد، مربی مقصر شناخته می شود.

○ مصادیق قانونی مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر

در قوانین نیز، مواردی از مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر ذکر شده است:

الف) مسئولیت کارفرما مطابق ماده ۹۵ قانون کار

ب) مسئولیت عاقله مطابق مواد ۴۶۳ تا ۴۷۱ قانون مجازات اسلامی

ج) مسئولیت مدیر مسئول و نویسنده در مطالب متضمن اهانت به رهبر یا مراجع تقلید

- ماده ۱۴۳ ق.م.ا «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

- ماده ۷۴۷ تعزیرات «در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:

الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه ای شود.

ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد.

ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه ای شود.

د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص خصوصی فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود.

✓ در صورت تعدد شعب شخص حقوقی، مسئولیت تنها متوجه همان شعبه ای است که مرتکب جرم شده و اصولاً مرکز اصلی مسئولیتی نخواهد داشت مگر؛ جرم با تصمیم مرکز اصلی صورت پذیرفته باشد.

✓ در صورت ادغام شخص حقوقی با شخصیت حقوقی دیگر، نمی توان جرائم سابق را به شخصیت حقوقی جدید، منتسب نمود.

اما در صورت تبدیل با توجه به باقی ماندن شخصیت قبلی، مسئولیت کیفری پابرجاست.

✓ اشخاص حقوق خصوصی نیز مسئولیت کیفری دارند.

-ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی:

-در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود.

{ بنابرین، در مواردی که نهاد دولتی یا عمومی صرفاً در حال انجام وظیفه ی قانونی حاکمیتی خود است، قابل مجازات نیست. }

-ماده ۲۱ ق.م.ا «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود.»

ماده ۲۲ ق.م.ا «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد»

ماده ۷۴۸ تعزیرات: اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

-مجازات اشخاص حقوقی از جنس تعزیر، دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم می باشد. (تبصره ماده ۱۴)

این تبصره، برای الزام شخص حقوقی به پرداخت دیه و خسارت، صرفاً احراز رابطه ی علیت میان رفتار آن شخص حقوقی و خسارت را کافی دانسته و هیچ گونه شرطی ناظر به قصد، نفع یا نماینده قانونی ذکر نکرده است. { تبصره ماده ۱۴ به عنوان یک قاعده خاص، مخصص حکم عام ماده ۱۴۳ محسوب می شود. }

-اشخاص حقوقی فاقد مجازات تکمیلی و تبعی می باشند.

-در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پول شویی شوند علاوه بر مجازات های مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پول شویی واقع گردیده محکوم می شوند.

-انحلال غیرارادی شخص حقوقی از عوامل سقوط کلیه مجازات های شخص حقوقی و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات خواهد بود البته این امر تأثیری بر دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم ندارد.

○ موانع عینی مسئولیت کیفری

در مواردی که شاخصه های ایجاد مسئولیت کیفری در مجرم وجود نداشته باشد یا با خدشه مواجه شود، ممکن است مسئولیت کیفری از مرتکب جرم برداشته شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

این وضعیت حتی در صورتی رخ می‌دهد که؛ جرم با تمام عناصر قانونی و مادی خود محقق شده باشد، اما به دلیل وجود عوامل خاص مرتبط با وضعیت شخصی مرتکب، اعمال کیفر ممکن نباشد.

-مهم‌ترین عوامل رفع مسئولیت کیفری (بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲):

۱-عدم اختیار

۲-اکراه

۳-جنون

۴-اضطرار

این عوامل که در فصل مربوط به موانع مسئولیت کیفری در قانون ذکر شده‌اند، ناظر بر شرایطی هستند که؛ مرتکب در لحظه ارتکاب جرم فاقد اراده، شعور یا قدرت انتخاب آزاد بوده است، بنابراین استحقاق کیفر ندارد.

○ ویژگی‌های اسباب عینی عدم مسئولیت کیفری:

این اسباب؛ عینی و خارجی هستند.

این اسباب نسبت به وضع معاونان و شرکا نیز مؤثر هستند.

به موجب تحقق این اسباب با نفی مجازات از مرتکب، مسئولیت مدنی (ضرر و زیان ناشی از جرم) نیز منتفی می‌گردد، مگر در موارد استثناء که در قانون تصریح شده باشد.

☆ تفاوت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، اصل شخصی بودن مجازات و اصل فردی کردن مجازات:

در حقوق کیفری سه اصل مشابه ولی متمایز وجود دارد که گاه با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند:

الف- اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری یعنی فقط شخصی که مرتکب جرم شده، مسئول است و دیگران قابل تعقیب نیستند.

ب- اصل شخصی بودن مجازات یعنی مجازات فقط برای مرتکب اجرا می‌شود و به دیگران سرایت نمی‌کند.

ج- اصل فردی کردن مجازات یعنی دادگاه برای همان مرتکب، با توجه به شرایط خاص او (مثل سن، جنس، شخصیت، و...)، مجازاتی متناسب تعیین می‌کند.

➤ انواع اسباب عینی عدم مسئولیت کیفری

در حقوق جزا، شرایط و وضعیت‌هایی وجود دارد که باوجود ارتکاب رفتار مجرمانه، مسئولیت کیفری از مرتکب برداشته می‌شود. این شرایط در زمره "اسباب عینی عدم مسئولیت کیفری" قرار می‌گیرند. در ادامه مهم‌ترین این اسباب بررسی می‌شوند:

۱-حکم یا جواز قانون‌گذار

هرگاه ارتکاب رفتار به حکم قانون یا اجازه آن صورت گرفته باشد، رفتار انجام‌شده جرم محسوب نشده و قابل مجازات نیست. مانند مورد "قتل در فراش" که در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. پیش‌بینی شده است.

۲-اجرای قانون اهم

اگر در تعارض بین دو حکم قانونی، اجرای یکی نسبت به دیگری اهمیت بیشتری داشته باشد، رعایت حکم مهم‌تر مجاز و نقض حکم دیگر فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود.

۳-امر آمر قانونی

طبق بند پ ماده ۱۵۸ ق.م.ا و ماده ۴۷۳:

*اگر مأمور، به دستور قانونی مقام صالح و بدون تخلف از حدود آن دستور عمل کند، مجازات نمی‌شود.

*در صورت اشتباه قابل‌قبول در قانونی بودن دستور، مجازات منتفی ولی دیه بر عهده مأمور خواهد بود.

در صورتی که آمر دستور غیرقانونی صادر کند و مأمور آن را اجرا نماید به استناد قسمت اول ماده ۱۵۹ ق.م.ا و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

شرایط مشروعیت عمل مأمور

۱. آمر باید صلاحیت قانونی برای صدور دستور داشته باشد.

۲. مأمور موظف به اجرای آن دستور باشد.

۳. دستور، قانونی بوده و به طور قانونی اجرا شود.

مثال: سربازی در زندان تصور می کند که دستور رئیس زندان مبنی بر شلاق زدن زندانی بر اساس حکم قطعی اجرای احکام می باشد، چنانچه با اجرای دستور خلاف واقع رئیس خسارت و صدماتی به زندانی وارد شود اگر اشتباه قابل قبول باشد سرباز مجازات نمی شود اما پرداخت دیه و ضمان بر عهده شخص او می باشد.

۴- تنبیه و تأدیب صغار و مجانین

رفتارهایی نظیر تنبیه توسط والدین، اولیای قانونی و سرپرستان، در صورتی که به قصد تأدیب و در حدود شرعی و متعارف باشد، مجازات پذیر نیست.

-افراد مجاز به تنبیه:

*والدین

*اولیای قانونی

*سرپرستان قانونی

-افراد قابل تنبیه:

*صغار

*مجانین

۵- رضایت بزه دیده در موارد خاص

اصل بر این است که رضایت بزه دیده باعث اباحه جرم نمی شود، اما در موارد زیر تأثیر دارد:

الف) عملیات پزشکی مشروع با رعایت موازین فنی و اخذ رضایت (بند ج ماده ۱۵۸)

ب) عملیات ورزشی در چارچوب قوانین و مقررات آن رشته

☑ نکات تکمیلی:

الف) در جرائمی که عدم رضایت بزه دیده از ارکان جرم محسوب می شود (مانند سرقت)، اگر رضایت قبلی یا ضمنی مالک وجود داشته باشد، عنصر قانونی جرم محقق نمی شود؛ بنابراین، با حذف عنصر «عدم رضایت» عنوان مجرمانه نیز منتفی خواهد بود.

مثال: اگر فردی به دیگری اجازه دهد مال او را بردارد، این رفتار عنوان سرقت نخواهد داشت.

ب) در موارد ضروری که تحصیل براءت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض طبق مقررات، اقدام به معالجه کرده باشد کسی ضامن تلف یا صدمه وارد شده نمی باشد. (۴۹۷ ق.م.)

ج) در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نمی باشد. (بند جم ۱۵۸ ق.م.ا)

د) ولی مریض عبارت است از؛ ولی خاص (پدر و جد پدری) - ولی عام (رهبری).

ه) اخذ براءت از مریض که نابالغ یا مجنون باشد معتبر نیست و از ولی مریض باید تحصیل شود.

ک) در معالجاتی که پرستار یا افراد مشابه به دستور پزشک انجام می دهند، در صورت عدم آگاهی آن ها از اشتباه بودن دستور، پزشک ضامن است؛ اما اگر این افراد با علم به اشتباه بودن دستور، اقدام به درمان کنند و موجب صدمه یا تلف شوند، مسئولیت بر عهده خود آن ها خواهد بود.

نتیجه گیری:

اصل بر این است هرگاه پزشکی معالجه ای انجام می دهد چنانچه موجب صدمه یا تلف گردد ضامن دیه می باشد مگر ثابت کند که اقدامات

او مطابق مقررات و نظامات فنی بوده است و عدم قصور در علم و عمل را خود را اثبات نماید و در صورتیکه که از بیمار اخذ براءت کرده باشد

ضامن خسارت نیست مگر بیمار یا اولیاء دم او تقصیر پزشک را ثابت نمایند.

و) در مورد حوادث ورزشی در صورتی عدم مجازات را در پی دارد که؛

-حرفه‌ای و قانونمند باشد.

-مغایرتی با موازین شرعی نداشته باشد.

-مقررات حرفه‌ای آن ورزش نقض نشده باشد.

-حادثه ضمن عملیات ورزشی نه خارج از آن رخ دهد.

-این قاعده فقط مشمول ورزشکاران در حال مداخله در عملیات ورزشی می‌باشد نه سایرین.

پ) اگر به علت عدم رعایت مقررات توسط مسئولان در حین اجرای ورزش صدمه‌ای وارد شود مسئولیتی بر ورزشکار نیست.

۶-دفاع مشروع

مطابق ماده ۱۵۶ ق.م.ا، در شرایط معین دفاع از خود یا دیگری در برابر خطر فعلی یا قریب‌الوقوع، حتی اگر منجر به رفتاری مجرمانه شود، قابل مجازات نیست.

✍ شرایط دفاع مشروع:

-وجود خطر یا تجاوز فعلی یا قریب‌الوقوع

- ضرورت رفتار برای دفع تجاوز

-دفاع مبتنی بر قرائن عقلایی

- عدم امکان توسل فوری به نیروهای دولتی

سایر نکات:

*دفاع از نزدیکان و افراد ناتوان جایز است. (عرفاً بتوان از نزدیکان دفاع کننده دانست)

*اثبات عدم شرایط دفاع بر عهده **مهاجم** است.

*دیه نیز در دفاع مشروع ساقط است (جز در مورد دیوانه - از بیت‌المال پرداخت می‌شود).

*تجاوز از مراتب دفاع موجب دیه و تعزیر است.

*نداشتن مسئولیت مدنی منوط به رعایت شرایط تناسب است.

*دفاع مشروع یک حق است نه یک تکلیف.

* هرگاه شخصی به قصد احسان رفتاری را به جهت حفظ مال، جان و ... نسبت به

دیگری انجام دهد و موجب خسارت و صدمه شود در صورت رعایت مقررات ضامن نیست.

نکته: در مواردی که در دفاع مشروع به شخص ثالثی صدمه‌ای وارد شود، دیه یا خسارت وارده بر عهده مهاجم است، اما در صورتی که مدافع آن را پرداخت نماید،

حق رجوع به مهاجم را خواهد داشت.

همچنین در مواردی که به خود مدافع خسارتی وارد شود، دفاع کننده می‌تواند خسارت وارده را از مهاجم مطالبه کند.

← دفاع در برابر مأموران دولتی:

طبق ماده ۱۵۷ ق.م.ا اگر مأمور در حدود وظیفه عمل کند، دفاع جایز نیست. اما اگر از حدود وظیفه خارج شود و خطر متوجه نفس یا مال باشد، دفاع جایز است.

۷-ضرورت (اضطرار)

طبق ماده ۱۵۲ ق.م.ا، هرگاه برای دفع خطر فعلی یا قریب‌الوقوعی چون آتش‌سوزی، زلزله و...، شخصی مرتکب جرم شود، مجازات نخواهد شد؛ مشروط بر:

*ایجاد نکردن عمدی خطر

*تناسب بین رفتار ارتكابی و دفع خطر

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

* مغایر نبودن رفتار با وظیفه قانونی
کسانی که قانوناً موظف به مقابله با خطر هستند، نمی‌توانند به استناد اضطرار از انجام وظیفه شانه خالی کنند.

★ تفاوت‌های دفاع مشروع و اضطرار

الف- شباهت اصلی:

در هر دو نهاد، فرد برای دفع یک خطر فعلی یا قریب‌الوقوع دست به ارتکاب عملی می‌زند که در شرایط عادی جرم محسوب می‌شود.

ب- تفاوت‌ها:

۱- نقش فرد در ایجاد خطر:

- در دفاع مشروع، مهاجم خود منشأ ایجاد خطر است.

- در اضطرار، شخص مرتکب نقشی در ایجاد خطر ندارد و خطر ناشی از عوامل طبیعی یا خارج از کنترل اوست (مثل سیل، آتش‌سوزی، بیماری و...).

۲- وضع دیه و ضمان مالی:

- در اضطرار، دیه و ضمان مالی به قوت خود باقی است.

- در دفاع مشروع، به دلیل اینکه مهاجم منشأ خطر بوده، دیه و ضمان مالی منتفی است.

۳- موضوع دفاع یا اضطرار:

- در اضطرار، موضوع حفظ نفس یا مال خود یا دیگری است.

- در دفاع مشروع، موضوع دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری است.

۴- شرایط دفاع از دیگری:

- در اضطرار، برای حفظ جان یا مال دیگری شرط خاصی لازم نیست.

- در دفاع مشروع، دفاع از دیگری منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

فرد مورد دفاع از نزدیکان مدافع باشد،

مدافع مسئولیت قانونی دفاع از او را داشته باشد،

فرد مورد تجاوز ناتوان از دفاع باشد،

از مدافع تقاضای کمک کند،

یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

۵- امکان ارتکاب قتل عمدی:

- در اضطرار، ارتکاب قتل عمدی مجاز نیست.

- در دفاع مشروع، در صورت احراز شرایط قانونی، ارتکاب قتل حتی به‌صورت عمدی نیز ممکن است قابل توجیه باشد.

۶- تناسب در اقدام:

- در اضطرار، تناسب بین رفتار ارتكابی و خطر شرط صریح قانون است (ماده ۱۵۲).

- در دفاع مشروع، هرچند مستقیماً به‌واژه تناسب اشاره نشده، اما از عبارت «رعایت مراحل دفاع» این شرط مستفاد می‌شود؛ از حیث ماهیت، تفاوتی وجود ندارد.

○ عوامل رافع مسئولیت کیفری

عواملی هستند که باوجود تحقق رفتار مجرمانه، موجب سلب مسئولیت کیفری از مرتکب می‌شوند. در این موارد:

- رفتار همچنان جرم است، اما مرتکب قابل تعقیب کیفری نیست.

- گرچه مسئولیت کیفری ساقط می‌شود، اما مسئولیت مدنی ممکن است باقی بماند.

- در هر مرحله (دادسرا یا دادگاه)، قرار موقوفی تعقیب یا رسیدگی صادر می‌شود.

- این عوامل شخصی هستند؛ یعنی تنها شامل مرتکب می‌شوند و سایر شرکاء یا معاونین جرم از آن بهره‌مند نخواهند شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

انواع عوامل رافع مسئولیت کیفری

۱-عوامل تام (کامل): در این موارد، به طور کامل مسئولیت کیفری منتفی می شود.

صغر سن (کودکی)

جنون

اکراه

۲-عوامل نسبی: در این موارد، مسئولیت کیفری ممکن است بسته به شرایط، به طور نسبی منتفی یا تخفیف یابد.

اشتباه (موضوعی یا حکمی)

خواب و بیهوشی

مستی (غیرارادی یا همراه با فقدان اراده)

❖ مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

بر اساس قانون مجازات اسلامی، اطفال و نوجوانان نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند. درواقع، صغر یا عدم بلوغ از جمله عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می شود، هرچند مانع از مسئولیت مدنی نیست.

○ تعریف سن بلوغ از منظر قانون:

پسر بالغ: ۱۵ سال تمام قمری

دختر بالغ: ۹ سال تمام قمری

افراد پایین تر از این سنین، نابالغ محسوب می شوند و مسئولیت کیفری ندارند.

عنوان	بازه سنی دختران	بازه سنی پسران
صغیر غیرممیز	زیر ۷ سال شمسی	زیر ۷ سال شمسی
صغیر غیرممیز	۷ تا ۹ سال شمسی	۷ تا ۱۵ سال شمسی
نوجوان	۹ تا ۱۸ سال (قمری/شمسی ترکیبی)	۱۵ تا ۱۸ سال قمری

🚫 ارتکاب جرائم تعزیری توسط اطفال و نوجوانان

مطابق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، برخورد با اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند، بر اساس سن مرتکب و درجه تعزیر تعیین می شود:

۱-افراد زیر ۹ سال تمام شمسی:

در صورت ارتکاب هر درجه از تعزیر، فاقد مسئولیت کیفری هستند. قانون گذار هیچ اقدام تأمینی یا تربیتی الزام آوری برای این گروه سنی پیش بینی نکرده است.

۲-افراد ۹ تا ۱۲ سال تمام شمسی:

در صورت ارتکاب هر درجه از تعزیر، مشمول بندهای الف تا پ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی خواهند بود. این اقدامات شامل مواردی مانند اخطار، نگهداری در منزل، و اقدامات تربیتی در حضور والدین است.

۳-افراد ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی:

در صورتی که مرتکب جرائم با تعزیر درجه ۶ تا ۸ شده باشند، بندهای الف تا ت ماده ۸۸ درباره آن ها اجرا می شود.

اما اگر مرتکب جرمی با تعزیر درجه ۱ تا ۵ شوند، فقط بند ث ماده ۸۸ (مانند نگهداری در کانون اصلاح و تربیت) اعمال می شود.

۴- افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تمام قمری:

بر اساس ماده ۸۹، نوع اقدام قانونی بسته به درجه تعزیر متفاوت است:

تعزیر درجه ۱ تا ۳: بند الف ماده ۸۹

تعزیر درجه ۴: بند ب ماده ۸۹

تعزیر درجه ۵: بند پ ماده ۸۹

تعزیر درجه ۶: بندت ماده ۸۹

تعزیر درجه ۷ و ۸: بند ث ماده ۸۹

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره - هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱ - معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲ - فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳ - اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴ - جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵ - جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

ب - تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۷۳) قانون مدنی تبصره - تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ - نصیحت به‌وسیله قاضی دادگاه

ت - اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱ - تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲ - هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳ - در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی: درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.

پ (اصلاحی ۳۰/۰۳/۱۴۰۳) - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

ت (اصلاحی ۳۰/۰۳/۱۴۰۳) - پرداخت جزای نقدی از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.

ث (اصلاحی ۳۰/۰۳/۱۴۰۳) - پرداخت جزای نقدی از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱ - ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲ - دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

➤ ارتکاب جرائم مستوجب حدود و قصاص توسط اطفال و نوجوانان

بر اساس قانون مجازات اسلامی، نابالغین در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص، قابل مجازات کیفری نیستند. درواقع، بلوغ شرط مسئولیت کیفری برای این دسته از جرائم است.

به موجب این قاعده:

دختران زیر ۹ سال تمام قمری و

پسران زیر ۱۵ سال تمام قمری

در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا جنایت عمدی مستوجب قصاص، به هیچ مجازاتی محکوم نمی‌شوند، اما بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، می‌توان نسبت به آن‌ها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال کرد.

○ اقدامات قانونی بسته به سن و جنس:

۱- صغیر زیر ۱۲ سال قمری:

دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۲ سال، مشمول یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند که در بندهای الف تا پ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است.

۲- پسر ۱۲ تا ۱۵ سال قمری:

در صورت ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص، یکی از اقدامات مندرج در بندهای ت یا ث ماده ۸۸ نسبت به او اعمال می‌شود.

۳- بالغین زیر ۱۸ سال (پسران ۱۵ تا ۱۸ سال / دختران ۹ تا ۱۸ سال):

در خصوص این افراد، در صورت ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص، اصل بر اعمال همان مجازات‌های مقرر برای بزرگسالان است. باین‌حال، چنانچه شرایط مندرج در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی فراهم باشد (نظیر عدم درک ماهیت جرم یا عدم رشد)، ممکن است از اعمال مجازات بزرگسالان معاف شده و اقدامات دیگری نسبت به آن‌ها اجرا شود.

○ مسئولیت مالی و پرداخت دیه

جنایت ارتكابی توسط صغیر، اصولاً خطای محض محسوب می‌شود و قصاص یا تعزیر ندارد. در این صورت، عاقله ضامن پرداخت دیه خواهد بود، مگر در جنایات خفیف‌تر از «موضحه» (یعنی دیه کمتر از ۵ درصد)، که در آن صورت، خود صغیر ضامن پرداخت دیه است.

افراد بالغ زیر ۱۸ سال (پسران ۱۵ تا ۱۸ سال و دختران ۹ تا ۱۸ سال)، در صورت ارتکاب جنایت، شخصاً ضامن پرداخت دیه هستند و رفتار آن‌ها می‌تواند حسب مورد، عمدی، شبه عمد یا خطای محض محسوب شود.

○ مقررات خاص در باب زنا توسط نابالغ

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی:

«هرگاه طرفین یا یکی از آن‌ها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی: فرصتی دوباره برای اصلاح رفتار طفل و نوجوان

دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کند و:

مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد، یا

نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید.

✓ شرط این تجدیدنظر:

طفل یا نوجوان باید حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد.

✓ نکات مهم:

- رأی دادگاه در این مورد قطعی است.

- این ماده مانع استفاده از آزادی مشروط یا سایر تخفیفات قانونی نیست؛ یعنی در صورت تحقق شرایط، طفل یا نوجوان می‌تواند از این امتیازات قانونی نیز برخوردار شود.

- رأی دادگاه در رابطه با نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، مشمول قاعده فراغ دادرس نیست؛ به این معنا که دادگاه می‌تواند در همین خصوص یک‌بار رأی خود را تغییر دهد.

این حکم صرفاً ناظر بر نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است و در سایر مجازات‌ها، اصولاً امکان تغییر مجازات وجود ندارد.

- {حکم مقرر در ماده فوق، استثنائی است بر حکم مقرر در ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی؛ چراکه مطابق این ماده، در مورد مجازات‌های نوجوانان صرفاً امکان تقلیل مجازات وجود دارد و تبدیل آن ممکن نیست، درحالی‌که در ماده فوق، امکان تبدیل مجازات به تسلیم به ولی یا سرپرست قانونی وجود دارد.}

- ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی: دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

- **ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی:** دادگاه می‌تواند در مورد **تمام جرائم تعزیری** {حتی در جرائم ماده ۴۷ ق.م.ا} ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی: محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است. (اشخاص زیر ۱۸ سال)

- اطفال مشمول مقررات تکرار جرم نخواهند بود اما مقررات مربوط به **تعدد جرم** درباره آن‌ها اعمال می‌شود.

- تبصره (الحاقی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) ماده ۱۰۴ ق.م.ا- حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل‌گذشت به نصف تقلیل می‌یابد اگر جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان دارای بزه دیده باشد مجازات قانونی حبسشان به شرح تبصره می‌باشد و با تغییر درجه جرم اقدامات تأمینی و تربیتی مواد ۸۸ یا ۸۹ قانون مجازات اسلامی برایشان اعمال خواهد شد.

- کلیه جرائم تعزیری ارتكاب یافته درجه ۵ تا ۸ در صورتی‌که دارای بزه دیده باشد در هر حال یک **جرم قابل‌گذشت** محسوب می‌شود.

- اصل بر صغر سن است.

- **ملاک سن زمان ارتكاب جرم است** نه سن در زمان رسیدگی یا دستگیری.

- اقدامات تأمینی علیه اطفال و نوجوانان قطعی نیست و تغییرپذیر است مانند تبصره ۳ ماده ۸۸: در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، **هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.**

- رسیدگی دادگاه در مورد جرائم اطفال و نوجوانان اصولاً غیرعلنی است مگر با موافقت دادگاه.

➤ جنون و آثار آن در مسئولیت کیفری

در حقوق کیفری، جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود. در صورتی‌که شخص در هنگام ارتكاب جرم دچار اختلالات روانی باشد به نحوی‌که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

○ انواع جنون:

الف-جنون دائمی:

اختلال روانی مستمر که در تمام اوقات وجود دارد.

ب-جنون ادواری:

حالتی که فرد در برخی زمان‌ها (از جمله هنگام ارتکاب جرم) دچار جنون است. در صورتی که جنون در لحظه ارتکاب جرم محرز باشد، مسئولیت کیفری رفع می‌شود.

-نکات مهم:

چنانچه ثابت شود مرتکب هنگام وقوع جرم مجنون بوده است، عمل او از نوع خطای محض محسوب می‌شود و دیه بر عهده عاقله خواهد بود.

در این حالت، بهبود پس از ارتکاب جرم یا حتی اقرار مرتکب تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد.

-مجنون فاقد مسئولیت کیفری است، اما از نظر مدنی ممکن است ضامن خسارات ناشی از فعل خود باشد.

-در صورت تردید در مجنون بودن یا نبودن، اصل بر استصحاب حالت سابق است؛ یعنی اگر سابقه سلامت روان داشته، فرض بر تداوم آن است.

-در جنایات کمتر از موضعه (با دیه کمتر از ۵٪ دیه کامل)، خود مجنون مسئول پرداخت دیه خواهد بود، نه عاقله.

ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی: اقدامات تأمینی در صورت جنون:

هرگاه مرتکب جرم در زمان ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم دچار جنون شود، در صورتی که جنون و حالت خطرناک وی با نظر متخصص محرز شود و آزادی او محل نظم یا امنیت عمومی باشد:

با دستور دادستان، تا رفع حالت خطرناک در محل مناسبی نگهداری می‌شود.

شخص نگهداری‌شده یا خویشاوندان او می‌توانند به این دستور اعتراض کنند.

در این صورت، دادگاه با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری به موضوع رسیدگی می‌کند و درباره ادامه یا خاتمه اقدام تأمینی رأی قطعی صادر می‌کند.

با مشاهده علائم بهبود، حق اعتراض به ادامه نگهداری وجود دارد.

← درمان قطعی:

در صورتی که بنا به نظر متخصص، شخص درمان شده باشد، با پیشنهاد مدیر محل نگهداری، دادستان می‌تواند دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

تبصره ۱: اگر مرتکب یکی از جرائم موجب حد، پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود، حد ساقط نمی‌شود.

اما اگر جنون پیش از صدور حکم قطعی عارض شود و جرم دارای جنبه حق‌اللهی باشد، تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد.

در جرائم با جنبه حق‌الناسی (مانند قصاص، دیه و ضرر و زیان)، جنون مانع رسیدگی

نیست.

تبصره ۲: قوه قضائیه مکلف است در هر حوزه قضائی، مراکز ویژه‌ای برای اجرای اقدامات تأمینی موضوع این ماده ایجاد کند.

تا زمان راه‌اندازی این مراکز، بخشی از مراکز روان‌درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود، برای این منظور اختصاص می‌یابد.

🔸 در تمامی جرائم عمدی اعم از حق‌اللهی یا حق‌الناسی، اصل بر این است که در صورت بروز جنون، رسیدگی کیفری تا زمان افاقه متهم متوقف می‌شود. باین حال، تفاوت مهمی میان این دودسته وجود دارد:

الف-در جرائم دارای جنبه حق‌الناسی (مانند قصاص، دیه یا ضرر و زیان ناشی از جرم):

رسیدگی اصولاً تا زمان افاقه متهم متوقف می‌شود،

مگر آنکه شرایط اثبات جرم به‌گونه‌ای باشد که حتی پس از افاقه نیز، متهم توان دفاع از خود را نداشته باشد.

در چنین مواردی، دادگاه می‌تواند برای متهم وکیل تعیین کند و روند رسیدگی را ادامه دهد.

ب- در جرائم دارای جنبه حق الهی (مانند حدود):

رسیدگی به طور مطلق تا زمان افافه متوقف می شود،

حتی اگر متهم در زمان افافه نیز قادر به دفاع از خود نباشد، باز هم امکان ادامه رسیدگی وجود ندارد.

➤ **اکراه-اجبار (ماده ۱۵۱-مواد ۳۷۵ تا ۳۸۰)**

در حقوق کیفری، اکراه و اجبار از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می شوند، به شرط آنکه شرایط قانونی آن ها محقق باشد. هر چند شباهت هایی میان این دو نهاد وجود دارد، اما از نظر حقوقی دارای تفاوت های مهمی هستند.

اکراه:

از نظر کیفری عبارت است از اعمال فشار معنوی غیرقابل تحمل و نامشروع بر شخصی به منظور وادار کردن او به انجام یا ترک فعلی که از نظر قانون مجازات، جرم تلقی می شود.

○ **شرایط تحقق اکراه:**

- تهدید باید از سوی اکراه کننده صورت گیرد.

- تهدید باید نسبت به نفس (جان)، عرض (آبرو) یا مال مهم باشد.

- تهدید باید جدی و غیرقابل تحمل باشد.

- شخص اکراه شده باید فاقد رضایت و طیب نفس در ارتکاب عمل باشد.

در اکراه، هر چند قصد و اراده فاعل موجود است، اما رضایت (طیب نفس) وجود ندارد؛ یعنی شخص از روی اضطراب و ترس از خطر، دست به ارتکاب جرم می زند.

اجبار:

اجبار زمانی است که اختیار فرد به گونه ای سلب شود که او تحت قوه قاهره یا فشار خارجی قرار گیرد و هیچ نقشی در تصمیم گیری نداشته باشد. در این حالت، رفتار انجام شده اگرچه به او منتسب است، اما از قصد و اراده او نشأت نگرفته است.

○ **ویژگی های اجبار:**

- شخص مجبور، فاقد قصد و رضایت در ارتکاب عمل است.

- عمل ارتكابی، هر چند از نظر ظاهری به فرد منتسب است، اما نمی توان او را مسئول شناخت.

- اجبار می تواند ناشی از عوامل طبیعی (مانند سیل، زلزله) یا عوامل انسانی قاهر باشد.

در اجبار، برخلاف اکراه، نه قصد وجود دارد و نه رضایت؛ بنابراین، مسئولیت کیفری به طور کامل از شخص زائل می شود.

مثال: ماده ۵۰۲ ق.م.ا «هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.»

نتیجه گیری: اجبار موجب نفی قصد، رضا و منتهی به منتفی شدن اختیار می شود در نهایت عدم مسئولیت کیفری را در بر خواهد داشت. اما در اکراه فرد مرتکب رفتاری می شود که تصمیم به انجام آن را گرفته است اما رضایت به انجام آن را ندارد.

ماده ۱۵۱ ق.م.ا «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد.

در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود.

در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می شود.»

اجبار به دودسته؛

الف) مادی: بیرونی: در تمام جرائم پذیرفته می شود (مانند علل قهری).

ب) درونی: اصولاً پذیرفته است (مانند خواب و بیهوشی).

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

(ب) معنوی ← بیرونی: اصولاً پذیرفته می‌شود (مثل تهدید).
درونی: رافع مسئولیت کیفری نمی‌باشد مگر در حد جنون (انتقام).

- تهدید اگر اراده را زائل کند اکراه محسوب می‌شود.
- در اجبارهای روانی فرد تحت تأثیر فشار روانی تصمیم مجرمانه خود را می‌گیرد.
- در تعزیرات مُکره مسئولیت کیفری ندارد و مُکره به مجازات مباشر محکوم می‌شود.
- در حدود مُکره مسئولیت کیفری ندارد و مُکره تابع قواعد خاص می‌باشد (م ۱۵۱ ق.م.ا).
- در جنایت بر عضو اکراه پذیرفته است و مُکره مسئولیت کیفری ندارد و مُکره قصاص عضو خواهد شد.
- در جنایت بر نفس اکراه پذیرفته نیست.

اگر مُکره عاقل و بالغ باشد

- ← مُکره: قصاص نفس می‌شود.
- ← مُکره: به مجازات حبس ابد محکوم می‌شود.

اگر مُکره صغیر غیر ممیز و مجنون باشد

- ← مُکره: مسئولیت کیفری ندارد.
- ← مُکره: به مجازات قصاص نفس محکوم می‌شود.

اگر مُکره صغیر ممیز باشد

- ← مُکره: عاقله مسئول پرداخت دیه می‌باشد.
- ← مُکره: به مجازات حبس ابد محکوم می‌شود.

نکته: اصل بر عدم اکراه است و اکراه در دادگاه باید ثابت شود در غیر این صورت با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص خواهد شد (ماده ۳۷۸ ق.م.ا).

- مجازات حبس ابد برای اکراه کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است.

اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.

- هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می‌شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

- اگر شخصی برای رهایی از اکراه با رعایت مقررات و شرایط مربوطه در دفاع مشروع مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد نماید تعزیر، دیه، قصاص ندارد.

➤ خواب و بیهوشی (ماده ۱۵۳ و بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا)

- هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آن‌ها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند.

- جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آن‌ها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. (اصولاً خطای محض است و تعزیر ندارد و علی‌الاصول عاقله ضامن دیه است).

در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب بداند و آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری:

- ارتکاب جرائمی (غیر از جنایت) در حالت خواب یا بیهوشی، موجب عدم مسئولیت کیفری است.

-اگر شخص با علم به اینکه ممکن است در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جنایت شود، عمداً خود را به خواب یا بیهوشی بسپارد، در این صورت؛ به مجازات جرم ارتكابی محكوم خواهد شد.

➤ اشتباه (جهل حکمی)

جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

-مدعی جهل باید ادعای جهل خود را ثابت نماید.

-جهل به نوع یا میزان مجازات، مانع از مجازات نیست.

-اشتباه از نوع جهل موضوعی در جرائم غیر عمدی غیر مؤثر است اما در جرائم عمدی دارای اثر می باشد و می تواند عنصر معنوی جرم را از بین ببرد و در نتیجه جرمی به وقوع نخواهد پیوست مانند اینکه؛ دیگری مال غیر را به تصور اینکه مال خود است بردارد (علم سارق به متعلق الغیر بودن مال از اجزای تشکیل دهنده جرم سرقت می باشد).

اگر این جهل خود را اثبات نماید اساساً جرم سرقتی رخ نداده و محكوم به آن نخواهد شد.

نتیجه گیری: جهل به موضوع می تواند حتی در شرایطی مانع تحقق جرم گردد اما جهل به حکم مانع از مسئولیت کیفری می شود.

➤ مسلوب الارادگی (مستی، مواد مخدر و...) (ماده ۲۶۴ تا ۲۶۶-۱۵۴-۳۰۷ ق.م.ا).

مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری **مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن ها، مانع مجازات نیست** مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات **هر دو جرم محكوم می شود.** (مجازات جرم ارتكابی + مجازات مصرف مسکر)

-اگر خود را برای جرمی مست کند و مسلوب الاراده شود و سپس جرم دیگری را مرتکب شود فقط به مجازات مصرف مسکر محكوم خواهد شد.

-مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

تبصره- خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.

-حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است.

-غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محكوم به حد می شود.

تبصره- اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محكوم می گردد.

-مستی در جنایت: ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان گردان و مانند آن ها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محكوم می شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می شود، جنایت، عمدی محسوب می گردد.

❖ مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی

مفهوم حقوقی مجازات؛ "تحمیل واکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار" (گلدوزیان؛ ۱۳۸۴؛ ۲۹۱)

(رنج و تعب از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و درواقع رنج و تعب است که ویژگی حقیقی مجازات می باشد).

مجازات یا کیفر، مهم ترین ضمانت اجرایی در حقوق کیفری برای جلوگیری از ارتکاب جرم و پاسخ جامعه به پدیده مجرمانه است.

اقدامات تأمینی و تربیتی: تدابیری غیرمجازات‌ای اما الزام آور برای اصلاح بزهکار.

بر پایه ی "حالت خطرناک" فرد مجرم تنظیم می شود.

-هدف: اصلاح فرد، بازگرداندن او به اجتماع و پیشگیری از تکرار جرم.

○ اصول حاکم بر مجازات؛

-مجازات باید قانونی باشد یعنی مجازاتی که قانون برای آن جرم تعیین کرده است. (اصل قانونی بودن)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- مجازات باید شخصی باشد، به این معنا که فقط کسی که جرم را انجام داده باید مجازات شود. (اصل شخصی بودن) مستند به ماده ۱۴۱ ق.م.ا
- مجازات باید فردی باشد یعنی به تناسب خصوصیات مجرم و در چارچوب قانون تعیین شود؛ مثلاً اگر مجازات قانونی یک جرم یک تا سه سال است، قاضی می‌تواند با توجه به شرایط اجتماعی و روانی مجرم، او را به حداقل مجازات محکوم کند. (اصل فردی سازی) مستند به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی.

- مجازات باید برای افرادی که جرم مشابهی را در موقعیت مشابه انجام داده‌اند، یکسان باشد. (اصل عدم تبعیض)
- مردم و به خصوص مجرمان باور قطعی داشته باشند که هر کس مرتکب جرمی شود بدون تردید و به صورت حتمی طی حکمی قطعی غیرقابل نقض، به مجازات خواهد رسید. (اصل حتمیت و قطعیت مجازات)
- کرامت ذاتی انسان اراده دولت و حکومت را در فرآیند جرم انگاری، دادرسی کیفری، تعیین و اعمال مجازات و پایبند به ضابطه انسانی و رعایت کرامت ذاتی انسان می‌کند.

- ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.»

- ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»

- ماده ۴۸۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به **قصاص یا دیه محکوم می‌شود**. در غیر این صورت در مورد قصاص و حد، ضمان منتفی است و در تعزیرات، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.»

تبصره- چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم‌علیه باشد ضمان منتفی است.

- ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی‌کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.»

• انواع مجازات در حقوق کیفری ایران:

الف) مجازات‌های بدنی

مجازات‌هایی است که آسیب جسمی یا فیزیکی مستقیم به محکوم‌علیه وارد می‌کند.

۱- مجازات‌های سالب حیات:

- اعدام

- رجم (سنگسار)

- صلب (به صلیب کشیدن)

- قصاص نفس (در برابر قتل عمد)

۲- مجازات بر عضو:

- حد قطع عضو (مثلاً برای سرقت حدی)

- قصاص عضو (در برابر جنایت عمدی علیه اعضای بدن)

۳- شلاق:

- شلاق حدی (مانند زنا، قذف، شرب خمر)

- شلاق تعزیری (بر اساس تشخیص قاضی در جرائم تعزیری)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب) مجازات‌های سالب آزادی

هدف این مجازات‌ها محروم کردن فرد از آزادی تن در مدتی مشخص است؛ با رویکرد اصلاح، کنترل و پیشگیری.

۱- اقامت اجباری یا منع از اقامت در محل خاص. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی

۲- تبعید (نفی بلد). مواد ۲۲۹، ۲۴۳، ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی

۳- حبس تعزیری (شامل ۸ درجه). ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی

ج) مجازات‌های مالی

این نوع مجازات‌ها با هدف تأثیر بر دارایی و منافع مالی فرد مجرم اعمال می‌شوند.

۱- مصادره اموال

- مجازات اصلی درجه ۱. تبصره ۵ ماده ۱۹ ق.م.ا

- ضبط اموال ناشی از جرم. در صورت اثبات ارتباط مستقیم با جرم

- دیه، مال معینی که در شرع برای جنایات بدنی تعیین شده است

- جزای نقدی (تعزیر مالی). طبق ماده ۱۹، شامل ۸ درجه است.

• تقسیم‌بندی مجازات‌ها

۱- مجازات‌های اصلی (مواد ۱۴ تا ۲۱ قانون مجازات اسلامی)

در خصوص مجازات‌های اصلی، ابتدا باید به اصل سی‌وششم قانون اساسی اشاره کرد که مقرر می‌دارد:

اجرای مجازات تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون ممکن است.

قانون‌گذار برای هر جرم، با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، کیفر مشخصی تعیین کرده است.

○ ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی:

مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف) حد:

مجازات‌هایی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.

ب) قصاص:

مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

پ) دیه:

اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر

نفس، اعضاء و منافع، یا جنایت عمدی در مواردی که قصاص ندارد، به موجب قانون

مقرر می‌شود.

دیه، حکماً مجازات و ماهیتاً دین و مسئولیت مدنی است و دارای آثار و ضمان مالی می‌باشد.

ت) تعزیر:

مجازات‌هایی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و

اعمال می‌گردد.

نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر، به موجب قانون تعیین می‌شود.

• حدود:

حدود شرعی با اختیار دادگاه قابل تغییر، تقلیل، تبدیل، سقوط نیستند.

این مجازات‌ها فقط از طریق توبه و عفو قابل سقوط، تبدیل یا تقلیل هستند.

در این موارد مجازات اعدام می‌باشد؛

-زنا با محارم نسبی؛ منظور از محارم نسبی، خاله، دایی، پدر، مادر، خواهر و برادر و ... است که هم مرد و هم زن مجازاتشان اعدام است.

-زنا با همسر پدر: که در اینجا مجازات مرد اعدام است.

-زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان: که مجازات مرد اعدام است.

-زنای به عنف و اکراه: که همان تجاوز جنسی به‌زور و اجبار است موجب اعدام مرد می‌شود.

-لواط: لواط رابطه جنسی مرد با مرد دیگر است.

مردی که فاعل است؛ مجازاتش در صورت اجبار و اکراه اعدام است و مفعول در هر صورت مجازاتش اعدام است.

-تفخیز: قرار دادن آلت تناسلی مرد بین ران یا نشیمنگاه مرد دیگر می‌باشد. در تفخیز اگر فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد؛ در این صورت مجازات فاعل اعدام است.

-سَبِّ النَّبِيِّ: هر کس پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم و یا هریک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا نسبت زنا و لواط دهد ساب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.

-سرقت حدی: مجازات سرقت حدی در مرتبه چهارم اعدام است.

-محاربه: محاربه یعنی کشیدن سلاح به‌قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها، به‌نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. یکی از مجازات‌های محاربه اعدام است. البته مجازات‌های دیگری هم دارد که بنا به تشخیص قاضی یکی از مجازات‌های اعدام، تبعید، قطع عضو یا صلب در نظر گرفته می‌شود.

-افساد فی‌الارض: هر کس که به‌طور گسترده مرتکب جنایاتی مانند اخلال در سیستم اقتصادی کشور، تخریب و آتش کشیدن، برپایی مراکز فساد و فحشا و ... شود مجازات آن اعدام است. جرم افساد فی‌الارض بسیاری از جرائم را در می‌گیرد. زمانی که جرمی به‌صورت شدید و گسترده انجام شود اصولاً افساد فی‌الارض است.

-بغی: گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کنند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌شوند.

۲- جرائمی که مجازات آن رجم (سنگسار) است :

-اگر یک زن متأهل اقدام به رابطه‌ی جنسی با مردی کند زنای محصنه و اگر مرد متأهل باشد، زنای محصن نامیده می‌شود. و مجازات زن و مرد دارای شرایط احصان، سنگسار است.

۳- جرائمی که مجازات آن شلاق حدی است:

-در مورد زنای با محارم نسبی اگر زن زناکار بالغ باشد و مرد زناکار بالغ نباشد مجازات برای زن ۱۰۰ ضربه شلاق حدی است.

-اگر مرد متأهل قبل از رابطه جنسی با همسرش با زن دیگری نزدیکی کند، ۱۰۰ ضربه شلاق مجازات اوست.

-در جرم تفخیز که توضیح داده شد برای فاعل مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق حدی را اجرا می‌کنند.

-زنا در صورتی که توافقی باشد یعنی دختر و پسری که متأهل نیستند و با رضایت با هم نزدیکی می‌کنند؛ هم دختر و هم پسر ۱۰۰ ضربه شلاق مجازاتشان است.

-مجازات مساحقه (هم‌جنس‌گرایی زنان) ۱۰۰ ضربه شلاق است.

-مجازات قوادی (کسی که افرادی را به هم معرفی می‌کند تا با هم زنا یا لواط کنند) ۷۵ ضربه شلاق حدی است.

-مجازات قذف (کسی که به دیگران نسبت زنا یا لواط می‌دهد)، ۸۰ ضربه شلاق حدی است.

-مجازات مصرف مشروبات الکلی، ۸۰ ضربه شلاق حدی است.

۴ - جرائمی که مجازاتش قطع دست است:

در جرائم محاربه قطع عضو از دایره اختیارات قاضی پرونده می‌باشد. بدین حالت که قطع دست راست و پای چپ را برای محارب اجرا کرده و این امر از جمله اختیاراتش می‌باشد. همین‌طور در خصوص سرقت حدی که در مرحله اول ۴ انگشت دست راست سارق را قطع می‌کنند و اگر سارق مجدداً مرتکب جرم سرقت حدی شود پای چپ سارق را از پایین برآمدگی به‌نحو که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند قطع می‌کنند.

۵ - جرائمی که مجازات آن صلب است :

در اصطلاح صلب به معنی به صلیب کشیدن است و از آن دسته مجازاتی می‌باشد که در کشور ما به‌طور تقریبی یا انجام نمی‌شود یا به‌ندرت انجام می‌گیرد. اما به دلیل اینکه این مجازات در فقه کشور ما آمده است، قانون مجازات اسلامی آن را از زمره مجازات‌ها به‌حساب می‌آورد. لذا نمی‌توان به اصول فقه کشور بی‌تفاوت بود و یا از قوانین وضع شده در آن چشم‌پوشی کرد. این جرم هم برای جرم محاربه در نظر گرفته می‌شود.

۶- جرائمی که مجازات آن حد نفی بلد و تبعید است:

-تبعید در زناى مرد متأهل که قبل از دخول مرتکب زنا شود به مدت یک سال قمری.

-تبعید در قوادی (قواد مرد باشد و جرم برای بار دوم اتفاق افتاده باشد) تا یک سال.

-نفی بلد در محاربه حداقل یک سال.

۷- جرائمی که مجازات آن حد حبس ابد است:

-در سرقت حدی مرتبه سوم.

۸- جرائمی که مجازات آن حد جزای تراشیدن موی سر است:

در زناى مرد متأهلی که قبل از دخول مرتکب زنا می‌شود.

نکته ۱- در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یک‌صد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.

نکته ۲- کلیه جنایات‌هایی که عمدی هستند و مستوجب قصاص می‌باشند اگر به دلیل گذشت صاحب حق قصاص تبدیل ب مصالحه یا دیه شده‌اند و نیز جنایات که به دلیل عدم رعایت تناسب در اجرای قصاص اجرا در آن‌ها منتفی می‌باشد مستوجب دیه خواهند بود.

○ تفاوت دیه با جزای نقدی:

الف- دیه در جنایات پرداخت می‌شود دیه پرداختی به منجی علیه است (یعنی شخصی که جنایت بر او وارد شده).

جزای نقدی در بعضی از جرائم تعزیری قانون‌گذار جزای نقدی اعمال کرده و متعلق به دولت است و باید به صندوق دادگستری واریز شود.

ب- طبق اصل شخصی بودن مجازات در صورت فرار محکوم علیه وصول جزای نقدی به تعویق می‌افتد و کسی غیر از مجرم مسئول نیست.

ولی در صورت فرار جانی چنانچه وی مالی نداشته باشد دیه از بستگان او برداشت می‌شود.

ج- در جزای نقدی قاعده عدم جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود ولی در دیه می‌بایست جمع شود.

د- درخواست دیه، متوقف بر مطالبه مجنی علیه یا اولیای دم یا قائم مقام قانونی در صورت گذشت، پرداخت دیه منتفی می‌شود ولی در جزای نقدی این‌گونه نیست.

ه- هدف از اعمال جزای نقدی حفظ نظم عمومی و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت مجرم است ولی هدف اولیه از دیه ترضیه خاطر حق مجنی علیه یا اولیای دم است.

ف) دیه مشمول مرور زمان‌های کیفری قرار نمی‌گیرد اما جزای نقدی با رعایت مواد مقرر مشمول مرور زمان قرار خواهد گرفت.

م) دیه با مرگ محکوم علیه، عفو، توبه ساقط نمی‌شود اما جزای نقدی با رعایت شرایط قانونی سقوط دعوای عمومی ساقط خواهد شد.

• تعزیرات

الف) تعزیرات حکومتی:

فاقد سابقه‌ی شرعی و فقهی است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب) تعزیرات شرعی:

منصوص: میزان مجازات آن به صراحت در نصوص فقهی آمده است.

غیرمنصوص: میزان آن در شرع مشخص نشده و بسته به نظر حاکم تعیین می‌گردد.

☒ تعزیرات منصوص شرعی شامل موارد زیر نمی‌شود:

-تخفیف مجازات

-تعليق صدور حکم

-تعليق تعقيب

-تعليق اجرای مجازات

-اعطای مهلت

-معافیت قضایی

-توبه

-مرور زمان تعقيب

-مرور زمان صدور حکم

-نظارت الکترونیکی

-قاعده منع محاکمه‌ی مجدد

-عطف به ماسبق نشدن قانون

-کسر مدت بازداشت قبلی

اما: تعزیرات منصوص شرعی مشمول مرور زمان اجرای مجازات می‌باشد.

نکته (رای وحدت رویه ۷۷۰):

رابطه‌ی نامشروع کمتر از زنا، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود؛ بنابراین:

-قابل تخفیف است،

-مدت بازداشت قبلی در آن محاسبه می‌گردد،

-و قابل تعلیق نیز می‌باشد.

○ اصل فردی‌سازی مجازات در تعزیرات:

در تعیین مجازات تعزیری، رعایت اصل فردی کردن مجازات ضروری است، از جمله:

-انگیزه‌ی مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی در حین ارتکاب جرم

-شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره‌ی نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

-اقدامات مرتکب پس از ارتکاب

-سوابق، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر او

-ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی

(جزای نقدی اصلاحی ۳۰/۳/۱۴۰۳) - مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه یک

-حبس بیش از بیست و پنج سال

-جزای نقدی بیش از نه میلیارد و دویست میلیون (۹,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-مصادره کل اموال

-انحلال شخص حقوقی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

درجه دو

-حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

-جزای نقدی بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا نه میلیارد و دویست میلیون (۹,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه سه

-حبس بیش از ده تا پانزده سال

-جزای نقدی بیش از سه میلیارد و سیصد میلیون (۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه چهار

-حبس بیش از پنج تا ده سال

-جزای نقدی بیش از یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون (۱,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سه میلیارد و سیصد میلیون (۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه پنج

-حبس بیش از دو تا پنج سال

-جزای نقدی بیش از هشتصد میلیون (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون (۱,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال

-ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

-ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه شش

-حبس بیش از شش ماه تا دو سال

-جزای نقدی بیش از دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتصد میلیون (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت

-محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال

-انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها

-ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

-ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

-ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه هفت

-حبس از نود و یک روز تا شش ماه

-جزای نقدی بیش از صد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-شلاق از یازده تا سی ضربه

-محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه هشت

-حبس تا سه ماه

-جزای نقدی تا صد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

-شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به‌کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

تبصره ۶ (الحاقی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹)- تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود.

• ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان (مصوب ۱۳۹۶):

طبق این ماده، مرتکبان جرائمی که موجب محکومیت به اعدام، حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال می‌شوند، در صورت احراز شرایط خاص، در حکم مفسد فی الارض شناخته می‌شوند.

این شرایط شامل موارد زیر است:

- استفاده از سلاح گرم

- سردهستگی در باند یا شبکه مجرمانه

- پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری

- استفاده از اطفال، نوجوانان یا مجانین برای ارتکاب جرم

نکات مهم:

حبس ابد با تصویب این ماده، از نظام مجازات تعزیری حذف شده است و به‌جای آن حبس درجه یک با حداقل ۲۵ سال و یک روز تعیین شده است. این تغییر با هدف:

کاهش شدت مجازات حبس ابد

و اصلاح سیاست جنایی در حوزه مبارزه با مواد مخدر انجام شده است.

• ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹):

بر اساس این ماده، تمام حبس‌های ابد غیر حدی نیز به حبس درجه یک تبدیل شده‌اند.

○ انواع مجازات شلاق در ایران به تعداد ضربات، نحوه اجرا و دلایل اعمال متغیر است؛

شلاق تعزیری ← درجه ۸: ۱ تا ۱۰ ضربه

← درجه ۷: ۱۱ تا ۳۰ ضربه

← درجه ۶: ۳۱ تا ۷۴ ضربه

نکته: شلاق بیش از ۷۴ تا ۹۹ ضربه فقط در جرائم منافی عفت تعزیری درجه ۶ قابل اعمال است.

- مصادره اموال در مواردی رخ می‌دهد که شخص مرتکب جرم شده و در نتیجه ارتکاب جرم طبق قانون مجازات می‌شود.

از مجازات‌هایی که در قانون تعیین شده مصادره اموال است. مصادره در لغت به معنای جرمه کردن و مال کسی را با زور ضبط کردن است.

با استناد به قانون مجازات اسلامی، برای برخی جرائم، مجازات مصادره اموال و دارایی تعیین شده است.

بر طبق این قانون مجرم مکلف است که در صورت موجود بودن مال، عین آن را که از راه غیرقانونی و تخلف به دست آورده به صاحبش برگرداند.

در صورتی که آن مال موجود نباشد، موظف است مثل آن را پرداخت و در صورت عدم امکان رد مثل، معادل همان مبلغ را به صاحبش واگذار کند؛

این فرد در عین حال به جرمه محکوم می‌شود و همچنین باید خسارات وارده را به شخص متضرر بپردازد.

مجازات مصادره اموال برای اشخاص حقیقی و حقوقی قابل اعمال است.

- ۱- اگر مجازات‌های تعزیری با هیچ‌یک از درجات مطابق نباشد **درجه ۷** محسوب می‌شود.
- ۲- رأی وحدت رویه ۷۵۹، جزای نقدی نسبی را تعزیر درجه ۷ دانسته است.
{جزای نقدی نسبی یعنی؛ مجازاتی که مبلغ آن از پیش تعیین نشده و قانون‌گذار با استفاده از الفاظی نظیر معادل ارزش مال تحصیل شده، چند برابر ارزش وجوه حاصل از جرم و .. به بیان آن پرداخته است. مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس}
- ۳- اگر مجازات جرمی متعدد باشد در حبس و جزای نقدی ملاک تعیین درجه، مجازات حبس است اما؛ در حبس و شلاق یا شلاق و جزای نقدی ملاک درجه شدیدتر است.
- ۴- در مواردی که حداقل مجازات قانونی منطبق با درجه پایین‌تر و حداکثر آن، منطبق با درجه بالاتر باشد برای تعیین درجه مجازات، حداکثر ملاک خواهد بود.
- ۵- ضبط اموال ناشی از جرم، مجازات اصلی نیست و یک اقدام تأمینی و تربیتی است و مشمول درجه‌بندی تعزیرات قرار نمی‌گیرد. ضبط اموال قابل تخفیف یا لغو نیست و در هر حال اجرا می‌شود و مرجع اعتراض به آن همواره دادگاه تجدیدنظر استان است.
- ۶- انفصال موقت درجه هفت محسوب نمی‌شود و حسب مورد درجه پنج تا هفت خواهد بود.
- ۷- انتشار حکم محکومیت می‌تواند مجازات اصلی یا تکمیلی باشد.
{اصلی= جرائم موضع ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی.}
- ★ بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱۱ طرح کاهش مجازات حبس تعزیری، در جرائم قابل گذشت درجه ۴ تا ۸، حداقل و حداکثر مدت حبس این جرائم به نصف تقلیل می‌یابد. با وجود کاهش مجازات حبس، دادگاه می‌تواند مجازات تکمیلی تعیین نماید.

مجازات اشخاص حقوقی:

- الف- انحلال شخص حقوقی { تعزیر درجه ۱
- ب- مصادره کل اموال
- پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی { تعزیر درجه ۵ و ۶
- ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه
- ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال { تعزیر درجه ۶
- ج- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها
- نکته: مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.
- میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل ۲ برابر و حداکثر ۴ برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

• مجازات تکمیلی (مواد ۲۳ و ۲۴)

- مجازات‌هایی که برای تکمیل مجازات اصلی به آن اضافه می‌شود، "مجازات تکمیلی" نام دارد.
- دادگاه می‌تواند شخصی را که به قصاص یا مجازات تعزیری محکوم شده، با رعایت شرایط قانونی، به یک یا چند مجازات تکمیلی نیز محکوم نماید؛ مشروط به اینکه این مجازات‌ها متناسب با جرم ارتكابی و ویژگی‌های شخصی محکوم‌علیه باشد.
- مجازات‌های تکمیلی، همان‌طور که از نام آن پیداست، جنبه‌ی تبعی یا مستقل ندارند و حتماً باید همراه با مجازات اصلی صادر شوند.
- ❌ دادگاه نمی‌تواند مجازات تکمیلی را به تنهایی و بدون مجازات اصلی تعیین کند.
- در صورتی که به هر دلیلی (مانند عوامل سقوط مجازات) مجرم از مجازات اصلی معاف شود، مجازات تکمیلی نیز از بین می‌رود.
- اما:

اگر دادگاه صرفاً مجازات اصلی را تخفیف دهد یا آن را تعلیق کند، مجازات تکمیلی باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود.

ویژگی‌های مجازات تکمیلی:

الف) اختیاری است.

ب) مختص اشخاص حقیقی است.

ج) مختص قصاص، تعزیرات به هر درجه اعم از عمد و غیر عمد و حدود می‌باشد.

د) در دیات مجازات تکمیلی قابل اعمال نیست.

ث) مجازات تکمیلی و مصادیق آن حصری می‌باشد.

ر) برای شخص یک یا چند مجازات تکمیلی قابل اعمال است.

ز) مجازات تکمیلی باید در حکم قید شود.

ف) ملاک تعیین مجازات تکمیلی، مجازات مقرر در دادنامه است نه مجازاتی که قانون برای آن جرم در نظر گرفته است.

ق) مجازات تکمیلی باید هم‌زمان با صدور حکم محکومیت معین گردد و تعیین آن پس از صدور حکم محکومیت امکان‌پذیر نیست.

ص) در ماده ۶ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده ۲ این قانون، مرتکب را به حداکثر دو مورد از مجازات‌های تکمیلی محکوم نماید.

مصادیق حصری مجازات تکمیلی (ماده ۲۳ ق.م.ا)

این مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌اند که عبارت‌اند از؛

۱- اقامت اجباری در محلی معین

۲- منع از اقامت در محل معین

۳- منع از اشتغال به شغل معین

۴- انفصال از خدمات دولتی

۵- منع از رانندگی

۶- منع از داشتن و صدور دسته‌چک

۷- ممنوعیت از حمل کردن سلاح

۸- منع از خروج اتباع ایران از کشور

۹- اخراج بیگانگان از کشور

۱۰- ملزم نمودن به خدمات عمومی

۱۱- منع از عضویت در گروه‌های سیاسی یا اجتماعی

۱۲- توقیف وسایل ارتکاب جرم

۱۳- ملزم نمودن به یادگیری حرفه یا شغل

۱۴- ملزم نمودن به تحصیل

۱۵- انتشار حکم محکومیت قطعی

نکته ۱: در صورتی که مجازات اصلی با مجازات تکمیلی از یک نوع باشند فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

نکته ۲: دادگاه می‌تواند مرتکب را به یک یا چند مورد از مجازات‌های فوق محکوم نماید (قابل جمع هستند).

در مورد نظامیان، دادگاه نظامی فقط می‌تواند حکم به یکی از آن‌ها و فقط در جرائم تعزیری صادر کند.

○ مدت مجازات‌های تکمیلی

اصل بر این است که مجازات تکمیلی تا ۲ سال است اما استثناء نیز وجود دارد مانند ماده ۷۱۸ تعزیرات در رابطه با محرومیت از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

○ عدم رعایت اجرای مجازات تکمیلی

اگر محکوم به مجازات تکمیلی، مفاد حکم را برای بار اول رعایت نکند، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مجازات تکمیلی تا یک سوم افزایش می دهد.

اگر محکوم به مجازات های تکمیلی، مفاد حکم را برای بار دوم رعایت نکند، قاضی صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، بقیه مدت محکومیت تکمیلی تبدیل به حبس یا جزای نقدی می شود.

○ لغو مجازات تکمیلی

اگر نیمی از مجازات های تکمیلی گذشته باشد، دادگاه اختیار دارد که در صورت اطمینان از اصلاح مجرم، مجازات های تکمیلی را لغو یا کاهش دهد.

• مجازات تبعی (ماده ۲۵ و ۲۶ ق.م.ا)

مجازات تبعی، مجازاتی است که مجرم به تبع مجازات اصلی به آن محکوم می شود. برخلاف مجازات اصلی و مجازات تکمیلی لازم نیست که مجازات تبعی در حکم دادگاه قید شود. مجازات تبعی در مورد همه جرائم وجود ندارد؛ بلکه در مورد بعضی از آن ها است که توسط قانون گذار پیش بینی شده است.

شرایط اعمال مجازات تبعی: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند.

ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مربوط به مجازات تبعی است:

- ۱- در محکومیت قطعی به سلب حیات (مثل زنا یا به عنف): ۷ سال از تاریخ توقف اجرا
- ۲- در محکومیت قطعی به حبس ابد (مثل سرقت حدی بار سوم): ۷ سال از تاریخ توقف اجرا
- ۳- در محکومیت قطعی به حبس درجه ۱ تا ۴ (محکومیت بیش از ۵ تا ۲۵ سال): ۳ سال از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان اجرای مجازات.
- ۴- در محکومیت قطعی به حبس درجه ۵ (محکومیت بیش از ۲ تا ۵ سال): ۲ سال از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان اجرای مجازات.
- ۵- در محکومیت قطعی به قصاص عضو یا بیش از نصف دیه مجنی علیه: ۳ سال از تاریخ اجرا حکم
- ۶- در محکومیت قطعی به قصاص عضو یا نصف دیه مجنی علیه یا کمتر: ۲ سال از تاریخ اجرا حکم
- ۷- در محکومیت قطعی به قطع عضو: ۳ سال از تاریخ اجرا حکم
- ۸- در محکومیت قطعی به نفی بلد: ۳ سال از تاریخ اجرا حکم
- ۹- در محکومیت به شلاق حدی: ۲ سال از تاریخ اجرا حکم

* ملاک مدت زمان اجرای مجازات تبعی میزان مجازات مقرر در حکم قطعی می باشد *

- در تعلیق اجرای مجازات با رعایت دستور دادگاه و عدم ارتکاب جرم جدید مجازات تعلیقی فاقد آثار تبعی است.
- در طول مدت سابقه محکومیت مؤثر کیفری، در گواهی های عدم سوء پیشینه وجود این سابقه محکومیت درج می شود.
- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود. (تبصره ۲۵م۲)

- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود.

محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد. (تبصره ۳ م ۲۵)

- محرومیت از حقوق اجتماعی اصولاً دائمی نیست مگر بندهای الف تا پ ماده ۲۶ که محرومیت از آنان دائمی می باشد.

مثال: الف در سال ۹۳ مرتکب جرم عمدی شده است و محکومیت او به ۳ سال حبس قطعی می باشد پایان مجازات تبعی او چه سالی می باشد؟

سال ۹۶ پایان محکومیت حبس الف می باشد. ۳ سال حبس تعزیر درجه ۵ می باشد پس مدت تبعی ۲ سال است که سال ۹۸ پایان اجرای مجازات تبعی می باشد.

- محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- تبصره ۱ ماده ۲۶- مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به‌عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.

- **محکومیت کیفری غیر مؤثر:** محکومیت به مجازات‌هایی است که در سوء پیشینه کیفری فرد، درج نمی‌گردند و برای او، محرومیت از حقوق اجتماعی را به‌عنوان یک مجازات تبعی، در پی ندارند. نظیر ارتکاب به جرائم غیر عمدی و محکومیت به پرداخت خسارت و دیه یا محکومیت به جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸.

- **نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها:** مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به‌موجب **حکم قطعی** لازم الاجراء حبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا دو میلیون و پانصد هزار ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد. (ماده ۲۷ ق.م.ا)

۱- معادل ۱ روز حبس	۱ روز بازداشت
۲- معادل ۱ روز جزای نقدی	
۳- معادل ۸ ساعت خدمات عمومی	
۴- معادل ۵ روز از دوره مراقبت	
۵- معادل ۳ ضربه شلاق تعزیری	
۶- معادل ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی	

نکته: اگر قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام طبق موارد بالا اقدام می‌کند.

- سایر ضمانت اجرای کیفری (مواد ۳۰ الی ۳۵ ق.م.ا)

الف) منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

ب) منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

ج) منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

د) منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح است.

ه) منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

ن) اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

❖ انواع کیفیت مخففه و معاف کننده مجازات

کیفیات به معنای اوضاع و احوال مؤثر در ارتکاب جرم است.

کیفیات مخففه اعم از قانونی و قضائی، یکی از راهکارهای مؤثر در راستای:

- اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها

- تشویق مجرمین به انصراف از ادامه ارتکاب جرم

- کاهش آثار زیان‌بار جرم بر جامعه می‌باشند.

کیفیات مخففه، معاف کننده و معاذیر قانونی، صرفاً در چارچوب قانون و به‌صورت الزام‌آور قابل اعمال هستند.

این موارد دارای سازوکارهای مشخص بوده و در جرائم معین از سوی قانون‌گذار، با هدف تشویق بزه‌کار به همکاری با نظام کیفری پیش‌بینی شده‌اند.

➤ تخفیف قضایی

یعنی در صورت احراز جهت تخفیف، صدور حکم به کمتر از حداقل مجازات قانونی داده شود.

تخفیف مجازات اختیاری می‌باشد و منوط به احراز وجود کیفیات مخففه می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

جهات تخفیف عبارت‌اند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به‌کاررفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع‌واحوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به‌منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان‌بار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

نکته: ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در بالا در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به‌موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

۳- توبه در جرائم تعزیری غیر منصوص از درجه ۱ تا ۵ از مصادیق کیفیات مخفیه می‌باشد.

۴- درج کیفیت مخفیه در حکم الزامی می‌باشد.

۵- در حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی، تخفیف راه ندارد و تخفیف مجازات مختص جرائم تعزیری غیر منصوص به هر درجه چه عمد

و غیر عمد می‌باشد و شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود.

محدوده تخفیف مجازات:

در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به‌نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل

دهد یا تبدیل کند:

تقلیل	تبدیل
حبس های درجه ۱ تا ۴ ← به میزان ۱ تا ۳ درجه	حبس درجه ۵ تا ۷ ← به جزای نقدی
حبس درجه ۵ یا ۶ ← به میزان ۱ تا ۲ درجه	متناسب با همان درجه
یا تبدیل به جزای نقدی از همان درجه	مصادره کل اموال ← جزای نقدی
انفصال دائم ← انفصال موقت ۵ تا ۱۵ سال	درجه ۱ تا ۴
سایر تعزیرات ← به میزان ۱ تا ۲ درجه	سایر تعزیرات ← به مجازات دیگر از
	همان درجه یا یک درجه پایین‌تر

* ۱- اگر حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز (درجه ۸) صادر شود حکم صادره **الزاماً** به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.*

* ۲- اگر حبس با حداقل کمتر از ۹۱ روز و با حداکثر ۱ سال حبس (کمتر از ۱ سال با درجه ۶،۷) صادر شود و شرایط ماده ۶۶ ق.م.ا محرز باشد می‌تواند قابل تبدیل به جایگزین حبس از جمله جزای نقدی باشد، و اگر شرایط ماده ۶۶ محرز نباشد اختیار با قاضی است که حبس به جزای نقدی در همان درجه تبدیل شود.*

ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نودوپنجاه روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از صد و چهل میلیون ریال یا شلاق تعزیری.

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه»

۳- اگر حبس با حداقل کمتر از ۹۱ روز و با حداکثر بیش از ۱ سال (تا ۵ سال) صادر شود اگر با درجه ۵ و ۶ منطبق باشد قابل تبدیل به جزای نقدی در همان درجه می‌باشد.

توجه: حبس بیش از ۵ سال شامل تعزیر درجات ۴ به بالا خواهد شد که قبلاً گفته شد به هیچ وجه قابل تبدیل نیستند و قابل تقلیل می‌باشند.*

- تشدید مجازات مانع از تخفیف مجازات نمی‌باشد و در فرض **تعدد و تکرار** نیز تخفیف جایز می‌باشد.

- تخفیف در کلاهبرداری، اختلاس و تحصیل مال از طریق نامشروع جایز است.

- اطفال و نوجوانان؛ طبق ماده ۹۳ دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

- اگر مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی که مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد مقررات تخفیف برای آن اعمال نمی‌شود.

○ در این موارد تخفیف مجازات **ممنوع می‌باشد:**

- ضبط اموال حاصل از جرم.

- تعزیر مقرر برای اسیدپاشی یا شروع به آن قابل تخفیف نیست مگر بزه دیده یا اولیاء آن گذشت کنند که تا یک درجه قابل تخفیف می‌باشد.

- اختلال در نظام اقتصادی کشور.

در این موارد تخفیف الزامی می‌باشد؛

- عذر همکاری (ماده ۵۲۱): هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.

- عذر خانوادگی: تبصره ماده ۵۵۴ - در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

- عذر ترک جرم (ماده ۵۸۵): اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.

- عذر اعانت (تبصره ۲ ماده ۷۱۹): هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

- تسلیم به رأی (ماده ۴۴۲ آ.د.ک): در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

تبصره ۳ ماده ۵۲۹ آ.د.ک: «هرگاه محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می‌تواند او را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) جزای نقدی معاف کند. دفتر قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در برگه احضاریه محکوم علیه معافیت موضوع این تبصره را قید کند.»

• معافیت قضایی (ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی)

معافیت از کیفر نهادی است که قانون‌گذار با ایجاد آن، اختیار قاضی را برای بازگرداندن مجرم به جامعه و کاهش مجازات در موارد خاص گسترش داده است.

✎ این معافیت فقط در مورد جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ که:

- غیر منصوص باشند،

- غیر قابل گذشت باشند، قابل اعمال است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

○ شرایط اعمال معافیت از کیفر:

در صورت احراز شرایط زیر توسط قاضی؛

- احراز اصلاح پذیر بودن مرتکب

- وجود جهات تخفیف

- جبران ضرر و زیان شاکی

قاضی می تواند مرتکب را از کیفر معاف کند. مبنای تصمیم، مجازات قانونی جرم است.

❌ مواردی که معافیت از کیفر در آنها ممکن نیست:

- حدود

- قصاص

- دیات

- تعزیرات درجه ۱ تا ۶ (غیر منصوص)

- تعزیرات منصوص شرعی

- جرائم قابل گذشت

- قاچاق کالا و ارز

○ شرایط لازم برای اعمال این نهاد:

۱- تعزیر غیر منصوص درجه ۷ و ۸ تعزیری.

۲- احراز جهات تخفیف (ماده ۳۸ ق.م.ا).

۳- احراز مجرمیت.

۴- تشخیص اصلاح بزهکار در صورت اجرا نشدن مجازات.

۵- گذشت شاکی خصوصی.

۶- جبران ضرر و زیان یا فراهم نمودن ترتیبات جبران.

۷- فقدان سابقه کیفری مؤثر.

- معاذیر قانونی به دودسته ← معاف کننده تقسیم می شود.

← مخففه

در مواردی علاوه بر اختیارات قاضی در اعمال تخفیف موضوع مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا قانون گذار به طور خاص مواردی را مقرر کرده است که اعمال آنها

در اختیارات قاضی نبوده بلکه الزاماً در صورت محرز بودن شرایط قابلیت اجرا دارند که دارای ویژگی هایی به شرح زیر می باشند:

الف- تصریح مقنن در آن موارد خاص.

ب- زوال عنصر قانونی جرم یا اباحه را در بر نخواهند داشت.

ج- منجر به صدور حکم برائت نخواهند شد.

د- رافع مسئولیت کیفری نمی باشند.

م- احراز وقوع جرم و احراز تقصیر مرتکب در آن لازم می باشد.

ن- اثر آن تبدیل یا تقلیل یا از بین رفتن تمام مجازات می باشد.

س- هدف آن تشویق بزهکار جهت کمک به کشف بزه انجام شده می باشد.

○ تفاوت معاذیر با کیفیات مخففه قضایی:

۱- کیفیات مخففه نهادی اختیاری می باشد اما معاذیر قانونی الزامی می باشد.

۲- دایره شمول کیفیات مخففه کل جرائم تعزیری می باشد اما معاذیر قانونی به صورت حصری در برخی موارد بیان شده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

○ مثال‌های برای مصادیق معاذیر قانونی:

الف) معاذیر معاف‌کننده:

- همکاری با مأموران در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی (ماده ۵۰۷ ق.ت)
- عذر توبه؛ احراز توبه در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی (مواد ۵۰۸-۵۰۹-۵۱۲ ق.ت)
- ناچاری و مضطر بودن یا شکایت کردن یا گزارش دادن (راشی-تبصره ماده ۵۹۲ ق.ت)
- عذر حقانیت (تبصره م ۵۵۳ ت)
- تحویل سلاح‌های غیر مجاز در محدوده زمانی معین قانونی (ماده ۱۶ ق.م.ق.چاق اسلحه)
- همکاری مؤثر قبل از تعقیب در جرائم مربوط به تأمین مالی تروریسم (فراز اول ماده ۸ ق.مبارزه با تروریسم)

ب) معاذیر مخففه:

- همکاری راشی با مأموران در ضمن تعقیب کیفری (فراز دوم تبصره ۵ ماده ۳ ق.تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء)
- همکاری متهمان با مأموران در جرائم مرتبط با سلاح و مهمات غیر مجاز (ماده ۱۷ ق.م.ق.چاق اسلحه)
- همکاری مؤثر با مأموران پس از شروع به تعقیب در جرائم مرتبط با تأمین مالی تروریسم (فراز دوم ماده ۸ ق.مبارزه با تأمین مالی تروریسم).

❖ قرار تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ تا ۴۵ ق.م.ا)

ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در تعریف تعویق صدور حکم می گوید: "در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط تعویق در صدور حکم، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد".

در نتیجه در حدود، قصاص، دیات، تعزیر درجه ۱ تا ۵، تعزیرات منصوص شرعی، جرائم موضوع ماده ۴۷ و شروع به آن ها و قاچاق کالا و ارز قابل صدور نیست.

-تعویق صدور حکم به دو نوع؛

- ساده — به طور کتبی در مدت معین شده از سوی دادگاه متعهد می شود جرمی مرتکب نشود.
 - مراقبتی — علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.
- *امکان صدور تعویق حکم به صورت غیابی وجود ندارد.*

☑ نکات

- ✓ نهادهی است اختیاری و در قالب قرار صادر می شود.
- ✓ شرایط؛
- احراز مجرمیت و محرز بودن جهات تخفیف.
- پیش بینی اصلاح مرتکب.
- جبران ضرر و زیان یا فراهم کردن ترتیبات جبران آن.
- وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، سوابق متهم.
- فقدان سابقه کیفری مؤثر.
- ✓ گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی از این نهاد شرط نمی باشد.
- ✓ در جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت قابل صدور است.
- ✓ در تمام جرائم تعزیری نوجوانان با هر درجه ای ولو جرائم ماده ۴۷ صادر می شود.

○ محکومیت های مؤثر عبارت اند از:

- ۱- محکومیت قطعی جرائم عمدی به مجازات های سالب حیات که اجرای حکم متوقف شده است.
 - ۲- محکومیت قطعی در جرائم عمدی به مجازات حبس ابد که اجرای حکم متوقف شده است.
 - ۳- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به مجازات حد قطع عضو.
 - ۴- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به مجازات قصاص عضو.
 - ۵- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به مجازات نفی بلد.
 - ۶- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به مجازات شلاق حدی.
 - ۷- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به مجازات حبس تعزیری از درجه ۱ تا درجه ۵.
- در مورد قاچاق کالا ارز (عمده مواد مخدر و روان گردان، عمده مشروبات الکلی، عمده سلاح و مهمات و قاچاق انسان چه عمده چه غیر عمده قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات صادر نمی شود).
- صرف صدور قرار تعویق صدور حکم بازداشت لغو می شود اما دادگاه می تواند با رعایت تناسب تأمین مناسب اخذ نماید البته نباید منتهی به بازداشت متهم شود.

-قرار تعویق صدور حکم طبق تبصره ۲ ماده ۴۷۲ آ.د.ک قابل اعتراض می باشد.

-غیبت کوتاه اولیاء دم موجب تعویق صدور حکم قصاص می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

-ترک اعتیاد و پرداخت نفقه افراد واجب النفقه در هر حال الزامی است، اعم از آنکه برای متهم قرار تعویق صادر شده یا نشده باشد.

○ موارد لغو قرار تعویق صدور حکم:

الف) تخلف از دستورات:

بار اول: برای یک بار تا نصف به مدت معین شده در قرار افزوده می شود یا قرار تعویق لغو و حکم محکومیت صادر می شود.

بار دوم: قرار تعویق لغو و حکم محکومیت صادر می شود.

ب) ارتکاب جرم جدید:

در حدود، قصاص، جنایت عمد موجب به دیه و تعزیر درجه ۱ تا ۷ قرار تعویق لغو و طبق مقررات جرم **تعدد جرم** حکم محکومیت صادر می شود.

ج) **اشتباه مقام قضایی:** اگر معلوم شود متهم در مدت تعویق صدور حکم دارای سابقه مؤثر کیفری بوده است یا به طور هم زمان قرار تعویقی دیگری برای اتهام دیگر او صادر شده است قرار تعویق لغو و حکم محکومیت او صادر می شود.

ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی

الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

تبصره - تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی

در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

-**ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی:** «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.»

-در صورت لغو قرار تعویق و اصدار حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات جایز نیست.

★ در موارد لغو قرار تعویق صدور حکم، مدت مُعَوَّق جزء مدت مرور زمان حکم محسوب نخواهد شد و از تاریخ لغو قرار تعویق صدور حکم مرور زمان محاسبه می شود.

❖ قرار تعلیق اجرای مجازات (مواد ۴۶ تا ۵۵)

یعنی اینکه مجازات مجرم به طور موقت و در مدت زمانی مشخص اجرا نشود.

شرایط لازم برای تعلیق اجرای مجازات؛

۱- نهادهی است اختیاری و در قالب قرار صادر می شود.

۲- فقط در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ وجود دارد.

۳- امکان تعلیق برای تمام یا قسمتی از مجازات وجود دارد.

۴- احراز مجرمیت و پیش بینی اصلاح مرتکب.

۵- ملاحظات خانوادگی و سوابق اجتماعی.

۶- جبران ضرر و زیان یا فراهم کردن مقدمات آن.

۷- فقدان سابقه محکومیت مؤثر

۸- گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی از این نهاد شرط نمی باشد در نتیجه در جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت امکان صدور دارد.

۹- مدت زمان تعلیق اجرای مجازات ۱ تا ۵ سال می باشد.

۱۰- مرجع صادر کننده؛

الف- دادگاه بدوی یا دادگاه صادر کننده حکم قطعی ضمن صدور رأی می باشد.

ب- یا پس اجرای یک سوم مجازات به پیشنهاد قاضی اجرای احکام یا دادستان یا تقاضای محکوم از طریق این دو مقام توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی.

۱۱- در حدود، قصاص، دیات، تعزیر درجه ۱ و ۲، تعزیرات منصوص شرعی، جرائم ماده ۴۷ و شروع به آن ها و در برخی از قوانین خاص صدور این قرار امکان پذیر نمی باشد.

۱۲- در تمامی جرائم تعزیری (ولو درجه ۱) نوجوانان (افراد ۱۵ تا ۱۸ سال) دادگاه می تواند اجرای مجازات را با رعایت مقررات قانونی به تعلیق در آورد.

۱۳- اقدامات تأمینی و تربیتی قابل تعلیق و تعویق نمی باشد.

- استثنائات ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی؛

الف- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و شروع به آن ها امکان صدور قرار تعلیق و تعویق صدور حکم وجود ندارد مگر در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان که در این صورت تعلیق بخشی از اجرای مجازات بلامانع است این جرائم و شروع به آن ها مطلقاً قابل تعویق صدور حکم نیستند.

ب- سرقت حدی قابل تعلیق و تعویق نمی باشد اما شروع به سرقت حدی با وجود شرایطی قابل تعلیق می باشد همچنین به جز سرقت مقرون به آزار و سرقت مسلحانه سایر سرقتها و شروعشان قابل تعلیق و تعویق می باشند.

ج- در جرائم منافی عفت تعزیری مانند رابطه نامشروع کمتر از زنا و شروع به آن ها با حصول شرایط تعلیق اجرای مجازات جایز می باشد اما جرائم منافی عفت حدی قابل تعلیق و تعویق نمی باشد در صورتی که شروع به آن ها با وجود شرایطی قابل تعلیق و تعویق است.

د- دایر کردن مراکز فساد و فحشا و تشویق مردم به فساد و جرم نمایش، ساخت، تجارت و .. اشیایی که عفت عمومی را جریحه دار می کند و شروع به آن ها قابل تعلیق نمی باشد و نکته مهم آنکه در جرائم منافی عفت مطلقاً صدور قرار تعویق حکم جایز نمی باشد.

ر- انواع قاچاق کالا و ارز چه عمده چه غیر عمده قابل تعلیق نیست.

- طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۷۸ قابل تعلیق اجرای مجازات می‌باشد.
- ۱- جرم ساخت مشروبات الکلی
 - ۲- جرم خرید مشروبات الکلی دست‌ساز
 - ۳- جرم فروش مشروبات الکلی دست‌ساز
 - ۴- جرم حمل مشروبات الکلی دست‌ساز
 - ۵- جرم نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز

- ۶- مجازات جزای نقدی در جرم قاچاق کالا از جمله مشروبات الکلی قاچاق شده — غیر قابل تعلیق اجرای مجازات می‌باشد.
- ۷- مجازات حبس و شلاق در — قاچاق کالا ممنوعه از جمله مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق اجرای — قاچاق سازمان‌یافته مشروبات الکلی مجازات است. — قاچاق حرفه‌ای مشروبات الکلی

ز- کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری برای آن‌ها مقرر شده است یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شوند و شروع به این جرائم نیز با هر مبلغی قابل تعلیق است.

مثال‌هایی برای جرائم در حکم کلاهبرداری:

- ۱- انتقال مال غیر
 - ۲- تقاضای ثبت ملک متعلق به غیر
 - ۳- خودداری از استرداد حق متعلق به غیر
 - ۴- به مصرف رساندن ارز دولتی در بازار آزاد یا سیاه
 - ۵- نقل و انتقال اموال موضوع ماده ۴۹ ق.اساسی
 - ۶- فروش بیمه‌نامه یا تأسیس بدون مجوز نمایندگی بیمه
- و

- صدور چک بلامحل با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق است لکن صدور چک از حساب مسدود و اخلال در نظام اقتصادی کشور غیر قابل تعلیق است.

- در جرم اختلاس به هر مبلغی اگر مرتکب تا قبل از کیفرخواست تمام مال موضوع اختلاس را استرداد نماید دادگاه مکلف است مرتکب را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف نماید و حبس او را معلق و انفصال از خدمت را اجرا گذارد.

- چنانچه قسمتی از مجازات کیفری یا یکی از مجازات‌های مقرر شده در حکم معلق شود مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیر معلق محاسبه می‌شود.

- اگر محکومیت کیفری موجب انفصال از خدمت باشد در صورت تعلیق اجرای مجازات محکومیت معلق موجب انفصال نخواهد شد مگر قانون تصریح کرده باشد یا قرار تعلیق محکومیت لغو شود.

- چنانچه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احرار نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت قطعی دیگری ولو غیر مؤثر می‌باشد که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی دیگری وجود داشته است قرار تعلیق را لغو می‌نماید.

- شرایط لغو قرار تعلیق اجرای مجازات:

الف- تخلف از دستورات دادگاه:

برای بار اول دادگاه می‌تواند یک تا دو سال به مدت مقرر در قرار اضافه نماید یا قرار تعلیق را لغو و مجازات را اجرا نماید.

برای بار دوم دادگاه قرار تعلیق را لغو و مجازات را اجرا می‌نماید.

ب- ارتکاب جرم جدید:

در جرائم موجب حد، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه، تعزیر عمدی درجه ۱ تا ۷ در صورت صدور حکم قطعی محکومیت به این جرائم قرار تعلیق لغو و به هر دو مجازات از باب قواعد تکرار جرم رسیدگی می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ج- اشتباه مقام قضایی:

اگر در مدت تعلیق اجرای مجازات مشخص شود که متهم دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت تعلیقی دیگری بوده است قرار تعلیق لغو و مجازات اجرا می‌شود.

لغو قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی مجازات صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم قطعی مربوط به جرم جدید (در دوران تعلیق مرتکب شده) از آن دادگاه صادر شده است اعم از اینکه بدوی یا تجدیدنظر باشد.

ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی

هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود. (مجازات تبعی نیز نخواهد داشت)

ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به‌طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.

ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی: تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجراء می‌شود.

ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیر معلق محاسبه می‌گردد.

تبصره - در مواردی که به‌موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

❖ نظام نیمه آزادی (مواد ۵۶ و ۵۷)

نظام نیمه آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن، محکوم می‌تواند در مدت اجرای حبس، فعالیت‌هایی نظیر:

- حرفه‌ای

- آموزشی

- حرفه‌آموزی

- درمانی

و مانند آن‌ها را در خارج از زندان انجام دهد.

این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی وابسته به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور انجام می‌شود.

○ شرایط اعطای نظام نیمه آزادی (ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی)

۱. در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ (اعم از عمدی یا غیرعمدی - یعنی از ۳ ماه و ۱ روز تا ۵ سال)، قابل اعمال است.

در حبس‌های درجه ۲، ۳، ۴ در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس، امکان اعمال نظام نیمه آزادی وجود دارد.

۲. گذشت شاکی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت (در صورت وجود شاکی)

۳. سپردن تأمین مناسب الزامی است.

۴. تعهد محکوم علیه به انجام یکی از موارد زیر:

فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی

مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی

درمان اعتیاد یا بیماری

هر اقدامی که در اصلاح فرد یا جبران خسارت بزه دیده مؤثر باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۵. رضایت محکوم علیه برای دریافت نظام نیمه آزادی ضروری است.

مرجع صدور:

دادگاه صادرکننده حکم قطعی

صدور آن اختیاری است.

۷. فقدان سابقه مؤثر کیفری و عدم استفاده قبلی از نظام نیمه آزادی،

شرط لازم نیست.

۸. در موارد زیر نظام نیمه آزادی قابل اعمال نیست:

حبس های درجه ۱ و ۸

حبس های حدی

حبس بدل از جزای نقدی

حبس بدل از مجازات تکمیلی

جرائم قابل گذشت

نکته: محکوم می تواند در طول دوره ی تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا کند و دادگاه موظف به رسیدگی است.

نکته: برخلاف نهاد تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم که در غالب قرار صادر می شوند نهاد نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط در غالب حکم صادر می گردد.

❖ نظام آزادی مشروط (مواد ۵۸ تا ۶۱)

آزادی مشروط نوعی آزادی است که پیش از پایان دوره محکومیت به برخی از محکومان داده می شود، به شرط آن که در مدت باقیمانده، شروط تعیین شده از سوی دادگاه را رعایت کنند.

در ماده ۵۸ قانون مجازات درباره تعریف آزادی مشروط آمده است که: "در مورد محکومیت به حبس تعزیری (به هر درجه)، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط قانونی، حکم آزادی مشروط صادر کرد."

○ شرایط اعمال آزادی مشروط:

الف - محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد

ب - حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود

پ - به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت - محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

✓ نکات:

- آزادی مشروط در کلیه ی محکومیت های به حبس تعزیری

حتی در مورد:

- حبس تعزیری درجه یک

- و تعزیرات منصوص شرعی

امکان پذیر است.



توضیح مهم:

سابقاً رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، صدور حکم آزادی مشروط در محکومیت به حبس ابد تعزیری را مردود دانسته بود. اما با تصویب ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹)، حبس ابد تعزیری ملغی و به حبس تعزیری درجه یک تبدیل شد.

بنابراین، رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴ بلااثر و قابل استناد نیست

★ در حبس حدی، حبس بدل از جزای نقدی، حبس بدل از مجازات تکمیلی، حبس ناشی از عدم تأدیه دیون، حبس مقرر برای اسیدپاشی یا شروع به آن قابل استفاده و اعمال نمی‌باشد.

- محکومان به تبعید یا اقامت اجباری در محل معین، امکان استفاده از آزادی مشروط را نخواهند داشت. (حتی اگر محکوم علیه، دوران تبعید خود را در زندان سپری کند).

- ملاک برای استفاده از آزادی مشروط، مجازات مقرر در دادنامه است.

نهادی اختیاری می‌باشد.

- مقررات مربوط به پیشنهاد آزادی مشروط ناظر به اجرای احکام قطعی و لازم‌الاجراست و اظهارنظر قانونی در خصوص مورد هم علی‌الاصول با دادگاه صادرکننده حکم قطعی اعم از بدوی یا تجدیدنظر خواهد بود (رأی وحدت رویه ۷۳۱)

- در جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت قابل استفاده می‌باشد فلذا گذشت شاکی شرط نیست.

- نیاز به موافقت مرتکب ندارد.

- فقدان سابقه مؤثر و یا فقدان سابقه محکومیت به حبس شرط نمی‌باشد.

- آزادی مشروط به نحو مراقبتی (تدابیر ماده ۴۲ و ۴۳) باشد.

- رد تقاضای آزادی مشروط همچون رد درخواست عفو و تعلیق اجرای مجازات، قابل اعتراض نیست اما رد این تقاضا از سوی دادگاه، مانع طرح مجدد آن نخواهد بود.

تشریفات اعطای آزادی مشروط:

احراز شرایط و گزارش آن توسط رئیس زندان

تأیید قاضی اجرای احکام کیفری

پیشنهاد توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری

ارزیابی دادگاه صادر کننده حکم

* آزادی مشروط در قالب **حکم** صادر می‌شود اما تعلیق اجرای مجازات در قالب قرار صادر خواهد شد.*

* عدم استفاده قبلی از این نهاد شرط می‌باشد و فقط یک بار از آن می‌توان استفاده کرد.*

* اگر حبس ابد پس از عفو خصوصی به مجازات مدت‌دار تبدیل شود این نهاد در آن قابل استفاده و اعمال می‌باشد*

○ مدت آزادی مشروط

مدت آزادی مشروط شامل **بقیه مدت** مجازات می‌شود اما دادگاه می‌تواند آن را تغییر دهد .

به‌طور کلی آزادی مشروط نمی‌تواند از **یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر** باشد به‌جز در مواردی که مدت باقی‌مانده از حبس، **کمتر از یک سال**

باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

- شرایط لغو آزادی مشروط

الف- تخلف از دستورات:

اگر بدون عذر موجه از دستورات تبعیت نکند؛ در **مرتبۀ اول** تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط اضافه می‌گردد.

در **مرتبۀ دوم** باقیمانده مدت آزادی مشروط (محکومیت) به اجرا درمی‌آید (ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب- ارتکاب جرم جدید

صدور حکم قطعی به ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه، تعزیری درجه ۱ تا ۷ عمدی آزادی مشروط لغو و طبق مقررات تکرار جرم رسیدگی می‌شود.

- با لغو آزادی مشروط مرور زمان اجرای مجازات از تاریخ لغو حکم آزادی مشروط شروع می‌شود.

نکته ۱: اگر محکوم در مدت آزادی مشروط مشمول هیچ‌یک از بندهای فوق نگردد آزادی او قطعی خواهد شد.

نکته ۲: مدت زمان دوره‌ی آزادی مشروط جزء دوران محکومیت فرد محسوب می‌شود.

نکته ۳: ماده ۹۰ ق.م.ا: «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی که اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن‌ها نیست.»

❖ نظارت محکومین به حبس با سامانه‌ها الکترونیکی: (ماده ۶۲)

- این شرایط در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۸ قابل اعمال است.

✓ در حبس‌های تعزیری درجه ۴ تا ۷ پس از گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اجراست.

✓ در حبس درجه ۱، حبس بدل از مجازات تکمیلی، حبس ابد، حبس بدل از جزای نقدی قابل اعمال نمی‌باشد.

- نهادی اختیاری می‌باشد.

- اخذ رضایت محکوم ضروری است.

- شرایط مقرر در تعویق مراقبتی باید احراز گردد (ماده ۴۰ و ۴۱ قانون مجازات اسلامی).

- نیاز به اخذ تأمین مناسب توسط قاضی اجرای احکام دارد.

- گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی شرط نمی‌باشد.

- فقدان سابقه محکومیت مؤثر شرط است.

- محدوده مکانی تحت نظارت باید مشخص گردد.

- در طی مدت نظارت دادگاه می‌توان محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آن‌ها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند.»

ماده ۵۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می‌نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می‌سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند.»

ماده ۵۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «چنانچه اقامتگاه اشخاص مشمول تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، در حوزه قضائی دیگری غیر از حوزه قضائی دادگاه صادر کننده رأی باشد، اشخاص مذکور می‌توانند اجرای تصمیم مذکور را در محل اقامت خود تقاضا نمایند. در این صورت قاضی مجری حکم با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت آنان، تمامی دستورهای دادگاه و واحد اجرای احکام و شرایط مقرر در رأی را به قاضی مجری نیابت اعلام می‌نماید و موارد مذکور، تحت نظارت قاضی مرجوع الیه اجراء می‌شود.»

تبصره ماده ۴۵ مبارزه با مواد مخدر: در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده ۳۸ (کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آن‌ها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادر کننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد)

مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.

❖ مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۴ تا ۷۸)

زمانی که فرد طبق قانون محکوم به مجازات حبس شود، به خاطر شرایطی از قبیل امکان از دست دادن شغل، متأهل بودن و غیره درخواست تبدیل مجازات خود را داشته باشد. قاضی طبق قانون و با در نظر گرفتن شرایط ممکن است تبدیل مجازات را انجام دهد.

مجازات‌های جایگزین حبس عبارت‌اند از:

- ۱- دوره مراقبت-مختص جایگزین حبس می‌باشد. (ماده ۸۳)
- ۲- خدمات عمومی رایگان (ماده ۸۴)
- ۳- جزای نقدی (ماده ۸۵)
- ۴- جزای نقدی روزانه (ماده ۸۶)
- ۵- محرومیت از حقوق اجتماعی -مصادقی از مجازات اصلی، تکمیلی، تبعی و جایگزین می‌باشد. (مذکور در ماده ۲۶-ماده ۸۷)

○ شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس مذکور در ماده ۶۴:

- ۱- گذشت شاکی خصوصی
 - ۲- احراز جهات تخفیف (ماده ۳۸)
 - ۳- ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن
 - ۴- ملاحظه آثار ناشی از جرم
 - ۵- ملاحظه سن، مهارت، شخصیت و سابقه مجرم
 - ۶- ملاحظه وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال
- نکته ۱: دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حبس حکم دهد.
- نکته ۲: دادگاه باید در ضمن حکم به سنجش و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در ماده ۶۴ تصریح کند. (ماده ۶۵)

○ موارد اعمال مجازات‌های جایگزین حبس:

- ۱- در جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها ۳ ماه حبس باشد الزامی است.
- ۲- در جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها ۳ ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس باشد الزامی است مگر اینکه؛ به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از مدت اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد

ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی:

- الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری.
- ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.
- ۳- در جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس باشد اختیاری است مگر در صورت وجود شرایط ممنوعیت ماده ۶۶ که اعمال مجازات جایگزین حبس ممنوع است. (ماده ۶۷)
 - ۴- در جرائم غیرعمدی با مجازات حبس دو سال و کمتر از آن الزامی است.
 - ۵- در جرائم غیرعمدی یا مجازات حبس بیش از دو سال اختیاری است. (ماده ۶۸)
 - ۶- در جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قانون موضوعه تعیین نشده است الزامی است. (ماده ۶۹)

○ موارد ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس:

- ۱- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (ماده ۷۱)
 - ۲- در جرائم عمدی با حداکثر مجازات قانونی ۳ ماه و یک روز و تا ۶ ماه حبس یا حداکثر مجازات قانونی بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس که محکوم سابقه محکومیت به جرائم عمدی با مجازات‌های ذیل را داشته و از اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد.
- الف) بیش از یک فقره، سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب) یک فقره سابقه‌ی محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

۳- در جرائم عمدی متعدد اگر مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از ۶ ماه حبس باشد. (ماده ۷۲)

۴- در جرائم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال که با احراز جهات تخفیف به کمتر از یک سال تقلیل یافته باشد. (ماده ۷۳)

۵- در جرائم عمدی با حداکثر مجازات قانونی بیش از یک سال.

✓ همراه بودن سایر مجازات‌ها حبس مانع صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. (ماده ۷۵)

✓ در مورد مجازات‌های جایگزین حبس معیار تعیین صلاحیت و تجدیدنظرخواهی مجازات قانونی جرم ارتكابی است. (ماده ۷۶- تبصره ۱ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

✓ دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس مدت مجازات جایگزین حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، تخلف از دستورها و یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود. (ماده ۷۰)

✓ قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، پیشنهاد تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده‌ی رأی پیشنهاد دهد. (ماده ۷۷)

✓ محکوم در طول دوره‌ی محکومیت به مجازات جایگزین حبس باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد (ماده ۷۸، ضمانت اجرای این ماده، ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی باشد)

✓ اگر دادگاه احراز نماید که رفتار محکوم حاکی از اصلاح اوست می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای یک بار بقیه‌ی مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد. (ماده ۸۰)

○ **ضمانت اجرای مجازات‌های جایگزین حبس:**

الف- اگر محکوم از دستورات تخلف کند؛

مرتبه اول: با پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه **یک چهارم تا یک دوم** به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود.

مرتبه دوم: با تکرار تخلف مجازات حبس اجرا می‌گردد.

ب- اگر محکوم با رفتار عمدی خود مانع اجرای مجازات جایگزین حبس گردد؛

مجازات حبس اجرا می‌گردد. (ماده ۸۲)

○ **انواع مجازات‌های جایگزین حبس: (ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی)**

۱- **دوره مراقبت:** دوره‌ای که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبت (ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی) به شرح زیر محکوم می‌گردد.

الف) در جرائم با مجازات قانونی حداکثر ۳ ماه حبس - تا ۶ ماه

ب) در جرائم با مجازات سه ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس - ۶ ماه تا ۱ سال

ج) در جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است - ۶ ماه تا ۱ سال

د) در جرائمی با مجازات قانونی بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس - ۱ سال تا ۲ سال

ه) در جرائم غیرعمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس - ۲ سال تا ۴ سال

۲- **خدمات عمومی رایگان:** خدماتی که با رضایت محکوم (در صورت عدم رضایت وی مجازات حبس اجرا می‌گردد) برای مدت معین و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به شرح زیر مورد محاکمه و اجرا قرار می‌گیرد. (ماده ۸۴)

الف) در جرائم با مجازات قانونی حداکثر ۳ ماه حبس - تا ۲۷۰ ساعت خدمات عمومی رایگان

ب) در جرائم با مجازات قانونی سه ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس - ۲۷۰ تا ۴۵۰ ساعت

ج) در جرائمی که نوع و میزان آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است - ۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت

د) در جرائمی با مجازات قانونی بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس - ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت

ه) در جرائم غیرعمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس - ۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

✓ ساعات ارائه خدمات عمومی در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم گردد.

ساعات ارائه خدمات عمومی (تبصره ۱ ماده ۸۴ - تبصره ۱ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی):

برای افراد شاغل - حداکثر ۴ ساعت در روز

برای افراد غیر شاغل - حداکثر ۸ ساعت در روز

برای افراد زیر ۱۸ سال - حداکثر ۴ ساعت در روز

✓ قاضی اجرای احکام می‌تواند بنابه وضع جسمانی، نیاز به خدمات پزشکی، محدودیت خانوادگی و مانند این‌ها، انجام خدمات عمومی را برای یک بار در طول دوره به مدت حداکثر ۳ ماه به تعویق اندازد یا تبدیل مجازات را به قاضی دادگاه صادرکننده حکم و پیشنهاد دهد.

۳- جزای نقدی روزانه: (ماده ۸۵)

عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم قرار می‌گیرد و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد. (در پایان هرماه ظرف ۱۰ روز مجموع جزای نقدی روزانه آن پرداخت می‌گردد.)

الف) در جرائم با مجازات قانونی حداکثر سه ماه حبس - تا ۱۸۰ روز جزای نقدی

ب) در جرائم با مجازات قانونی سه ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس - ۱۸۰ روز تا ۳۶۰ روز

ج) در جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است - ۱۸۰ روز تا ۳۶۰ روز

د) در جرائمی با مجازات قانونی بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس - ۳۶۰ تا ۷۲۰ روز

ه) در جرائم غیرعمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس - ۷۲۰ روز تا ۱۴۴۰ روز

۴- جزای نقدی: (ماده ۸۶)

(اصلاحی ۳۰/۳/۱۴۰۳) - میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

الف - جرائم موضوع بند(الف) ماده(۸۳) تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب - جرائم موضوع بند(ب) ماده(۸۳) از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار (۸۲,۵۰۰,۰۰۰) ریال

پ - جرائم موضوع بند(پ) ماده(۸۳) از هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار (۸۲,۵۰۰,۰۰۰) ریال تا دویست و سی میلیون (۲۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ت - جرائم موضوع بند(ت) ماده(۸۳) از دویست و سی میلیون (۲۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و سی میلیون (۳۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی

دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه

ب - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها نودویک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

۵- محرومیت از حقوق اجتماعی: (مذکور در ماده ۲۶)

ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، این امکان را فراهم می‌کند که دادگاه به جای حبس، به تعزیرات تبعی یا تکمیلی، از جمله محرومیت از حقوق اجتماعی، تصمیم بگیرد. این حکم باید به توجیه متعهد باشد و مدت زمان محرومیت از حقوق اجتماعی نباید بیش از دو سال باشد.

قاضی اجرای احکام موظف است مفاد حکم دادگاه و جزئیات محرومیت از حقوق

اجتماعی را به محکوم اعلام کرده و این اطلاعات را به مراجع ذی‌ربط نیز اعلام کند. همچنین، موارد مرتبط با نوع، مدت شروع و پایان محرومیت از حقوق اجتماعی نیز باید به مراجع ذی‌ربط گزارش شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

❖ کیفیات مشدده

ممکن است فردی، باوجود آن که مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل کرده، باز هم متنبه نشود و مجدداً همان جرم را تکرار کند یا بارها مرتکب جرائم مختلف شود.

-در چنین مواردی، تشدید مجازات ممکن است، اما فقط به شرطی که؛ قانون‌گذار به‌صراحت آن را پیش‌بینی کرده باشد.
-دادرس دادگاه نمی‌تواند به میل خود، حتی در صورت خطرناک بودن جرم، مجازات را تشدید نماید.

○ تقسیم‌بندی کیفیات مشدده:

۱. کیفیات مشدده خاص (نوعی یا عینی):

ناظر به وقایع خارجی مربوط به جرم (مثلاً ارتکاب در مکان خاص، علیه گروه خاص و...)

۲. کیفیات مشدده عام (شخصی):

-تکرار جرم

-تعدد جرم

● علل اختصاصی:

علل اختصاصی عواملی هستند که به یک جرم خاص یا مجموعه‌ای از جرائم معین مربوط می‌شوند.

الف) کیفیات مشدده عینی یا نوعی:

این علل به وضعیت جرم و شرایط ارتکاب آن مربوط هستند.

باعث می‌شوند جرم خطرناک‌تر تلقی شده و مجازات شدیدتری برای آن در نظر گرفته شود.

مثال: سرقت از محل مسکونی یا سرقت مسلحانه در شب، موجب تغییر ماهیت سرقت و تشدید مجازات می‌شود.

ب) کیفیات مشدده شخصی:

این علل به ویژگی‌های شخصی مرتکب مربوط می‌شوند. در صورت وجود، مجازات مرتکب تشدید می‌گردد.

مثال: حالت مستی در زمان ارتکاب جرم یا سردستگی در رفتارهای مجرمانه

● علل عمومی:

علل عمومی به عواملی گفته می‌شود که محدود به جرم خاصی نیستند، بلکه در هر جرمی که مصداق داشته باشند موجب تشدید مجازات خواهند شد.

الف) تکرار جرم:

اگر شخصی پس از محکومیت کیفری، دوباره مرتکب جرم شود، مشمول تشدید مجازات به علت تکرار جرم خواهد بود.

-ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.»

● شرایط تحقق تکرار جرم موجب حد (ماده ۱۳۶)

۱-اول اینکه هر مرتبه، مجازات جرائم قبلی را تحمل کرده باشد و دوم اینکه همه جرائم از یک نوع باشد.

۲-وجود فاصله زمانی میان هر بار اجرا شدن حد مهم نمی‌باشد.

۳-متوالی و متناوب بودن اجرای سه بار حد شرط نیست.

۴-اصولاً تکرار جرم تا سه بار در حدود موجب تشدید مجازات نمی‌شود مگر در حد قوادی که در بار دوم مجازات مرد قواد تا ۱ سال تبعید علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق می‌باشد.

۵-اگر فقط حکم به حد صادر بشود اما به دلایل مختلف اجرا نشود، مشمول این ماده نخواهد بود.

۶-در جرائم حدی حتی با گذشت مدت‌های مقرر در قانون و حصول اعاده حیثیت، بازهم رفتار مرتکب تکرار جرم محسوب می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۷- توبه مرتکب در جرائم تعزیری تکراری، قابل پذیرش نیست. اما: این حکم شامل جرائم حدی نمی‌شود؛ یعنی در تکرار جرائم حدی، توبه مرتکب پذیرفته می‌شود.

بنابراین، اگر در مرتبه چهارم توبه مرتکب برای قاضی محرز شود، قاضی حکم به اعدام صادر نخواهد کرد.

ماده ۱۳۷: هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا پنج محکوم شود و از تاریخ قطعییت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تأشیش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

• **شرایط تحقق تکرار جرم موجب تعزیر (ماده ۱۳۶)**

اول: محکومیت قبلی باید قطعی شده باشد یعنی لازم الاجرا گردیده باشد.

دوم: محکومیت قبلی چه عمد و چه غیر عمد باید ماهیتاً تعزیری باشد.

سوم: مهم نیست که جرم قبلی مشابه و یا متفاوت با جرم جدید باشد. آنچه اهمیت دارد این است که محکومیت تعزیری پایه باید از درجات یک تا پنج باشد.

پس اگر جرم اول حد، قصاص، دیه، جرائم غیرعمدی، یا تعزیر درجه ۶ تا ۸ باشد جرم دوم هرگز تکرار نیست.

چهارم: برای تحقق تکرار، جرم دوم که پس از صدور حکم محکومیت قطعی واقع می‌شود باید یک جرم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد پس چنانچه جرم دوم حد، قصاص، دیه، جرائم غیرعمدی، یا تعزیر درجه ۷ و ۸ باشد جرم دوم هرگز تکرار محسوب نخواهد شد. (شرط نیست جرائم از یک نوع باشند)

پنجم: در جرائم غیر عمد تکرار جرم منتفی است اما تعدد جرم در جرائم غیر عمد راه یافته است.

ششم: تحقق تکرار جرم منوط به این است که در بازه زمانی مشخصی رخ دهد؛

الف) اجرای مجازات جرم اول: در این صورت جرم دوم باید در فاصله صدور حکم قطعی برای جرم تا پایان مجازات تبعی یا پایان سابقه محکومیت مؤثر اتفاق افتد.

در این فرض اگر جرم پایه فاقد مجازات تبعی باشد پس از اجرای مجازات جرم دوم تابع مقررات تکرار جرم نخواهد بود.

ب) عدم اجرای مجازات اول: جرم دوم باید در حد فاصل صدور حکم قطعی برای جرم اول تا شمول مرور زمان اجرای مجازات واقع شود.

در این حالت لازم نیست که جرم اول دارای مجازات تبعی باشد در این فرض ملاک تحقق تکرار جرم مرور زمان اجرای مجازات برای جرم اول است.

مواعد مرور زمان

درجه	سال
۱-۲-۳	۲۰ سال می‌باشد.
۴	۱۵ سال می‌باشد.
۵	۱۰ سال می‌باشد.
۶	۷ سال می‌باشد.
۷-۸	۵ سال می‌باشد.

نتیجه اینکه با جمع شرایط گفته شده جرم دوم تکرار محسوب می‌شود و حداقل مجازات ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیشتر از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

← **مثال برای فهم بهتر:**

۱- در سال ۱۳۹۳، شخص الف مرتکب یک جرم عمدی شده و برای او حکم قطعی جزای نقدی درجه ۳ صادر و اجرا شده است.

سؤال) اگر این شخص بعداً مرتکب جرم دیگری از درجه ۱ تا ۶ شود، آیا تکرار جرم محقق می‌شود؟

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

پاسخ: خیر، تکرار جرم محقق نمی‌شود.

دلایل: جزای نقدی درجه ۳ طبق قانون، فاقد مجازات تبعی است.

بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی، برای تحقق تکرار، سابقه محکومیت مؤثر کیفری لازم است. (یعنی باید مجازات اصلی، دارای مجازات تبعی باشد یا به نحوی مؤثر تلقی شود)

با توجه به اینکه:

مجازات قبلی (جزای نقدی درجه ۳) اجرا شده است، و مجازات تبعی ندارد، بنابراین حتی اگر جرم دوم در درجات ۱ تا ۶ هم باشد، تکرار جرم محسوب نمی‌شود.

۲- در سال ۱۳۹۳، شخص الف مرتکب جرم عمدی شده و حکم قطعی غیابی علیه او صادر شده است.

مجازات: جزای نقدی درجه ۳

مجازات اجرا نشده است.

سؤال) اگر شخص الف در سال ۱۳۹۴ (یعنی یک سال بعد) مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ شود، آیا تکرار جرم محقق می‌شود؟

پاسخ: بله، تکرار جرم محقق می‌شود.

دلایل: جزای نقدی درجه ۳ مشمول مرور زمان اجرای مجازات به مدت ۲۰ سال است.

بنابراین، مرور زمان آن تا سال ۱۴۱۳ ادامه دارد.

با توجه به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی:

اگر مجازات قبلی در مدت مرور زمان اجرا نشده باشد ولی هنوز مهلت مرور زمان نگذشته باشد، و جرم جدید هم از درجه ۱ تا ۶ باشد، تکرار جرم محقق خواهد شد.

✓ نکات

مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

-توبه متهم در تکرار در جرائم تعزیری پذیرفته نمی‌شود.

-چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

-در فرض تحقق تکرار جرم چنانچه مجازات جرم اول اجرا نشده باشد، هر دو مجازات باهم جمع می‌شوند.

-ماده ۵۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید.

تبصره - هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده به آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادر کننده آن ارسال کند.

-تکرار جرم در جرائم رایانه‌ای در صورتی که بیش از دو بار باشد دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه و .. طبق بندهای سه‌گانه ماده ۲۷ همان قانون محروم می‌کند.

-جرائم مواد مخدر از حیث مقررات تعدد جرم تابع قواعد عمومی مذکور است در ق.م.ا است اما درحالی که از حیث مقررات تکرار تابع احکام خاص مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر است. (رأی وحدت رویه ۷۳۸-۷۷۶)

-در تکرار جرم، اگر مجازات قانونی جرم دوم شلاق تعزیری درجه ۶ باشد تعیین مجازات به بیش از یک چهارم حداکثر مجازات قانونی جایز است. (رأی وحدت رویه ۷۹۵)

ب- تعدد جرم

اگر ارتکاب جرم یا جرائم بعدی در زمانی انجام شود که؛ جرم یا جرائم قبلی هنوز کشف نشده‌اند یا هیچ‌گونه حکم محکومیت قطعی درباره آن‌ها صادر نشده باشد در این صورت، باوجود ارتکاب چندین جرم، وضعیت تعدد جرم پیش می‌آید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

توضیح: در این حالت، با مرتکبی مواجه هستیم که چندین جرم انجام داده است، چه؛ این جرائم را هم‌زمان یا نزدیک به هم انجام داده باشد و چه در فاصله‌های زمانی طولانی‌تر.

مادامی که هیچ‌کدام از آن جرائم به حکم قطعی محکومیت نرسیده باشند، مسئله مشمول تعدد جرم است، نه تکرار.

• تعدد جرم در تعزیرات

هنگامی که قبل از صدور حکم قطعی، مرتکب چند جرم تعزیری شود، خواه این جرائم یکسان باشند یا متفاوت، وضعیت تعدد جرم به وجود می‌آید.

۱. تعدد مادی: ارتکاب چند فعل مجرمانه‌ی جداگانه (مثلاً چند فقره سرقت مجزا)

۲. تعدد معنوی: انجام یک فعل واحد که منجر به تحقق چند عنوان مجرمانه شود (مثلاً نشر اکاذیب و توهین در یک نوشته)

۳-تعدد در نتیجه:

یک عمل، چند نتیجه مجرمانه به بار آورد (مثلاً انفجار باعث قتل و تخریب شود)

الف-تعدد مادی در تعزیرات(واقعی،عینی،حقیقی)

دو یا چند فعل مجرمانه قبل از صدور حکم قطعی از مرتکب سر می‌زند اعم از اینکه این دو یا چند جرم همه مانند هم باشند (مانند دو بار کلاهبرداری) یا متفاوت (مانند یک کلاهبرداری، سرقت).

در تعدد مادی جرائم تعزیری مشابه: برای همه جرائم یک مجازات در حکم تعیین می‌شود و در این فرض، تشدید مجازات اختیاری است و دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر برای تعدد جرائم مختلف مجازات را تشدید کند.

در تعدد مادی جرائم تعزیری مختلف: برای هر جرم مجازات جداگانه در حکم تعیین می‌شود و در این حالت تشدید مجازات الزامی می‌باشد.

قانون‌گذار در تعدد مادی جرائم مختلف بین تعدد تا ۳ جرم و بیش از ۳ جرم قائل به تفکیک شده است.

در تعدد مادی جرائم مختلف تا ۳ جرم دادگاه برای هر جرم باید حداقل مجازات هر یک از جرائم را بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم تعیین کند یعنی برای هر جرم از بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا سقف حداکثر.(بند ب ماده ۱۳۴)

اگر مجازات جرمی فاقد حداقل یا ثابت باشد دادگاه می‌تواند تا یک‌ششم به اصل آن اضافه کند.(بند ج ماده ۱۳۴)

-در تعدد مادی جرائم مختلف بیش از ۳ جرم دادگاه باید برای هر جرم حداکثر مجازات قانونی را تعیین کند البته می‌تواند مجازات را بیش از

حداکثر تا یک‌چهارم آن تعیین نماید. یعنی برای هر جرم از حداکثر تا حداکثر بعلاوه یک‌چهارم آن(بند پ ماده ۱۳۴)

اگر مجازات جرمی ثابت یا فاقد حداقل باشد دادگاه می‌تواند تا یک‌چهارم به اصل آن اضافه کند.

مثال: شخص الف مرتکب جرائم زیر شده است:

۱.کلاهبرداری

مجازات قانونی: ۱ تا ۷ سال حبس

محاسبه: $4 = 2 \div (7 + 1)$

محدوده مشدد: بیش از ۴ سال تا ۷ سال

میزان حکم صادره: ۵ سال حبس ☒ (در محدوده مشدد)

۲. جعل

مجازات قانونی: ۱ تا ۳ سال حبس

محاسبه: $2 = 2 \div (1 + 3)$

محدوده مشدد: بیش از ۲ سال تا ۳ سال

میزان حکم صادره: ۲.۵ سال حبس ☒ (در محدوده مشدد)

۳. سرقت

مجازات قانونی: ۱ تا ۵ سال حبس

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

محاسبه: $3 = 2 \div (1+5)$

محدوده مشدد: بیش از ۳ سال تا ۵ سال

میزان حکم صادره: ۴ سال و ۹ ماه  (در محدوده مشدد)

نتیجه نهایی:

با توجه به تعدد جرم و صدور احکام جداگانه برای هر یک، طبق قانون مجازات اسلامی در چنین مواردی فقط مجازات اشد اجرا می‌شود.

✓ در این مثال، مجازات اشد = ۵ سال حبس بابت کلاهبرداری

بنابراین، تنها همین مجازات اجرا خواهد شد.

 نکات:

- در تعدد جرائم مشابه به همراه جرائم مختلف، جرائم مشابه در شمارش تعداد جرائم یک جرم محسوب می‌شوند.

- در تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸ با هم: مقررات فوق‌الذکر در تعدد جرائم مشابه و مختلف اعمال می‌شود.

- در تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ با سایر درجات: تعداد و تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ موجب تشدید مجازات سایر درجات نمی‌شود در تعدد این جرائم با جرائم درجه ۱ تا ۶ به‌طور جداگانه برای جرائم درجه ۷ و ۸ مطابق قواعد فوق تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت فقط مجازات اشد قابل اجرا می‌باشد.

- در تعدد جرائم مختلف که برای هر جرم مجازات جداگانه تعیین می‌شود فقط مجازات اشد درج شده در دادنامه قابل اجرا می‌باشد و اگر به هر دلیلی مجازات اشد تقلیل یابد یا تبدیل شود یا با گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت نسخ شود مجازات قانونی یا مرور زمان غیر قابل اجرا شود مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود که در این صورت میزان مجازات اجرا شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود.

- در اجرای مجازات اشد اجرای نهاد های ارفاقی همچون آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، عفو خصوصی در حکم اجرا می‌باشد و نیازی به اجرای مجازات اشد بعدی نمی‌باشد.

- در تعدد مادی جرائم مختلف تعزیری اگر برای یکی از جرائم مجازات تکمیلی یا محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات اصلی تعیین شده باشد آن مجازات در هر صورت اجرا می‌شود حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد.

* در تعدد مادی در تعزیرات اصولاً قاعده جمع مجازات نمی‌باشد بلکه قاعده اعمال همه مجازات‌ها در حکم و اجرای مجازات اشد است مگر در موارد زیر که از قاعده جمع مجازات پیروی می‌شود.

- در تعدد جرائم بین حد و تعزیر و قصاص و تعزیر اصولاً قاعده جمع مجازات می‌باشد و اصولاً اول حد یا قصاص اجرا می‌شود سپس تعزیر مگر حد یا قصاص سالب حیات باشند و تعزیر از جرائم حق الناسی یا منصوص شرعی باشد و اگر تعزیر اجرا شود موجب تأخیر در اجرای حد نمی‌باشد که با جمع این شرایط اول تعزیر سپس حد یا قصاص اجرا خواهد شد.

اگر حد و تعزیر از یک جنس باشند مانند سرقت حدی و سرقت تعزیری در این حالت تعزیر ساقط می‌شود و فقط حد اجرا خواهد شد.

- نکته: اگر جرمی مقدمه ضروری برای انجام جرم دیگری باشد باب تعدد در اینجا مطرح نیست و مرتکب فقط به مجازات جرم اصلی محکوم می‌شود.

ب- تعدد معنوی در تعزیرات (تعدد اعتباری، ذهنی)

زمانی که یک فعل واحد از مرتکب سر می‌زند و یک نتیجه حاصل می‌شود، اما همان نتیجه با دو یا چند عنوان مجرمانه منطبق است، این وضعیت را تعدد معنوی می‌نامند.

حکم قانونی:

در این حالت، فقط به مجازات جرم شدیدتر محکوم می‌شود، اما نه حداکثر آن، بلکه مجازاتی که قاضی تعیین می‌کند.

ملاک تشخیص مجازات اشد، مجازات حکمی (مقداری که قاضی تعیین کرده) است، نه صرفاً مجازات قانونی.

 تبصره مهم:

اگر فعل واحد دارای دو عنوان مجرمانه باشد که یکی تعزیری و دیگری حدی، قصاص یا دیه باشد، در این حالت تعدد معنوی محسوب نمی‌شود.

بلکه مشمول قاعده جمع مجازات‌ها خواهد بود (یعنی هر دو مجازات قابل اعمال هستند).

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ج-تعدد نتیجه در تعزیرات

فعلی از مرتکب سر میزند و از این فعل دو یا چند نتیجه با یک عنوان حاصل می‌شود.

در این حالت نیز مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم خواهد شد.

• تعدد در حدود

اگر شخصی پیش از اجرای مجازات یک جرم حدی مرتکب جرم حدی دیگر شود از باب تعدد رسیدگی خواهد شد و اصل بر جمع مجازات می‌باشد مگر جرم حدی باشد و مجازات آن یکسان باشد که در این صورت فقط یک حد اجرا خواهد شد.

ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می‌گردد.»

✓ در تعدد قذف اگر قاذف نسبت به دو یا چند مرتکب قذف شود چنانچه با چند لفظ قذف کرده باشد چند حد بر او جاری خواهد شد به نحوی که هر یک از قذف شوندگان می‌توانند جداگانه اجرای حد را طلب کنند چه مقذوفین همه با هم شکایت کرده باشند چه هر کدام به‌طور جداگانه طرح شکایت نموده باشند. (ماده ۲۵۶ ق.م.ا)

در حالت بعدی اگر قاذف چند نفر را با یک لفظ قذف کند هر کدام می‌توانند جداگانه تقاضای اجرای حد نمایند اما اگر همه مقذوفین با هم طرح شکایت نموده باشند تنها یک حد جاری خواهد شد. (ماده ۲۵۷ ق.م.ا)

✓ طبق ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی: در صورت تعدد حد و قصاص، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود. اصولاً ابتدا حد اجرا می‌گردد.

اگر اجرای حد باعث شود که: موضوع قصاص از بین برود

یا

اجرای قصاص با تأخیر مواجه شود

در این صورت، ابتدا قصاص اجرا می‌شود.

🕒 در صورت تبدیل یا تأخیر در قصاص: اگر به هر دلیلی؛ قصاص تبدیل به دیه شود یا عفو گردد یا در مطالبه آن تأخیر صورت گیرد در این حالت، اجرای حد مقدم خواهد بود.

❖ عوامل سقوط مجازات‌ها

• الف-عفو

عفو عمومی به موجب قانون ایجاد می‌شود و بر اساس آن فعل مجرمانه‌ای بدون آن که شخصیت مجرمان در نظر گرفته باشد، بخشیده می‌شود.

مختص تعزیرات است و مقید به زمان نیست و ممکن است موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات شود و سایر مداخله کنندگان جرم را نیز در بر می‌گیرد و چنانچه پس از حکم قطعی محقق شود موجب زوال مجازات اصلی، تکمیلی، تبعی می‌شود.

عفو عمومی استثنائاتی دارد که به شرح ذیل است:

-اقدامات تأمینی و تربیتی مشمول عفو عمومی نمی‌شود و همچنان به قوت خود باقی می‌ماند.

-محکومیت‌های عمومی که منشأ آن رفتار مجرمانه است مشمول عفو عمومی نمی‌شود.

-عفو عمومی دیه را شامل نمی‌شود و در هر صورت باید پرداخت شود.

-عفو عمومی حقوق زیان دیدگان را در بر نمی‌گیرد و آن‌ها در هر زمان می‌توانند خسارات خود را مطالبه کنند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

عفو خصوصی: عفو خصوصی به عفوی گفته می‌شود که قوه قضاییه اشخاصی را برای عفو کردن به رهبر پیشنهاد می‌دهد و رهبر نیز پس از بررسی یا بخشی و یا تمام مجازات متهم را عفو می‌کند.

عفو خصوصی تمامی جرم و مجازات‌ها را در بر می‌گیرد از جمله مجازات‌های تعزیری و بازدارنده و یا مجازات‌های حد و غیره. عفو خصوصی برخلاف عفو عمومی مقید به زمان است و فقط پس از صدور حکم قطعی ممکن است و موجب صدور قرار موقوفی اجرای مجازات می‌شود و به محکومان و مجرمان اختصاص دارد همچنین سایر مداخله کنندگان جرم را در بر نمی‌گیرد. عفو خصوصی موجب زائل شدن مجازات اصلی، تکمیلی می‌شود اما بر مجازات تبعی فاقد اثر خواهد بود. نکته: عفو (عمومی - خصوصی) بر قصاص و دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجازات انتظامی، اداری، جریمه‌های مالیاتی و هزینه دادرسی اثر ندارد.

ب. گذشت شاکی

گذشت شاکی همان‌طور که از نامش پیداست یعنی شاکی یا متضرر از تعقیب کردن متهم و یا مجازات کردن او بگذرد. البته باید توجه داشت زمانی گذشت شاکی باعث سقوط کامل تعقیب و مجازات می‌شود که جرم از جرائم قابل گذشت باشد. اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم می‌باشد مگر قانون‌گذار صراحتاً جرمی را قابل گذشت عنوان نماید. به‌طور کلی در قانون ما اگر جرم از نوع حق الناس باشد، جرم قابل گذشت است و مابقی جرائم از نوع غیرقابل گذشت است. طبق ماده ۱۲ آ.د.ک در جرائم قابل گذشت تعقیب متهم با شکایت شاکی شروع خواهد شد و با گذشت او نیز موقوف می‌شود. طبق ماده ۱۰۰ ق.م.ا نیز گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات حسب مورد خواهد شد. جرم غیرقابل گذشت در تبصره ۲ ماده ۱۰۰ چنین تعریف شده است: «جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آن‌ها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.»

✦ فهرست جرائم قابل گذشت

ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی؛ (اصلاحی ۲۵/۰۲/۱۴۰۳) - علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است.

تبصره (الحاقی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.

❖ فهرست جرائم قابل گذشت

۱. جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات مثل ماده ۵۶۷ ق. ما مصوب ۱۳۹۲ ناظر بر اقدام عمدی بر تمامیت فیزیکی دیگری بدون آسیب و صدمه که قابل مصالحه فرض شده است.

۲. حد قذف ماده ۲۵۵ بند ب ماده ۲۶۱ و تبصره ۳ ماده ۱۰۰ ق. ما مصوب ۱۳۹۲

۳. جعل سند عادی ماده ۵۳۶ ق تعزیرات

{جعل یا استفاده از سند مجعول اصولاً غیرقابل گذشت محسوب می‌شود و تنها جرم مقرر در ماده فوق قابل گذشت دانسته شده است.}

۴. تحصیل سند یا نوشته با سو استفاده از ضعف نفس اشخاص

۵. توهین به افراد ماده ۶۰۸ ق تعزیرات

۶. سقط جنین ناشی از ضرب و اذیت و آزار عمدی زن حامله ماده ۶۲۲ ق. تعزیرات

۷. امتناع از دادن طفل سپرده شده ماده ۶۳۲ ق تعزیرات

۸. رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست در محل خالی از سکنه ماده ۶۳۳ ق تعزیرات

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۹. توهین به مقامات ماده ۶۰۹ ق تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
۱۰. مزاحمت تلفنی ماده ۶۴۱ ق تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
۱۱. تدلیس در نکاح ماده ۶۴۷
- {جرم ترک انفاق به موجب ماده ۵۸ ق.ح.خ}
۱۲. افشای اسرار ماده ۶۴۷ ق تعزیرات
۱۳. تهدید مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق تعزیرات
۱۴. سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضاء ماده ۶۷۳ ق تعزیرات
۱۵. خیانت در امانت ماده ۶۷۴ ق تعزیرات
۱۶. تحریق اشیاء منقول ماده ۶۷۶ ق تعزیرات
۱۷. تخریب ماده ۶۷۷ ق تعزیرات
۱۸. کشتن مسموم کردن تلف یا ناقص کردن عمدی و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت دیگری با حیواناتی که شکار آن ها توسط دولت ممنوع است. ماده ۶۷۹ تعزیرات
۱۹. سوزاندن با اتلاف عمدی اسناد تجاری با غیر تجاری غیردولتی ماده ۶۸۲ ق تعزیرات
۲۰. چراندن محصول دیگری تخریب باغ و محصول دیگری ماده ۶۸۴ ق تعزیرات
۲۱. قطع یا از بین بردن اصله نخل خرما بدون مجوز قانونی ماده ۶۸۵ ق تعزیرات
۲۲. تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق ماده ۶۹۰ ق تعزیرات {منوط به اینکه ملک متعلق به اشخاص خصوصی باشد}.
۲۳. تصرف ملک غیر به قهر و غلبه ماده ۶۹۲ ق تعزیرات
۲۴. مجازات تکرار تصرف یا مزاحمت پس از اجرای حکم ۶۹۳ ق تعزیرات
۲۵. ورود به عنف یا تهدید در منزل یا مسکن غیر ماده ۶۹۴ ق تعزیرات
۲۶. نشر اکاذیب ماده ۶۹۸ ق تعزیرات
۲۷. افترای عملی ماده ۶۹۹ ق تعزیرات
۲۸. هجو ماده ۷۰۰ ق تعزیرات
۲۹. صدمات رانندگی با میزان مندرج در ماده ۷۱۶ ق تعزیرات
۳۰. صدمات رانندگی با میزان مندرج در ماده ۷۱۷ ق تعزیرات
۳۱. افترا ماده ۶۹۷ ق تعزیرات
۳۲. تحریف و تغییر و انتشار فیلم و صوت متعلق به غیر ماده ۷۴۴ ق تعزیرات
۳۳. کلیه جرائم تعزیری با درجه پنج و کمتر افراد زیر ۱۸ سال منوط به داشتن بزه دیده
۳۴. جرائمی که به موجب قانون خاص قابل گذشت هستند؛ مثل جرم صدور چک پرداخت نشدنی مواد ۱۱ و ۱۲ ق. صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷ و جرم ترک انفاق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب (۱۳۹۲)
۳۵. شروع به تمام جرائم قابل گذشت.
۳۶. معاونت در تمام جرائم قابل گذشت.
- ✓ نکات:
- طبق تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا: «حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه ۴ تا ۸ مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابند.»
- جرائم علیه میراث تاریخی و فرهنگی غیر قابل گذشت محسوب می شوند.

-سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص درهرحال جرمی قابل گذشت محسوب می شود اما در صورتی تشدید می شود که مرتکب ولی یا سرپرست بزه دیده باشد.

-خطای محض مطلقاً قابل گذشت است.

-جنایت شبه عمد اصولاً قابل گذشت است. اگر شبه عمد ناشی از تقصیر (مانند قصور پزشکی) باشد: با گذشت شاکی خصوصی فقط دیه ساقط می شود.

-از میان جرائم حدی، فقط حد قذف جزء جرائم قابل گذشت محسوب می شود.

در مورد سرقت حدی:

شرط اجرای حد، شکایت شاکی خصوصی و عدم گذشت وی است.

در صورت گذشت شاکی، حد اجرا نمی شود.

در این حالت، بر اساس ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی، مرتکب به مجازات سرقت تعزیری محکوم خواهد شد.

-گذشت نیاز به اهلیت استیفا دارد و در خصوص مجبورین حق شکایت و گذشت با ولی و سرپرست او می باشد البته در مورد قیم اتفاقی گذشت منوط به موافقت دادستان است.

- گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

-گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می شود.

- هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع

می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

- حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

ج. مرور زمان

مرور زمان یعنی گذشت مدت معین قانونی از تاریخ وقوع جرم یا صدور حکم.

در این صورت: شاکی حق اقامه دعوا را از دست می دهد، یا تعقیب متهم و اجرای حکم متوقف می شود.

اگر پیگیری کیفری یا اجرای حکم، برای مدتی متوقف بماند، پس از آن، امکان تعقیب یا اجرای حکم وجود ندارد. در این حالت گفته می شود: "جرم مشمول مرور زمان شده است."

ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

تبصره ۱- اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می دهند.

تبصره ۲- در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

انواع مرور زمان

- ۱- مرور زمان کیفری شکایت
- ۲- مرور زمان تعقیب
- ۳- مرور زمان صدور حکم
- ۴- مرور زمان اجرای احکام

○ مرور زمان کیفری شکایت

اگر متضرر از جرم در جرائم تعزیری قابل گذشت، ظرف یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود. **لا مگر اینکه:**

تحت سلطه‌ی مرتکب باشد،

یا فاقد اختیار و قدرت شکایت باشد.

در این موارد، پس از رفع موانع،

مهلت شکایت یک سال دیگر تمدید می‌شود.

✓ غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی که به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.

○ مرور زمان تعقیب:

- مرور زمان مختص تعزیرات غیر منصوص به هر درجه می‌باشد و در حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی راه ندارد.

- در جرم مستمر مبداء مرور زمان تعقیب از تاریخ قطع استمرار است.

- در رابطه با اناطه مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی محاسبه می‌شود.

- در مورد تعقیب جرائم نظامی زمان جنگ ماده ۶۲۴ آ.د.ک: «ابتدای مرور زمان نسبت به جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی دو زمان جنگ، یک سال پس از اعلام پایان جنگ و در مورد جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی یک زمان جنگ، سه سال پس از اعلام پایان آن است.»

- طبق رأی وحدت رویه ۸۲۲ مرور زمان جرم تغییر کاربری اراضی از تاریخ وقوع جرم آغاز می‌شود.

○ مرور زمان صدور حکم

اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی پس از گذشت مدت‌های مذکور در ماده ۱۰۵ ق.م.ا حکم قطعی صادر نشود موضوع مشمول مرور زمان صدور حکم و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب خواهد شد.

- مرور زمان تعقیب و صدور حکم یکسان می‌باشد.

مواعد مرور زمان صدور حکم:

- ۱۵ سال ← تعزیری درجه ۱ تا ۳
- ۱۰ سال ← تعزیری درجه ۴
- ۷ سال ← تعزیری درجه ۵
- ۵ سال ← تعزیری درجه ۶
- ۳ سال ← تعزیری درجه ۷ و ۸

مرور زمان اجرای مجازات

مرور زمان، اجرای احکام قطعی را در جرائم تعزیری موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم شروع می‌شود.

- مواعد آن بیشتر از مواعد مرور زمان تعقیب و صدور حکم می‌باشد. در جرائم تعزیری غیر منصوص به هر درجه قابل استفاده است و تأثیری بر مجازات تبعی ندارد.

مواعد مرور زمان اجرای مجازات

۲۰ سال — تعزیر درجه ۱ تا ۳

۱۵ سال — تعزیر درجه ۴

۱۰ سال — تعزیر درجه ۵

۷ سال — تعزیر درجه ۶

۵ سال — تعزیر درجه ۷ و ۸

نکته: مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی ماده ۱۰۷ ق.م.ا می‌باشد.

- جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

ث- قاچاق کالا و ارز با هر مبلغی

☑ نکات پایانی

- بر اساس ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که اجرای مجازات اصلی به علت شمول مرور زمان منتفی شود: اجرای مجازات تکمیلی نیز منتفی خواهد شد. به بیان دیگر، اجرای مجازات تکمیلی بدون اجرای مجازات اصلی ممکن نیست.

- برخلاف مجازات‌های تکمیلی، مجازات‌های تبعی مشمول مرور زمان نمی‌شوند.

- قطع مرور زمان در صورت رفتار عمدی مرتکب در مواردی که عدم اجرای مجازات ناشی از رفتار عمدی محکوم علیه باشد، امکان استناد به مرور زمان وجود ندارد.

قطع مرور زمان نسبت به کلیه شرکا و معاونان: قطع مرور زمان، مطلق است و تنها به مرتکب اصلی محدود نمی‌شود. در صورتی که؛

مرور زمان نسبت به یکی از متهمان یا محکومان قطع شود، این قطع، شامل سایر شرکا و معاونان جرم نیز خواهد بود.

- اجرای مجازات یکی از محکومیت‌ها در جرائم متعدد: چنانچه شخصی دارای چند فقره محکومیت قطعی به علت ارتکاب جرائم مختلف باشد، به محض شروع اجرای یکی از مجازات‌ها، مرور زمان اجرای سایر مجازات‌ها نیز قطع می‌گردد.

د- توبه

- توبه در معنای لغوی یعنی دست کشیدن از گناه و بازگشتن به راه درست است. توبه به عنوان یکی از راه‌های سقوط تعقیب و مجازات در قانون جدید پیش‌بینی شده است.

- بر اساس ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی در جرائم حدی به استثنای جرم قذف و محاربه، در صورتی که متهم قبل از آن که جرمش ثابت شود توبه کند، و این توبه و احرار پشیمانی او نزد دادگاه و قاضی ثابت شود، حد از او ساقط خواهد شد.

و یا در صورتی که خود مجرم جرائم حدی به استثنای قذف را با اقرار ثابت کرده باشد، اگر بعد از اثبات جرم توبه کند، دادگاه این امکان را دارد که او را برای عفو کردن از طریق رئیس قوه قضاییه به رهبر پیشنهاد بدهد.

- به موجب حکمی که در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی آمده است اگر جرمی که شخص مرتکب شده است از درجه ۶ تا ۸ باشد، چنانچه ندامت و پشیمانی متهم نزد دادگاه ثابت شود، می‌تواند اجرای حکم او را ساقط کند.

- طبق رأی وحدت رویه ۸۱۳ توبه پس از صدور حکم قطعی و در مرحله اجرای مجازات اصولاً بی‌تأثیر است مگر در دو مورد که اول توبه در حبس ابد سرقت حدی مرتبه سوم می‌باشد و دوم در توبه در نفی بلد محاربه.

- احرار توبه در صلاحیت دادگاه می‌باشد.

ث. قاعده دراء

ماده ۱۲۰ ق.م.ا «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

-قاعده دراء از عوامل سقوط دعوای عمومی ماده ۱۳ آ.د.ک نیست و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب نمی‌شود و به نظر در صورت اعمال قاعده دراء رأی صادره باید قرار منع تعقیب یا حکم برائت باشد.

✦ این قاعده مختص حدود نمی‌باشد و در دیات، تعزیرات، قصاص نیز متصور است.

-در حدود به غیر محاربه - افساد فی الارض - قذف - سرقت حدی صرف وجود شبهه موجب سقوط مجازات می‌شود و نیازی به تحصیل دلیل نمی‌باشد.

-در تعزیرات - قصاص - دیات - و ۴ حد بالا صرف وجود شبهه کافی نمی‌باشد و اگر دلیلی بر نفی آن یافت نشود مجازات ساقط می‌شود.

- {تفسیر شک به نفع متهم یکی از آثار فرض برائت و تفسیر مضیق قوانین جزایی به شمار می‌رود که با توجه به آن قاضی موظف است، شک خود را به نفع متهم تفسیر نموده و او را تبرئه نماید بی‌آنکه نیاز به تحقیق بیشتر باشد.}

ک. نسخ مجازات قانونی

بر اساس: بند «ت» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی

✦ یکی از موارد سقوط تعقیب و مجازات متهم، نسخ مجازات قانونی است.

تعریف: نسخ مجازات قانونی یعنی حذف عنوان کیفری یک رفتار در قانون جدید به طوری که آن رفتار دیگر جرم محسوب نشود.

نتیجه: اگر فردی در زمان ارتکاب مرتکب عملی شود که در آن زمان جرم بوده، اما در زمان تعقیب یا اجرای حکم، آن رفتار دیگر جرم تلقی نشود، تعقیب و مجازات منتفی شده و باید قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات صادر شود.

به عبارت دیگر: جنبه کیفری عمل از بین می‌رود و قانون جدید مقدم است.

ت. فوت محکوم علیه

یکی از اصول مهم در حقوق کیفری، اصل شخصی بودن مجازات است.

مجازات تنها متوجه شخص مرتکب جرم است، بنابراین اگر متهم فوت کند، مجازات نیز متوقف می‌شود.

شمول اصل: این قاعده شامل مجازات‌های زیر است؛

۱- حدود

۲- تعزیرات

۳- مجازات‌های بازدارنده

استثنا: در مورد قصاص و دیه، فوت متهم مانع از اجرای مسئولیت نیست.

در صورت فوت مرتکب، دیه و قصاص (در مواردی که قابل تبدیل باشد) از ترکه متهم پرداخت می‌شود.

فصل دوم - جزای اختصاصی

جرائم علیه اشخاص، به جرائمی گفته می‌شود که متوجه خود فرد (و نه اموال و دارایی او) هستند.

-این جرائم اغلب شدیدترین مجازات‌ها را به همراه دارند.

-بیشتر شامل حدود و قصاص می‌باشند.

○ انواع جنایت بر مبنای موضوع آسیب:

۱-جنایت بر نفس:

— آسیبی که منجر به مرگ فرد شود.

+ قتل عمد، شبه عمد یا خطای محض از مصادیق آن است.

۲-جنایت بر عضو:

— آسیبهایی که منجر به نقص یا جراحت یک عضو بدن شده

+ مانند قطع انگشت، جراحت دست یا شکستن بینی

۳-جنایت بر منافع:

— آسیبهایی که نفع عضو را از بین می‌برد، بدون آنکه عضو قطع یا جراحتی ایجاد شود.

+ مانند از بین رفتن بینایی، شنوایی، بویایی، یا ناتوانی در حرکت

○ جنایت بر مبنای عنصر روانی به:

الف-جنایت عمد: مجرم از روی قصد و اراده و تمایل بزهکارانه، فعل یا ترک فعلی را مرتکب می‌شود که اعم از جنایت عمد بر نفس و جنایت عمد مادون نفس.

ب-جنایت شبه عمد: مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد مانند فرد قصد کشتن مقتول را ندارد و عمل وی نیز کشنده نیست، اما در نتیجه منجر به مرگ فرد دیگری می‌شود(شبه عمد بر نفس).

ج-خطای محض: جنایت یا بزه خطای محض زمانی رخ می‌دهد که مرتکب نه قصد انجام فعل مجرمانه را دارد و نه قصد آسیب رساندن به دیگری، اما به‌طور کاملاً اتفاقی و ناگهانی باعث قتل یا آسیب به شخصی می‌شود.

□ عنصر مادی جنایت

رفتار مجرمانه ممکن است به یکی از دو صورت زیر باشد:

۱. مباشرت یا تسهیل (تسبیب)

مباشرت: ارتکاب مستقیم عمل مجرمانه توسط مرتکب

تسبیب: فراهم کردن مقدمات ارتکاب جرم توسط دیگری

۲. با فعل یا ترک فعل

○ فعل در جنایت:

فعل جنایی به دو نوع تقسیم می‌شود؛

۱-فعل مادی (اصابتی):

-دارای آثار عینی و قابل مشاهده بر بدن مجنی علیه است.

مثل: چاقو زدن، تیراندازی، ضربه زدن